

تقدیم:

به مردم آزاده و پاک‌اندیش ایران

نقشه ایران

فهرست

۱۲	مقدمه چاپ سوم
۱۳	پیش‌گفتار
۱۶	مقدمه چاپ دوم
۱۷	نشانه آواها

بخش اول - نگاهی به خلیج فارس

۲۱	فصل اول - جایگاه طبیعی و جغرافیایی
۲۱	۱- پیدایی خلیج فارس
۲۲	۲- زمین‌شناختی
۲۴	۳- تکتونیک و زلزله‌خیزی
۲۵	۴- جایگاه جغرافیایی، حدود، پهنه
۲۶	۵- رودها
۲۸	۶- آب و هوا
۲۹	۷- منابع طبیعی
۲۹	۸- بندرها و جزیره‌ها
۲۹	۹- استراتژیک
۳۱	۱۰- ژئوپولیتیک
۳۲	۱۱- نظامی
۳۵	فصل دوم - پیشینه تاریخی

۳۵	۱- پیش از اسلام
۳۵	۱-۱- عیلامیان
۳۶	۱-۲- هخامنشیان
۳۷	۱-۳- اشکانیان
۳۷	۱-۴- ساسانیان
۳۸	۲- پس از اسلام
۳۸	۲-۱- اسلامی
۴۰	۲-۲- صفوی
۴۱	۲-۳- افشار و زند
۴۲	۲-۴- قاجار
۴۳	۲-۵- پهلوی
۴۷	۲-۶- جمهوری اسلامی
۴۹	فصل سوم - اقتصاد
۴۹	۱- پیش از اسلام
۵۳	۲- پس از اسلام

بخش دوم - نام خلیج فارس

۶۳	پیش گفتار
۶۷	فصل اول - نام خلیج فارس پیش از اسلام
۸۹	فصل دوم - نام خلیج فارس پس از اسلام
۸۹	۱- دوره اسلامی
۹۷	۲- غزنویان، سلجوقیان و اتابکان لرستان

۱۰۲	۳- مغول تا پهلوی
فصل سوم - نام خلیج فارس و نویسندگان، جهانگردان و فرهنگهای عربی و	
۱۱۱	اروپایی
۱۱۱	۱- نویسندگان و فرهنگهای عرب
۱۱۴	۲- نویسندگان، جهانگردان و فرهنگهای اروپایی
فصل چهارم - نام خلیج عربی	
۱۲۳	۱- پیش از اسلام
۱۲۴	۲- پس از اسلام
فصل پنجم - نام خلیج فارس و اسناد حقوقی و سازمان ملل متحد	
۱۲۹	۱- اسناد حقوقی
۱۳۲	۲- سازمان ملل متحد
فصل ششم - نام خلیج فارس و وزارت امور خارجه، نهادها و دانشگاهها،	
پژوهشگران دانشجویان، دانش آموزان و مردم ایران	
۱۳۷	۱- وزارت امور خارجه
۱۴۱	۲- نهادها، دانشگاهها و مراکز فرهنگی
۱۴۴	۳- پژوهشگران، دانشجویان، دانش آموزان و مردم ایران
۱۵۱	افزوده‌ها
۱۷۱	چکیده
۱۹۵	فهرست‌ها

مقدمه چاپ سوم

کتاب نام خلیج فارس بر پایه اسناد تاریخی و نقشه‌های جغرافیایی، چندی پس از چاپ دوم به دلیل توجه دوستداران آثار تاریخی، سیاسی و اجتماعی، به ویژه منطقه جغرافیایی، سیاسی، راهبردی و ژئواکونومیک یا زمین اقتصادی خلیج همیشه فارس و هم‌چنین استقبال دانش‌جویان عزیز و دانش‌پژوهان گرانقدر و مردم آزاده و پاک اندیش ایران، از جمله استان‌های کرانه خلیج فارس، نایاب شد.

از آن جا که این کتاب مورد نیاز نویسندگان، پژوهشگران، دانشوران، دانش‌جویان، دولتمردان و... بود، از ریاست محترم مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه درخواست چاپ سوم این اثر شد، که موافقت نمودند. در پاره‌ای جستارهای آن تجدید نظر گردیده و برخی لغزش‌های چاپی ویرایش شده است.

از اندیشمند گرانقدر جناب آقای عباسعلی عبداللهی، ریاست مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه و جناب آقای حمیدرضا بدایق، معاون محترم آن مرکز، که امکانات چاپ دیگر این کتاب را فراهم نموده‌اند و هم‌چنین کارکنان با ایمان و سخت‌کوش آن نهاد فرهنگی، به ویژه، بخش‌های حروف‌نگاری، طراحی، تولید، چاپ و لیتوگرافی سپاسگزارم.

ایرج افشار (سیستانی)

تهران - ۲۵ تیرماه ۱۳۸۶ ه. ش

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه بر نگذرد

پیش‌گفتار

آب‌های جنوب ایران از دریای سرخ تا کرانه‌های سند در پاکستان، در آثار تاریخی و جغرافیایی، دریای پارس نامیده شده است. بخشی از این آبها، که از تنگه هرموز به سوی باختر تا پیوستنگاه اروندرود و بهمن شیر کشیده شده است، خلیج فارس نام دارد، و بخش دیگر، که از تنگه هرموز به سوی خاور تا پیوستنگاه رود سند ادامه دارد، دریای مکران یا دریای عمان نامیده می‌شود.

خلیج فارس کهن‌ترین دریایی است، که انسان شناخته است. ساکنان پیرامون آن، نخستین انسان‌هایی بوده‌اند، که با هنر دریانوردی آشنا شده و به کشتی‌رانی پرداخته‌اند و دریانوردی و دست یافتن بر این راه آبی، سبب پیدایی و رشد فرهنگ، بازرگانی دریایی و پیدایی امپراتوری‌های: عیلام، آکاد، سومر، کلد، بابل، آشور، ماد و پارس شد.

خلیج فارس از باستان تا امروز، همواره یکی از مهمترین راه‌های دریایی جهان چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ انتقال فرهنگ‌های سرزمین‌های گوناگون، بوده است. هم‌چنین به خاطر قرار گرفتن بر سر راه‌های بگو بازرگانی بین باختر و خاور، برخوردار از جایگاه استراتژیک و نیز به عنوان یکی از نقاط برخورد فرهنگ‌های بگو جهان، همیشه برای کشورهای بگو و استعمارگر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است.

جغرافیایانگاران پیشین در نام‌گذاری سرزمینها، دریاها، رودها، کوهها، و ... ریشه‌هایی را پاس داشته و به کار برده‌اند، بدین معنی که نام ایلها و طایفه‌ها و مردمان هر ناحیه و منطقه به سرزمین آنان اطلاق شده است، و نام بیش‌تر رودها از رنگ آبها و نام بیش‌تر کوهها در

همانندبودن آن‌ها به کالبد‌های دیگر، گرفته شده است. در نام‌گذاری دریاچه‌ها و دریاها از ریشه استوارتر و دلپذیرتری پیروی شده و بیش‌تر آن‌ها همیشه به نام کشور و سرزمینی، که در نزدیکی و پیرامون‌شان قرار دارند نامیده شده‌اند. اقیانوس هند، خلیج مکزیک، دریای چین، دریای مازندران و... از این گونه نام‌ها هستند.

رومی‌ها و یونانی‌های باستان، در پیوندهای دریایی و سیاسی خود با ایران، به دلیل بزرگی و پیشرفت سرزمین آبادان پارس بود، که برای نخستین بار دریای جنوب ایران را بدان وابسته و نام نهادند. چنان‌که بزرگی و توانمندی سرزمین پارس در منابع‌گونان نیز دلیلی در نام‌گذاری دریای پارس است. بدین ترتیب در این نام‌گذاری نه تنها ریشه ملی و نژادی و عامل ایرانی یا عربی دخالتی نداشته است، بلکه بیان درستی بوده، که از زبان و توسط جغرافیانگاران و دانشمندان آن روزگار عنوان گردیده و در تمامی دورانهای پیشین پذیرفته شده است.

از آنجاکه پژوهش علمی در باره ریشه‌های نام‌گذاری دریاچه‌ها، دریاها و خلیج‌ها سبب می‌شود تا بخشی از گذشته جغرافیایی، تاریخی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نواحی کرانه‌ای ایران آشکار گردد از این‌رو برای دست یافتن به این ریشه‌یابی، بررسی و پژوهش در این زمینه ضروری تشخیص داده شد و کتاب حاضر تلاشی در ارائه این ریشه‌یابی است.

در این کتاب به شیوه علمی درباره ریشه‌های نام‌گذاری خلیج فارس، از سوی آسوری‌ها، رومی‌ها و یونانی‌ها و سپس به کارگیری آن توسط تاریخ و جغرافیانگاران عرب، اسلام و جهان از آغاز تا امروز سخن به میان آمده است.

آن‌چه از نظر خواننده گرامی خواهد گذشت، بهره، سال‌ها بررسی و پژوهش من است. امید است فراراه دانش پژوهان عزیز باشد و سر آغاز پژوهش‌های ژرف نگر در باره ریشه‌های نام‌گذاری خلیج فارس گردد.

انتظار نگارنده از خوانندگان گرامی و علاقه‌مند آن است، که در صورت دیدن هرگونه لغزش، برای رفع آن در چاپ‌های بعدی، با نگارنده به نشانی تهران - صندوق پستی ۱۴۶۶۵/۱۷۷ مکاتبه فرمایند.

از مدیر کل محترم دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه که با چاپ این کتاب موافقت کردند و ریاست محترم مرکز چاپ و انتشارات آن وزارتخانه که امکانات چاپ این کتاب را فراهم نمودند و هم‌چنین کارکنان سخت‌کوش حروف‌نگاری، لیتوگرافی و چاپ و صحافی آن مرکز سپاسگزارم.

ایرج افشار (سیستانی)

تهران - فروردین ۱۳۸۰ ه.ش

مقدمه چاپ دوم

کتاب نام خلیج فارس بر پایه اسناد تاریخی و نقشه‌های جغرافیایی، در اواخر سال ۱۳۸۱ چاپ و در سال ۱۳۸۲ ه. ش، پخش گردید. پژوهش و نگارش آن، یکی از سربلندی‌های فرهنگی و پژوهشی من است، زیرا هم میهمان عزیز و پژوهشگران و سیاستمداران جهان را با پیشینه تاریخی نام این دریای مهم آشنا نمودم، که از باستان تا امروز جایگاه سیاسی و استراتژیک ویژه‌ای داشته و به عنوان یکی از مناطق برخورد فرهنگ‌های بگرو جهان نیز، از اهمیت بسیاری برخوردار است.

سرافرازم که توجه دوستداران به آثار تاریخی، سیاسی و اجتماعی ایران، به ویژه خلیج همیشه فارس و هم‌چنین استقبال دانشجویان و استادان فرهیخته و مردم رشید و آزاده ایران و دیگر کشورها، انگیزه‌ای شد که کتاب نام خلیج فارس، چندی پس از چاپ نخست، نایاب شود. چون این کتاب مورد نیاز دانشجویان، دانش پژوهان، سیاستمداران ایرانی و خارجی و مردم پاک‌اندیش ایران است، درخواست گردید، نسبت به چاپ دوم آن اقدام فرمایند، که خوشبختانه این درخواست پذیرفته شد.

از آن جا که به کارگیری نام‌های ساختگی برای خلیج فارس و جزایر ایرانی آن، در نقشه‌های مؤسسه نشنال جئوگرافیک و نیز نقشه‌های موجود در بخش اسلامی موزه لوور پاریس و دیگر سازمان‌های خارجی، واکنش‌ها و غترض‌های فزاینده ایرانیان داخل و خارج از کشور را در پی داشته است، نامه‌های رسیده و هم‌چنین موضع‌گیری‌های قاطعانه دولت ایران و ایرانیان داخل و خارج کشور، که منجر به پس نشینی نشنال جئوگرافیک و دیگر مؤسسات خارجی از تحریف انجام شده گردید، به آخر کتاب افزوده شده است.

از مدیرکل محترم دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی به ویژه مرکز مطالعات خلیج فارس و خاورمیانه و هم‌چنین ریاست محترم مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، که امکانات چاپ دوم این کتاب را فراهم نمودند، سپاسگزارم.

ایرج افشار (سیستانی)

تهران - ۱۵ اسفندماه ۱۳۸۳ ه. ش

نشانه آواها

برای نگارش درست نام‌های ویژه و واژگان محلی، از نشانه‌های آوایی (فونتیک) کمک

گرفته‌ایم که برابر فارسی هریک، به شرح زیر است:

h	ح، ه	a	آ
x	خ	ā	آع
d	د	e	اِ
r	ر	i	ای
z	فذن، ظ	o	اُ
ž	ژ	u	او
	ش	ū	اوو
q	غ، ق	ō	اُ
f	ف	,	همزه، عوسط
k	ک	b	ب
l	ل	p	پ
m	م	t	ت، ط
n	ن	s	ث، س، ص
v	و	j	ج
y	ای، ی	č	چ

بخش اول
نگاهی به خلیج فارس

فصل اول

جایگاه طبیعی و جغرافیایی

۱- پیدایی خلیج فارس

خلیج فارس بازماندهٔ گودال بزرگی است، که در دوران‌های گذشته زمین شناختی، فشار آتش فشانهای فلات ایران و پایداری فلات عربستان در برابر این واکنشهای تکتونیکی، سبب ایجاد و توسعه پهنا و ژرفای آن شده است.^۱

خلیج فارس حوضهٔ کشیده‌ای است، که در تنگهٔ هرموز به دریای آزاد مکران یا دریای عمان می‌پیوندد و بین بلوک عربی و رشته‌کوه‌های زاگرس قرار گرفته است. کشیدگی این حوضه به دلیل ساختمان زمین شناختی، یعنی جایگاه ناودیسی آن است، به طوری که محور آن در دورهٔ ژوراسیک و کرتاسه، در راستای زاگرس کنونی قرار داشته، ولی بعدها اندک به سوی جنوب باختر تغییر مکان داده است.^۲

پوستهٔ جامد زمین در دورهٔ کامبرین^۳، قاره واحدی بوده، که در آن دو شکاف در مناطق استوایی آن روزگار وجود داشته است. در آغاز دوران دوم^۴، شکاف بین اروپا و آمریکا گسترش یافته و شکاف هند و استرالیا، آفریقای جنوبی و هندوستان را دور زده و زمینهٔ پیدایی اقیانوس هند را فراهم ساخته است.

در آغاز دوران سوم^۵، حوضهٔ اقیانوس اطلس پیدا شده، آمریکای جنوبی از آفریقا جدا

۱. عقلمند، احمد. تحلیلی بر اوضاع ژئوپولیتیک و استراتژیک خلیج فارس، مجموعهٔ مقالات سمینار بررسی مسائل

خلیج فارس، ص ۳۹۱

۲. درویش زاده، علی. زمین‌شناسی ایران، ص ۷۹۸

۳. حدود ۵۰۰ میلیون سال پیش

۴. حدود ۱۴۰ میلیون سال پیش

۵. حدود ۴۵ میلیون سال پیش

گشته و استرالیا از قاره قطب جنوب دور افتاده و به سوی خاور روان گردیده و اقیانوس هند به وجود آمده است و شکاف بین آسیا و آفریقا مقدمه پیدایی دریای مکران یا دریای عمان را می‌رساند.

از میانه دوران سوم، شکاف عمان گسترش یافته، شبه جزیره هندوستان نخست به سوی خاور، سپس به سوی شمال بالا رفته است و دنباله شکاف عمان به گونه خلیج باریکی، شروع به پیدایی خلیج فارس را می‌رساند.

از میانه دوران سوم به بعد شکافها و شکستگی هایی در آفریقای خاوری بروز کرده، و هم‌چنین دریای سرخ و خلیج عدن پدید آمده و چاله‌های آفریقای خاوری ایجاد گردیده است، و اندک اندک بلندی‌های فلات ایران پیدا شده و در پای کوه‌های جنوبی پیشروی شاخه‌ای از دریای مکران، دشت‌های پست پای کوه را فرا گرفته و خلیج فارس نمایان گردیده است.^۱

۲- زمین شناختی

از آن جاکه مواد حمل شده توسط باد در خلیج فارس به گونه توده‌های گرد و غبار و ماسه است، گاهی این مواد در راستای کرانه با رسوب‌های دریایی آمیخته و رسوب‌های دوگانه دریایی بادی را در این منطقه به وجود می‌آورند.

موجودات زنده چون ریف‌هایی مرجانی و جلبکی نیز به گونه ریف‌های کناره‌ای^۲ یا به گونه توده‌های پراکنده در آن وجود دارد. هم‌چنین در نزدیکی کولاب‌های اشباع شده از نمک، گسترش جلبک‌های آبی رنگ دیده می‌شود. در حال حاضر خرده‌های صدف دو کفه‌ای‌ها، شکم پایان، بریوزوآ، و صدف روزنه داران در رسوب‌های خلیج فارس به فراوانی یافت می‌شود. رسوب‌ها بیشتر شیمیایی و شامل کربنات‌ها و مواد تبخیری است. به طور کلی در ناحیه بین جزر و مد، خرده‌ها و ذرات گوناگون آهکی به وسیله سیمانی از آراگونیت به یکدیگر پیوند می‌یابند.

۱. مستوفی، احمد. خلیج فارس، ساختمان و پیدایش آن، سمینار خلیج فارس، جلد اول، ص ۴-۵

2. Fringing reefs

کشتی نگین، خرمشهر - آبادان

در زمین‌های هموار بالای سطح مدّ، دولومیت^۱ همراه با گچ تشکیل می‌شود. رسوب دولومیت در پایین‌تر از ۲ متر کمیاب می‌شود در حالی که در بخش سطحی ممکن است تا ۹۰ همد رسوب را تشکیل دهد.

در اثر وجود موج‌های کرانه‌ای در خلیج فارس، آلیت‌های آهکی^۲ ایجاد می‌گردد، که بر حسب اندازه قطرشان جور شدگی پیدا می‌کنند. این آلیت‌ها در نواحی کم ژرفای پیرامون قطر و در تنگه هرمز دیده می‌شوند.

به طور کلی رسوبهای کنونی خلیج فارس از کرانه به ژرفا^۳ دانه ریزتر می‌شوند، به طوری که مارن‌ها^۴ در بخش مرکزی خلیج فارس آشکار می‌شوند. آهک‌های مارنی ژرف‌ترین رخساره کنونی خلیج فارس اند.^۵

۳- تکتونیک و زلزله خیزی

بر پایه نقشه تکتونیک ایران، خلیج فارس^۶ جزء کانون‌های زلزله خیز ایران است. دایرةالمعارف بریتانیکا، در شرح سرزمین ایران - خلیج فارس، می‌نگارد:

«آخرین حرکتی که خلیج فارس در مغز آن قرار داشته و دارد، عبارت از بالا آمدن تدریجی است... زلزله در خود خلیج فارس متواتر و گاهی بسیار شدید است.»^۷

نقشه زلزله خیزی و گسل‌های ایران^۸ بزرگی زلزله‌های گذشته کرانه‌ها و جزیره‌های خلیج

۱. سنگ معدنی نیمه شفاف که از منیزیم و کربنات کلسیم ترکیب یافته است.

۲. گونه‌ای رسوب آهکی

۳. بیش‌ترین ژرفا ۹۰ متر

۴. مارن: سنگی است، که از آهک و رس به گونه پنجاه پنجاه به وجود آمده باشد.

۵. درویش‌زاده، همان کتاب، ص ۷۹۹

۶. کرانه‌ها و جزیره‌های ایران در خلیج فارس

۷. سیاه‌پوش، محمدتقی. پیرامون آب و هوای باستانی فلات ایران، ص ۱۰۱

۸. وره‌رام و تقی‌زاده ۱۹۸۲ م.

فارس را ۵/۵ - ۵ ریشتر و یا ۶ - ۵/۵ ریشتر^۱ گزارش داده است. همین طور نقشه اولیه مراکز و فله‌های کانونی زلزله‌ها، بزرگی زلزله را در این منطقه بین ۵ - ۶ و بدون به شمار آوردن ژرفای کانونی ارائه کرده است.^۲

این زلزله‌ها ویرانی‌ها و خسارت‌های زیادی در بیش تر بندرها و جزیره‌های خلیج فارس به بار آورده است، به طوری که بین سال‌های ۱۳۳۹ و ۱۳۵۵ ه. ش، در نواحی گوناگون خلیج فارس، به ویژه لار، جهرم، بندرلنگه، جزیره خلکو، بندر عباس، بندر جاسک، قیر و کارزین، جزیره لاوان و جزیره‌های جنوب خاوری، و ... زلزله‌های تخریبی و منهدم‌کننده شدید روی داده است.^۳

۴- جایگاه جغرافیایی، حدود، پهنه

خلیج فارس که امروز از پیوستن‌گاه کارون و اروندرود، یعنی از بندرهای خرمشهر و بصره گرفته تا تنگه هرموز، یعنی تا آبهای خاور جزیره‌های هرموز و لارک و رأس مُسندام در شمال عمان کشیده شده است^۴، با ۲۲۶ هزار کیلومتر مربع پهنه^۵، در جنوب باختری آسیا بین ۲۳ الی ۳۰ درجه پهنای شمالی و ۴۸ الی ۵۶ درجه درازای خاوری قرار گرفته است. پهنای آن ۱۸۵ تا ۳۳۳ کیلومتر است و درازای کرانه‌اش از دهانه فاو تا بندر عباس ۱ هزار و ۳۷۵ کیلومتر است.^۶ ژرفای خلیج فارس به ندرت از ۷۳ تا ۹۲ متر افزایش می‌یابد^۷ و میانگین ژرفای آن ۲۵ تا ۳۵ متر

۱. فله تقریبی ۲۰ کیلومتر

۲. افشار (سیستانی)، ایرج. جغرافیای تاریخی دریای پارس، ص ۴۳

۳. معظمی گودرزی، خسرو. تاریخچه‌ای مختصر از زلزله‌های شدید ایران و جهان، ماهنامه ساختمان، شماره ۲۰، مرداد ۱۳۶۹، ص ۶۰

۴. اقبال، عباس. مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس، ص ۱

۵. تکمیل همایون، ظر. اسلام و تداوم نقش فرهنگی ایران در خلیج فارس، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، ص ۱۷۷

۶. حافظ نیا، محمدرضا. خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرموز، ص ۱۶

۷. اقبال، همان کتاب، ص ۱۷

است، که در دهانه تنگه هرموز به بیش از ۱۰۰ متر می‌رسد، از این رو تمامی خلیج فارس یک فلات قاره را تشکیل می‌دهد.

خلیج فارس ۰/۰۶۲ هکتار آب‌های سطح کره زمین را شامل می‌شود. خط پایان ناودیس آن نزدیک کرانه‌های ایران است، که پس از گذشتن از میان جزیره‌های تنب بگو و فارور، در ناحیه تنگه هرموز به سوی کرانه شبه جزیره المَسَنَد ام کشیده می‌شود. آب خلیج فارس از دیگر دریاها شورتر است، چون آب رودهایی که به آن می‌ریزند نمک و املاح دارد و تبخیر آن نیز، بیش از آب دریافتی از باران و رودهاست. اندازه نمک در خلیج فارس، بین ۳۸ تا ۷۰ در هزار و در نواحی کم‌ژرفا، بین ۶۰ الی ۲۰۰ در هزار اندازه‌گیری شده است.^۱

۵- رودها

رودهایی که به خلیج فارس می‌ریزند بیش‌تر از نواحی خشک می‌گذرند و مواد آویزان زیادی به بستر خود در خلیج فارس می‌برند. پیش‌روی خاک در آب را، می‌توان در هر سال ۵۰ متر تخمین زد. در این نواحی شیب زمین اندک می‌باشد و از این جهت دستخوش موج‌های شدید است.

اروند رود، کارون، کرخه، دیاله، زاب، جراحی، مند، دالکی و میناب بزرگترین و پر آب‌ترین رودهایی هستند که به خلیج فارس می‌ریزند.^۲

۱. حافظ نیا، همان کتاب، ص ۱۷

۲. افشار (سیستانی)، ایرج. نام دریای پارس و دریای مازندران و بندرها و جزیره‌های ایرانی، ص ۲۴

بندر امام خمینی (شاهپور)

۶- آب و هوا

آب و هوای خلیج فارس گرم و مرطوب است. درجه حرارت در تابستان ۳۲ تا ۳۴ درجه سانتیگراد و در زمستان در شمال ۱۵ و در تنگه هرموز ۲۱ درجه سانتیگراد بوده است، و در ژرفای ۲۰ تا ۴۰ متری، دمای آب ۲۱ درجه است.^۱

بیشترین گرمای خلیج فارس تا ۵۲/۶۷ درجه سانتیگراد گزارش شده است. میانگین گرمای خنک‌ترین ماه‌های خلیج فارس یعنی دی و بهمن در بخش شمال باختری آن، بین ۱۵ تا ۱۶ درجه، در تنگه هرموز ۲۱ درجه بوده است. کم‌ترین درجه حرارتی که تاکنون در این منطقه به ثبت رسیده ۱/۵ درجه است، که در آبادان و خرمشهر دیده شده و جز موارد استثنایی، هیچ‌گاه آب یخ نمی‌بندد.^۲

باران سالیانه در بوشهر ۲۸۰، جاسک ۱۲۰، خرمشهر ۲۱۰، بصره ۱۷۰، کویت ۱۲۰، و بحرین ۷۴ میلی متر گزارش شده است.

رطوبت هوا در سال غیر از کرانه‌های خوزستان، بیش از ۲۲ درجه است. در بوشهر در مردادماه درجه گرماسنج مرطوب تا ۲۷ درجه و در روی دریا تا ۲۷ درجه می‌رسد.^۳ بروز مه و نزم^۴، که از لحاظ کشتی‌رانی و عملیات نظامی اهمیت دارد، از ویژگی‌های اقلیمی خلیج فارس است. ایجاد مه سنگین در تابستان، نزدیک کرانه و در اوایل صبح روی می‌دهد. ولی نزم که همراه با باد شمال و در خرداد، تیر و مرداد به دنبال خشکی زمین بروز می‌کند، میدان دید را تا ۳ کیلومتر و گاه تا ۸۰۰ متر کاهش می‌دهد و در بحرین بیش از دیگر نقاط در برابر توفان شن و نزم قرار دارد.^۵

۱. حافظ نیا، همان کتاب، ص ۱۷

۲. گنجی، محمدحسن. آب و هوای خلیج فارس، سمینار خلیج فارس، جلد اول، ص ۲۳ - ۲۴

۳. افشار(سیستانی)، همان کتاب، ص ۲۴

۴. نزم (nezm): توده‌ای از ذرات ریز و غبار، یا دود مانند آن که در فضای مجاور سطح زمین جمع شود و توانایی دید را به یک کیلومتر کاهش دهد.

۵. حافظ نیا، همان کتاب ص ۱۷

۷- منابع طبیعی

خلیج فارس از نظر وجود منابع طبیعی بر بسیاری از مناطق دریایی جهان برتری دارد، زیرا از غنی‌ترین مراکز دریایی دنیاست که دارای نفت، مروارید، مرجان، ماهی، میگو، و... است. ژرفای کم خلیج فارس به استخراج نفت کمک می‌کند، صید مروارید از ۳ هزار سال پیش پیشینه داشته و به دلیل مرغوبیت جنس و درخشندگی ویژه شهرت بسیار دارد. مرجان یکی دیگر از ثروتهای خلیج فارس است، ماهی و میگو به اندازه زیاد و گونه‌های بسیار در آن یافت می‌شود.^۱

۸- بندرها و جزیره‌ها

مهم‌ترین بندرهای خلیج فارس عبارت‌اند از: خرمشهر، آبادان، امام خمینی، ماه‌شهر، هنديجان، ریگ، دیلم، گناوه، بوشهر، دیر، کنگان، طاهری، عسلویه، مقام، نخیلو، چیرویه، کلات، چارک، حسینه، مغویه، شناس، بستانو، لنگه، کنگ، معلم، خمیر، شهید رجایی، بندر عباس، بصره، کویت، رأس‌الخیمه، دویی، شارجه، ابوظبی، دوحه، و... مهم‌ترین جزیره‌های خلیج فارس، عبارت‌اند از: بونه، دارا، قبرناخدا، مینو، ام‌الکرم، جبرین، گلگو، خارگو، خان، شیخ کرامه، شیف، عباسک، فارسی، عربی، گرم، متاف، نخیلو، بوموسی، تَنب بَگو، تَنب کوچک، سری یا سوری، شتوار، شیخ اندرابی، فارور، فارورگان، قشم، کیش، لاوان، هرموز، هندرابی، هنگام، بحرین، و...

۹- استراتژیک

جایگاه استراتژیک خلیج فارس جنبه‌های گوناگونی دارد. بی‌گمان حساسیت این منطقه برای غرب و شرق، به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سبب کوششی برای حضور مستقیم کشورهای بگو شده است، که برخورد کین‌آمیز را شدنی می‌سازد. این پدیده سیاسی، ناشی از سقوط ژاندارم منطقه و نبودن کشورهای جانشین بود.

۱. افشار (سیستانی)، ایرج. جزیره هندرابی و دریای پارس و نگاهی به جزایر فارور و فارورگان، چاپ دوم، ص ۲۸

خلیج فارس، اسکله شهید رجایی

نزدیکی اتحاد جماهیر شوروی پیشین به مناطق نفتی و رخنه سیاسی و استراتژیک آن در دریای پارس و اقیانوس هند با خلأیی که ایجاد شد، خطراتی برای آمریکا و باختر در برداشت. ناوگان شوروی پیشین، پس از بستن قرارداد دوستی و همکاری بطراق، در آوریل ۱۹۷۲ م/ ۱۳۵۱ ه. ش و ایجاد بندر أم القصر، در خلیج فارس راه یافت و سیل اسلحه و مهمات به عراق سرازیر گشت، که در جنگ عراق علیه ایران به کار گرفته شد.

بنابراین می‌توان گفت که عراق برای شوروی، یک نقطه عزیمت استراتژیک برای گسترش در خلیج فارس و اقیانوس هند بود. در برابر این پیشرفت و گرایش به عمل رخنه، کارتر، رئیس جمهور وقت آمریکا، گفت:

«اگر قدرت خارجی برای کنترل منطقه خلیج فارس اقداماتی انجام دهد، به عنوان حمله به منافع حیاتی آمریکا تلقی می‌گردد و با تمام وسایل لازم عقب رانده خواهد شد.»

پس از او، ریگان هم این استراتژی را تأیید کرد و شوروی را از یک اقدام جنگی برحذر داشت، و برای تأمین این استراتژی، آمریکا نیروی واکنش سریع را شامل ۱۱۰ هزار نفر ایجاد کرد.^۱

۱۰- ژئوپولیتیک

خلیج فارس به دلایل گوناگون اقتصادی، اجتماعی، صنعتی و ارتباطی، برای جمهوری اسلامی ایران دارای اهمیت بوده و از جایگاه ژئوپولیتیک ویژه‌ای برخوردار است و به همین جهت، جنبه‌های دیگر را نیز زیر تأثیر قرار داده است.

از ۱۳۵۷ ه. ش، به بعد با انقلاب اسلامی در ایران، مرکز کانون قدرت ژئوپولیتیک جهان، دگرگونی‌هایی را در این مسائل به وجود آورد، زیرا تمامی مسایل مربوط به این مرکز جغرافیایی

۱. خلیلی، احمد. فرضیه برای مطالعه استراتژیک خلیج فارس، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، ص ۲۵۵ و ۲۶۲

تغییر کرده بود به طور نمونه جمهوری‌های مسلمان‌نشین شوروی پیشین زیر تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار گرفته بودند و آثار ژئوپولیتیک ایران در منطقه آشکار می‌شد. به هر حال، مرکز سنگینی سیاست جغرافیایی خلیج فارس، زیر تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار گرفته و به صورت کانون آتش‌فشانی در آمده بود، که مناطق اسلامی را از کرانه‌های مدیترانه تا شاخ آفریقا و سرزمین مغرب تا قلب آفریقا و از کرانه‌های اقیانوس هند تا خاور دور را در بر گرفته و مسلمانان جهان را زیر تأثیر خود قرار داده بود.^۱

۱۱- نظامی

خلیج فارس از نظر کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به دلیل دارا بودن منابع فراوان نفت، بازار مصرف بیش از یکصد میلیون، افتادن در سر راه‌های زمینی و قرار گرفتن در محل تماس ابرقدرت‌ها، با توجه به جایگاه ژئوپولیتیک آن، از روزگاران کهن جایگاه نظامی ویژه‌ای را به دست آورده است.^۲

۱. عقلمند، همان منبع، ص ۳۹۵ - ۴۰۰

۲. افشار (سیستانی)، ایرج. جزیره بوموسی و جز ایرتنب‌بزو و تنب‌کوچک، چاپ سوم، ص ۴۵

خلیج فارس، اسکله شهید با هنر

فصل دوم

پیشینه تاریخی

پیشینه تاریخی خلیج فارس، که مهم‌ترین آبراه جهان است، به حدود هزاره ۵ پ. م، می‌رسد و در این دوران بنا به مدارک باستان‌شناختی، نخستین پیوند بین سرزمین‌های گوناگون، از طریق این آبراه برقرار شده است. این پیوندها، در طی هزاره‌های بعدی تداوم یافته است، و در این میان داد و ستدهای فرهنگی - بازرگانی بین ایران و بین‌النهرین و سرزمینهای باستانی دیلمون^۱ مکن^۲ و ملوخ^۳، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.^۴

امروزه نیز این منطقه به دلیل اهمیت ویژه‌ای که از لحاظ استراتژیک، اندوخته‌های نفتی فراوان و مرکزیت ایدئولوژی اسلامی و اقتصادی دارد، مورد توجه کشورهای توسعه طلب، و پهنه هم‌چشمی آن‌هاست.

۱- پیش از اسلام

۱-۱- عیلامیان

عیلامی‌ها مردمی بودند، که پیش از آغاز تاریخ، در دشت‌های جنوب باختری ایران از شوش تا بوشهر سکونت داشته‌اند و عیلام بر بخشی از ایران اطلاق می‌شد، که از باختر به رودخانه دجله، از خاور به بخشی از پارس، از شمال به نزدیکی همدان و از جنوب به خلیج فارس محدود

۱. بحرین، خاور عربستان و جزیره فیلیکه.

۲. شمال عمان، امارات عربی متحده و بخشی از جنوب خاوری ایران

۳. فرهنگ دژه سند.

۴. عبدی، کامیار. کتابی جدی با نام جعلی، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، شماره ۱۳ و ۱۴، اسفند ۱۳۷۲، ص ۱۲۶

می‌گردید و شوش بگوتترین شهر آن به شمار می‌آمد.^۱
عیلامیان از هزاره ۳ پ.م، صدها سال از خلیج فارس به عنوان راه ارتباطی، و از بندر
بوشهر و جزیرهٔ حگلو، برای حکمرانی بر کرانه‌ها و جزیره‌های خلیج فارس، و هم‌چنین بازرگانی
با هند باختری و درهٔ نیل، استفاده می‌کردند.^۲

۲-۱- هخامنشیان

در آغاز پیدایی حکومت هخامنشی، ایرانیان از دریانوردان فینیقی و یونانی استفاده
می‌کردند. هخامنشیان، که می‌پنداشتند نگاهبانی و پاسداری شاهنشاهی ایران، بدون چیرگی
بر دریا آسان نیست، نیروی دریایی مجهز و پرتوانی در خلیج فارس ایجاد کرده بودند.
داریوش بگو، چون به توسعهٔ دریانوردی علاقه داشت، پس از گرفتن مصر در سال ۵۱۷
پ.م، به کندن آبراهی میان دریای سرخ و دریای مدیترانه فرمان داد. او هم‌زمان با گرفتن
هندوستان، به اسکیلایس، دریانورد آزموده یونانی، که از خدمتگزارانش بود و هم‌چنین شماری از
دریانوردان ایرانی، فرمان داد که از پیوستن رود سند تا خلیج فارس و دریای سرخ بگذرند و
جاهای ناشناختهٔ این دریاها را پیدا کنند و از سرزمین‌های کرانهٔ دریاها، آگاهی‌های تازه و
درستی فراهم آورند.
این سفر دریایی، از لحاظ بازرگانی و نظامی برای ایران سودمند بود و از آن زمان،
کاروان‌های دریایی بزرگی برای برقراری روابط بازرگانی میان هند و خلیج فارس و دریای سرخ در
حرکت آمد.^۳

۱. شاملو، محسن. خلیج فارس، ص ۲۵

۲. امیر ابراهیمی، عبدالرضا. خلیج فارس، ص ۲۰

۳. یغمایی، اقبال، خلیج فارس، ص ۲۰

۳-۱- اشکانیان

اشکانیان پس از برانداختن حکومت سلوکی، سراسر قلمرو خود را، از آمودریا / جیحون و سند تا شام / سوریه و آسیای کوچک و کرانه‌های جنوبی دریای مکران و خلیج فارس زیر اداره یک حکومت در آوردند.

به نوشته تاریخ‌نگاران یونانی و رومی، اشکانیان به بازرگانی خاور و باختر و اقتصاد خارجی ایران توجه داشته و روش جدیدی در توان آن به کار بردند، و از لحاظ سیاسی به منظور نگاهداری مزایای این بازرگانی با دولت روم مبارزه داشتند. کار بگو اشکانیان پاسداری از خلیج فارس و بین‌النهرین در برابر یورش بیگانگان به ویژه رومیان بود.

ناوگان اشکانی که در خلیج فارس سیر می‌کردند، تا جزیره سیلان و هند خاوری پیش‌رفته و ملوانان و ناخدایان ایرانی چنان استادی و چیرگی در کشتی‌رانی یافتند، که نه تنها به پیشینیان خود، یعنی مصری‌ها فینیقی‌ها پیشی گرفته بودند، بلکه سنن دریانوردی و دریا شناختی ایرانیان تا دوران اسلامی بازماند، به طوری که در روزگار خلفای اسلامی، کشتی‌رانان عرب و مصری را، همه جا ناخدا می‌نامیدند.^۱

به هر حال در زمان حکومت اشکانیان، دریای پارس شاه‌راه بازرگانی بوده و پیوسته کشتی‌های زیادی در این دریای ایرانی رفت و آمد می‌کردند.

۴-۱- ساسانیان

در روزگار ساسانیان، خلیج فارس مرکز فعالیت بازرگانی بود و کشتی‌های ایران به ویژه در بندرهای چین رفت و آمد می‌کردند. اردشیر بابکان، سردودمان ساسانی (۲۲۴ - ۲۴۱ م.) چندین بندر بر کرانه دریای پارس بنا کرد. یکی از این بندرها، ابله نزدیک بصره بر دهانه خلیج فارس بود. این بندر که در یورش مغولان ویران شد، تا چند سده پس از ظهور اسلام از بندرهای

۱. امیر ابراهیمی، همان کتاب، ص ۲۵ - ۲۶

معتبر و سرشناس خلیج فارس بود.

در سال ۳۲۶ م، شاپور دوم با چند کشتی به متجاوزان عرب قبیله‌های تمیم، قیس و بکرین وائل، که از جزیره‌العرب به خوزستان یورش برده بودند، تاخت و جمعی راکشت و شماری را اسیر کرد و دیگران را، تامیانه بیابان‌های جزیره‌العرب پس راند. در روزگار حکومت خسرو انوشیروان، کشتی‌های بازرگانی ایران تا بندرهای چین و بندرهای سیلان رفت و آمد و داد و ستد می‌کردند. سراسر کرانه‌های شمالی و جنوبی خلیج فارس، آباد و ساکنان آن سرمایه دار بودند. از آن زمان نیز ایران در کار دریانوردی نام آور بود. پس از دست یافتن عرب‌ها بر ایران، شکوه و توان نظامی و دریایی ایران درهم شکست، اما دیری نپایید، که بزرگی و شکوه به ایران بازگشت.^۱

۲- پس از اسلام

۲-۱- اسلامی

منطقه خلیج فارس از سال ۱۳ تا ۳۴۵ ه. ق، و تاروی کار آمدن دیلمی‌ها / آل بویه و به زیر فرمان در آوردن خلفای عباسی، با همان روش و سازمان دوران ساسانی اداره می‌شد. دیلمیان، نخستین دودمانی بودند، که پس از گسترش آیین اسلام، دگر بار بر سراسر جزیره‌ها و کرانه‌های خلیج فارس چیره شدند. آل بویه به اهمیت نیروی دریایی در خلیج فارس پی برده و به سازمان بندی آن پرداختند و در این راه گام‌های ارزنده‌ای، برداشتند، به طوری که سازمان ناوگانی در کرانه‌های باختری و خاوری خلیج فارس به وجود آمد و به کمک همین نیرو و همراهی قرامطیان بود، که در سال ۳۳۹ ه. ق، عمان به دست دیلمیان افتاد.^۲

۱. افشار (سیستانی)، ایرج. جغرافیای تاریخی دریای پارس، ص ۱۷۹

۲. افشار (سیستانی)، ایرج. جزیره هندرابی و دریای پارس، ص ۶۰

خلیج فارس - بوشهر

از سال ۴۵۴ تا ۴۸۳ ه. ق، منطقه خلیج فارس و سرزمین عمان، در اختیار سلجوقیان کرمان بود. توران شاه / عمادالدوله سلجوقی در صدد بر آمد جزیره کیش را در خلیج فارس جایگزین بندر سیراف کند. از این رو بر اهمیت کیش در این دوره افزوده شد. اتابک ابوبکر سعدزنگی بر سراسر خلیج فارس و تنگه هرموز تا دریای مکران چیره شد و جزیره‌های بحرین، کرانه‌های قطیف و عمان را کماکان در قلمرو فارس گذاشت. در زمان اتابکان، والی خلیج فارس در جزیره کیش استقرار یافته بود و بر تمام جزیره‌ها و کرانه‌های خلیج فارس و عمان حکومت می‌کرد و نیروی دریایی نیز در اختیار داشت. در رویدادهای بعد، جزیره‌ها و بندرهای خلیج فارس به دست امیران کوچک و بگرو محلی افتاد. در اوایل سده ۸ ه. ق، جزیره هرموز در درونگاه خلیج فارس، جای‌گزین بندر سیراف و جزیره کیش شد و از این تاریخ، پهنه جدیدی در خلیج فارس پدید آمد و جزیره هرموز، مرکز سیاسی خلیج فارس شد.^۱

تیمور لنگ در سال ۷۸۲ ه. ق، خراسان و در ۷۸۵ ه. ق، سیستان را گرفت و در یورش‌های بعدی خود، طفهان، فارس، بوشهر، بندرها و جزیره‌های خلیج فارس را به قلمرو خود افزود. تیموریان تا سال ۸۷۳ ه. ق، که در ایران حکومت داشتند، خراج بندرها و جزیره‌های خلیج فارس را صوول می‌کردند.^۲

۲-۲- صفوی

از اواخر دوران تیموری تا روی کار آمدن حکومت صفوی، ایران گرفتار اختلاف‌های درونی و کشمکش‌های خاندن‌های معنی تاج و تخت، چون قره‌قویونلو، آق‌قویونلو، و... شد. در سده ۱۶ م، پرتغالی‌ها در منطقه خلیج فارس دارای توان و چیرگی کامل بودند. نخست هرموز را به دلیل جایگاه مناسبی که داشت و در دهانه خلیج فارس افتاده بود، مرکز عملیات دریایی و

۱. نشأت (میرداماد)، صادق. تاریخ سیاسی خلیج فارس، ص ۶۶-۶۷.

۲. زرین قلم، علی. سرزمین بحرین، ص ۷۲.

بازرگانی قرار دادند و بازرگانی بصره، مسقط، بندوباس و دیگر نقاط را به دست گرفتند. در سال ۹۹۶ ه. ق / ۱۵۸۷ م، شاه عباس صفوی به پادشاهی رسید و ایران بار دیگر یکپارچگی خود را بازیافت و کشور دارای سازمان و تشکیلات منظم در زمینه‌های گوناگون شد. در زمینه بازرگانی نیز با کشورهای دیگر پیوندهایی برقرار ساخت و به کمک انگلیسی‌ها توانست دست پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها را از خلیج فارس کوتاه سازد.^۱

با رانده شدن استعمارگران پرتغالی و اسپانیایی از خلیج فارس، رخنه انگلیسی‌ها در این دریا زیاد شد. از سویی هلندی‌ها در سال ۱۰۳۳ ه. ق / ۱۶۲۳ م، با دایر نمودن نمایندگی بازرگانی در هرموز، و سپس با انتقال آن در سال ۱۰۳۵ ه. ق / ۱۶۲۵ م، به بندر عباس و با دادن رشوه، سهمی از بازرگانی ایران را به دست گرفتند و از پرداخت عوارض و حقوق گمرکی کالاها، به ویژه ابریشم، خودداری کردند.

چون این امر به زیان بازرگانان انگلیسی تمام می‌شد، لذا کشمکش بین آنان بر سر برتری دریایی و در دست گرفتن بازارهای خاور، نخست در سال‌های ۱۶۵۲ تا ۱۶۵۴ م، و سپس در سال‌های ۱۶۶۵ تا ۱۶۶۷ م، هم چنان ادامه داشت.

در سال ۱۰۷۵ ه. ق / ۱۶۶۴ م، شرکت فرانسوی هند خاوری ایجاد شد و رقیب جدیدی وارد پهنه بازرگانی و سیاسی در منطقه گردید و با دایر نمودن نمایندگی در ایران، توانست تا زمان انقلاب فرانسه، در ایران بماند.^۲

۲-۳- افشار و زند

نادر شاه افشار (۱۱۴۹ - ۱۱۶۱ ه. ق) در اوایل حکومت خود، یعنی در سال ۱۱۴۹ ه. ق تمامی کرانه‌ها و جزیره‌ها، از جمله مجمع‌الجزایر بحرین را گشود و همدرد بر آمد در خلیج فارس نیروی دریایی ایجاد کند. از این رو چند فروند کشتی از انگلیسی‌ها و هلندی‌ها خرید و فرمان داد،

۱. مهدوی، عبدالرضا هوشنگ. تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۹۰-۹۲

۲. ویلسن، سرآرنولد. خلیج فارس، ص ۱۳۷ و ۱۹۳ - ۱۹۵

که از جنگل‌های مازندران برای ساختن کشتی چوب و تخته به کرانه خلیج فارس آورده و شماری کشتی بسازند.

پس از کشته شدن نادر شاه در سال ۱۱۶۱ ه. ق ۱۷۴۷/م، شورش‌هایی سراسر ایران را فراگرفت، ولی کریم خان زند، یکی از سرداران نادرشاه، برکشور چیره شد. با دزدان دریایی و عرب‌های جواسم / قواسم جلفا یا رأس الخیمه کنونی جنگید و آنان را سرکوب کرد. وی به عمان و بصره لشکر کشید و این نواحی را نیز گشود.

۲-۴- قاجار

در دوران قاجار، کرانه‌های خلیج فارس بیش از گذشته مورد تاخت و تاز کشورهای استعمارگر، به ویژه انگلستان بود. انگلیسی‌ها خود را فرمانفرمای کل خلیج فارس می‌نامیدند و برای زندگی و گذران امور مردم منطقه، تعیین تکلیف می‌کردند.

بی تدبیری فتح علی شاه، عیاشی‌ها و شادخواری‌های ظرالدين شاه قاجار و آشفتگی‌های روزگار مظفرالدین شاه، میدان را برای انگلستان و هم‌چشمی‌های روسیه، فرانسه و انگلستان بر سر آب‌ها و زمین‌های ایران هموار ساخت، که یادآوری همه آن‌ها از حمله این گفتار خارج است. تنها دلسوزی‌ها و علاقه‌مندی‌های امیرکبیر و آرزوی داشتن بندرهای آباد و کشتی‌سازی در جنوب ایران، در این دوران دارای اهمیت است.

امیر کبیر کوشش‌هایی در به وجود آوردن نیروی دریایی ایران در خلیج فارس و دریای مازندران انجام داد، هرچند که در اثر سیاست ویرانگر استعمارگران برون مرزی و درون مرزی بی سرانجام ماند. پس از وی ظرالدين شاه در اواخر سلطنت خود، در اندیشه ایجاد نیروی دریایی در خلیج فارس افتاد و به همین جهت پس از تلاش بسیار و بنا به گفته لردگرن با اجازه انگلستان موفق به خرید ناو پرسپولیس گردید. گرچه این کشتی جنگی نبود، ولی ۳ دستگاه توپ سرپُر ۷۰ میلی‌متری و فشنگ و باروت در آن وجود داشت.

کشتی پرسپولیس کار مهمی انجام نداد و در همان سال‌های ورود به بوشهر، به گل نشست، که لاشه آن، تا سال‌های اخیر در دریا موجود بود. کشتی‌های دیگر دوران قاجار، مظفری، شوش و چند قایق کوچک بود، توان و کارایی چندانی نداشتند. اما دریانوردی و ایجاد کشتی رانی مدرن، از اوایل سده شمسی اخیر، در خلیج فارس آغاز گشت و بندرهای مهم، آباد و پررونقی در کرانه‌های خلیج فارس ایجاد گردید، به طوری که توان دریایی ایران در دهه‌ها و تا امروز، بر همه جهانیان آشکار بوده و هست.^۱

۲-۵- پهلوی

در جریان جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸ م / ۱۲۹۳-۱۲۹۷ ه. ش) و پس از آن، خلیج فارس شاهد رویدادهای سیاسی مهمی شد، که منجر به افزایش توان بریتانیا در کرانه‌های جنوبی آن گردید. در این جنگ، انگلستان برای نگاهداری چاه‌های نفت خوزستان و پالایشگاه آبادان، که سوخت نیروی دریایی بریتانیا را تأمین می‌کرد، با عثمانی وارد نبرد شد. عثمانی در این جنگ شکست خورد و تجزیه شد و از پهنه خلیج فارس بکلی بیرون رفت، ولی همسایگان جدیدی، مانند: عراق، کویت، عربستان سعودی، و... برای ایران در باختر و جنوب خلیج فارس نمایان شدند.

۱. افشار (سیستانی)، همان کتاب، ص ۶۲-۶۴

خلیج فارس، گناوه

از سال ۱۳۰۴ ه. ش / ۱۹۲۵ م، یعنی پس از جنگ جهانی اول حکومت پهلوی در ایران روی کار آمد. رضا شاه نخست سرکشان خوزستان و شیخ خول را سرکوب کرد و پس از استقرار حاکمیت ایران، راه آهن سراسری کشور را ایجاد نمود، که در جنوب به خور موسی و بندر امام خمینی / بندر شاهپور در کنار خلیج فارس پیوند یافت^۱

در سال ۱۳۰۶ ه. ش، بودجه نیروی دریایی از تصویب مجلس شورای ملی گذشت و سال بعد ضمن غزام نخستین گروه افسران جوان برای فراگرفتن فنون دریایی به ایتالیا، برای ساختن دو ناو ۹۵۰ تنی و چهار ناو ۳۲۰ تنی، سفارش لازم به ایتالیا داده شد.^۲

در اواخر سال ۱۳۱۱ ه. ش، ناوهای ایرانی آماده شدند و به فرماندهی ناخدا غلامعلی بایندر و با همکاری کارشناسان فنی ایتالیایی، از راه کانال سوئز، دریای سرخ، اقیانوس هند و دریای مکران به خلیج فارس وارد و به پاسداری آب‌های خلیج فارس پرداختند.^۳ پایگاه‌های دریایی در نقاط گوناگون خلیج فارس و دورترین بندرها به وجود آمد و امنیتی که سده‌ها از آب‌های نیلگون ایران رخت بر بسته بود، با همت افسران و درجه داران و ناویان ایرانی دوباره بازگشت.

با پایین کشیدن پرچم انگلستان در بندرها و جزیره‌های خلیج فارس، پرچم ایران در پهنه دریاهای این سرزمین به اهتزاز در آمد، و دست استعمار بیگانگان از جزیره‌ها و بندرهای ایران برچیده شد.^۴

در یکم سپتامبر ۱۹۳۹ م، / دهم شهریور ۱۳۱۸ ه. ش، جنگ جهانی دوم آغاز گشت. ایران با وجود بی طرفی به جنگ کشیده شد و متفقین گاه به یک رشته گام‌های تهدیدآمیز در مرزها و آب‌های خلیج فارس مبادرت می‌کردند.^۵

۱. امیر ابراهیمی همان کتاب، ص ۴۶ - ۴۷

۲. مقتدر، غلامحسین. کلید خلیج فارس، ص ۱۰۸

۳. رسایی، در یادار فرج‌الله. دوهزار و پانصد سال بر روی دریاها، ص ۳۸۲

۴. احمدی، حمید. تاریخ نیم قرن نیروی دریایی نوین ایران، ص ۵۳

۵. دبورین، ک. ا. رازهای جنگ جهانی دوم، ص ۴۸

سپت ۲۰ روز ۲۲ اردیبهشت ۱۳۲۰ ه. ش، ناو انگلیسی در کرانه خسرو آباد لنگر انداخت. روز ۲۴ اردیبهشت، یک رزم ناو انگلیسی در کنار نهراشوشان، در ۹ کیلومتری شمال باختری قُصبه لنگر انداخت.^۱

روز دوم شهریور ۱۳۲۰ ه. ش، ناو انگلیسی وارد آب‌های آبادان شد و روز بعد به ناو ایرانی پلنگ به فرماندهی ناخدا میلانین یورش برد و آن را به توپ بست، ناخدا میلانین به سختی زخمی شد و به شهادت رسید. در این روز ناو ببر و دیگر ناوچه‌های ایران در خرمشهر توسط ناوهای انگلیسی غرق شدند و شادروان دریادار بایندر و شمار زیادی افسر، ملوان، مهناء، و... ایرانی شهید شدند.^۲

به هر حال متفقین، خلیج فارس، بندرهای خرمشهر، شاهپور/امام خمینی و راه آهن سراسری کشور را ضمن پیمانی با دولت ایران در اختیار گرفتند، و طی سال‌های جنگ، از راه خلیج فارس میلیون‌ها تن سلاح جنگی و ملزومات نظامی، به مرزهای روسیه شوروی و جبهه‌های جنگ فرستادند. سرانجام همین امر سبب پیروزی متفقان شد و ایران نیز که خود در صف متفقان قرار داشت به پل پیروزی سرشناس گردید.

پس از پایان جنگ جهانی دوم، بار دیگر ایران بر خلیج فارس چیره شد و با تقویت نیروی دریایی خود، اداره خلیج فارس و دریای مکران را به دست گرفت.

پس از خروج نیروی انگلستان از خلیج فارس در ۱۹۶۸ م / ۱۳۴۷ ه. ش، یک خلاء سیاسی و نظامی در منطقه به وجود آمد، که می‌توانست رخنه قدرتهای خارج از منطقه خلیج فارس را جلب کند. از این رو ایران با اقدام‌های زیر، زمینه را برای حاکمیت سیاسی ایران بر خلیج فارس فراهم ساخت.

(۱) به لحاظ استراتژی و به منظور حراست از تنگه هرموز و راه دریایی کاروان‌های نفت‌کش و بازرگانی، ارتش ایران در روز ۳ نوامبر ۱۹۷۱ م / ۹ آذر ۱۳۵۰ ه. ش، جزایر ایرانی تَنب

۱. مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی درباره سوم شهریور، نقش آن در جنگ جهانی دوم، ص ۵۱-۵۲.
۲. احمدی، همان کتاب، ص ۶۹-۷۳

بگو، تُنَب کوچک و بوموسی را، که از ۸۰ سال پیش از این تاریخ توسط انگلیسی‌ها اشغال شده بود، بار دیگر به کشور بازگرداندند.

۲) دولت ایران از نظر حقوقی مسأله فلات قاره را بر پایه قرارداد ژنو به سال ۱۹۶۸م/۱۳۴۷ه. ش، با عربستان سعودی حل و فصل کرد و در سال ۱۳۴۹ه. ش/۱۹۷۰م، با دولت قطر نیز موافقت نامه‌ای مبنی بر تعیین خط مرزی فلات قاره امضاء کرد و ۲ سال بعد، همین موافقت نامه با دولت بحرین به امضاء رسید.

۳) در مورد مرزهای ایران و عراق در اروندرود، که از سال ۱۹۴۳م/۱۳۲۲ه. ش، اختلافاتی بین دو کشور وجود داشت و تا ۱۹۷۵م/۱۳۵۴ه. ش، به نتیجه‌ای نرسیده بود، دولت‌های ایران و عراق، سرانجام در خرداد ۱۳۵۵ه. ش، به توافق رسیدند و ظاهراً این اختلاف چندین ساله برطرف گردید.^۱

۲-۶- جمهوری اسلامی

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید و در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ه. ش، بر حاکمیت نظام شاهنشاهی پایان داد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران یک‌بار دیگر این کشور به عنوان قدرت نخست منطقه در آمده‌است.

ایران وابسته به آمریکا، تبدیل به قدرت مستقل رو به رشدی گردید، و همواره تأکید داشت که خلیج فارس متعلق به کشورهای پیرامون آن است و دست بیگانگان بایستی از آن کوتاه شود.

این دکترین، دلیل طلی نزع موجود در منطقه است، که در شکل جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و فشارهای نظامی و سیاسی آمریکا و متحدانش، علیه ایران آشکار شده است.

۱. امیر ابراهیمی. همان کتاب، ص ۴۷ - ۴۸

در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، برای جلوگیری از دست‌اندازی عراق و استقرار آرامش و حفظ منافع جمهوری اسلامی ایران، نیروهای نظامی ایران و در پیشاپیش آنها نیروی دریایی، در خلیج فارس عملاً وارد کارزار شد. در نبردهای بسیار، شمار زیادی شناور عراقی توسط نیروی دریایی توانمند ایران غرق شدند و برای نیروی دریایی عراق مسجل گردید، که سیادت درست خلیج فارس در دست نیروی دریایی ایران است.^۱

۱. افشار (سیستانی)، ایرج. جغرافیایی تاریخی دریای پارس، ص ۲۰۰

فصل سوم اقتصاد

۱- پیش از اسلام

خلیج فارس از دیر باز شاه راه بازرگانی و از آبراه‌های پر رفت و آمد بوده و خاور و باختر را به هم می‌پیوسته است. آثار باستانی ریشهر و جزیرهٔ گگو در استان بوشهر^۱، نشان می‌دهند، که در آن روزگاران عیلامیان از این نقاط برای سکونت، کشتی رانی و بازرگانی در کناره‌های دریای پارس استفاده می‌کردند.

خلیج فارس به عنوان یک دریای کناره و کم ژرفا و آرام با آب‌های گرم، مناسب‌ترین محل برای کشتی رانی و رشد فرهنگ بشر به شمار می‌رفت.^۲

عیلامیان ریشهر را به مرکز بازرگانی دریایی بدل کردند و با هندوستان و مصر پیوند بازرگانی برقرار ساختند. کالای بازرگانی این دوران، اضافه فرآورده‌های کشاورزی، دامی، مواد معدنی و یا کالای ساخته شده بوده است.

دولت هخامنشی پس از پیروزی بر بین‌النهرین یا میان‌رودان و چیرگی بر کناره‌های شمالی و جنوبی خلیج فارس، وارث بازرگانی دریایی و راه بازرگانی باختر و خاور گردید. اهمیت این راه آبی و امنیت آن، بر کورش بگو روشن بود، زیرا بازرگانی بین هند، آفریقای خاوری، خلیج فارس و کشورهای پیرامون آن، سود سرشاری نصیب شهرها و بندرهای نزدیک خلیج فارس می‌ساخت.

کورش پس از پیروزی بر آشور، بابل و عیلام، شهر شوش را به جای بابل، مرکز بازرگانی

۱. آمیه، پیر. تاریخ ایلام، ص ۲

۲. امیر ابراهیمی، عبدالرضا. خلیج فارس، ص ۵۴ - ۵۵

خارجی ایران و خاور و باختر قرارداد تاکشتی‌ها به رود کارون وارد شوند و کالای خود را در شوش تخلیه کنند.

داریوش بگو برای بازرگانی خارجی ایران، طرح بزرگی پی ریزی کرد. فرمان ایجاد کانال سوئز را داد، تاکشتی‌های بازرگانی بتوانند از دریای پارس و دریای سرخ به مصر و دریای مدیترانه وارد شوند و کالای سرزمین‌های پیرامون این دریا را به ایران برسانند، به علاوه برای امنیت راه‌های آبی، نیروی دریایی بزرگی به وجود آورد.^۱

در دوران اشکانی، دریای پارس شکل یک راه ترانزیتی را پیدا کرد، زیرا تسهیلات بسیاری برای بازرگانان خارجی و داخلی فراهم ساختند و در شهرها و بندرهای ایران، آنان را پذیرا شدند و هر سگه‌ای در داد و ستد عرضه می‌شد، می‌پذیرفتند.^۲

ساسانیان نقش بزرگی در بازرگانی آسیا داشته‌اند و خلیج فارس، مرکز فعالیت دریایی ساسانیان بوده است. اردشیر اول در سال ۲۲۴ م، آخرین فرمانروای اشکانی را مغلوب ساخت و به منظور سیادت بر خلیج فارس تلاش بسیار کرد.

در زمان شاهپور دوم، عرب‌ها به سوی خلیج فارس سرازیر گشتند و کرانه‌های فارس، خوزستان، سواد و شهر ریواردشیر را مورد چپاول قرار دادند.

۱. همان کتاب، ص ۵۸

۲. شاپوریان، عنایت الله. بیست و پنج سده مالیات، ص ۲۶

خلیج فارس، ماهیگیری در کرانه ایران

این یورش‌ها بر شاهپور گران آمد و در نقطه‌ای از کرانه خلیج فارس سوار کشتی شده، به سوی نواحی عرب نشین رفت، نخست آنان را تار و مار ساخت و آن‌گاه از راه خشکی تا یثرب / مدینه، پیش رفت. به فرمان شاپور شانه اسرای عرب را سوراخ کردند و طنابی از آن سوراخ گذرانیدند و آنان را به هم بستند. از این رو است، که عرب‌ها وی را شاپور ذوالاکتاف نامیده‌اند. آمیانوس مارسلینوس، اهل انتاکیه، خلیج فارس را چنین تھیف کرده است:

«شهرها و قراء بسیاری در سواحل آن ساخته شده و کشتی‌ها مرتباً در رفت و آمد هستند.»

استرابادار دشر / استادار دشر جای‌گزین کرخه شد و بتن‌اردشیر در کرانه جنوبی خلیج فارس نیز به گونه چشمگیری در ناحیه گرھا (در کرانه عربستان) توسعه یافت و بازرگانی رونق بسیار یافت.^۱

در این دوران، بندر سیراف مرکز بازرگانی بزرگی شد و در ردیف بندر ریشهر قرار گرفت و در حدود ۳ سده، بزرگترین بند بازرگانی خلیج فارس و خاور به شمار می‌رفت. کالای بازرگانی کشورهایی که به چین و هند صادر می‌گردید و هم‌چنین کالای بازرگانی وارده از هند و چین در این بندر متمرکز می‌شد.^۲

مهم‌ترین کالایی، که از امپراتوری چین به خلیج فارس وارد می‌کردند، پارچه‌های ابریشمی، هنرهای دستی، مشک، کافور، کاغذ و ظرف چینی بود.

از جاوه، سوماترا و هند، ادویه، عطر، دارو، چوب صندل، آبنوس، عود، کافور، چوب صنعتی خیزران و ساج به سیراف وارد می‌شد.

در برابر واردات کالای یاد شده، از سیراف پارچه کتانی، لنگ، دستمال، حوله، پارچه پشمی، فرش، مروارید، ساخته‌های فلزی، طلا و نقره، گلاب مرغوب جور، و سفره‌های خوش

۱. وایت هاوس، دیوید و ویلیامسن، آندرو. بازرگانی دریایی ساسانیان، ص ۸، ۱۱، ۱۵، ۱۹

۲. سمسار، محمد حسن. جغرافیای تاریخی سیراف، ص ۲۱۰

نقش، صادر می‌گردید.^۱

۲- پس از اسلام

پس از برآمدن اسلام در سده ۷م، بازرگانی چین و هندوستان به روم خاوری و اروپا از راه بندرهای خلیج فارس ادامه یافت و دامنه داد و ستد بین‌المللی همراه با گسترش قلمرو اسلامی، تا باختر اسپانیا توسعه یافت.

برآمدن خاندان‌های استقلال جوی ایرانی چون طاهریان، صفاریان، سامانیان، و سرانجام چیرگی دیلمیان بر بین‌النهرین، خلیج فارس و عمان، بغداد را سست کرد و ایرانیان بار دیگر بر هر دو سوی خلیج فارس چیره شده و بازرگانی آن را در دست گرفتند و در روزگار عضدالدوله دیلمی همراه با رونق بسیار، اقتصاد روستایی و صنایع شهری، داد و ستد از راه خلیج فارس گسترش یافت.

در سده ۱۰م، رویدادهایی چون بروز طغون در بصره، آغاز جنگ‌های اسلام با روم خاوری و سپس با نیروهای صلیبی، بندرهای سوریه در مدیترانه و راه بازرگانی دجله - آسیای کوچک بسته شد. از سویی جنگ‌های داخلی ایران و ناامنی راه‌های بازرگانی نیز به این امر کمک کرد و بازرگانی خارجی ایران به جای مسیر زمینی از طریق خلیج فارس و بندر سیراف و جزیره کیش به سوی هندوستان و دریای سرخ برقرار گردید.

۱. افشار (سیستانی)، ایرج. جغرافیای تاریخی دریای پارس، ص ۲۹۴

خلیج فارس، قایق‌های ماهیگیری

مغولان از نیمهٔ دوم سدهٔ ۱۳ م، به بازرگانان اروپایی اجازه دادند از قلمرو آنان گذشته و برای تجارت به هند و سپس به چین بروند. در این راه بازرگانان ایتالیایی پیشگام بوده و از راه آسیای کوچک، ترابوزان، تبریز، کاشان، یزد، کرمان، هرموز و تیس، به هند رفتند و راه ترانزیت خاور و باختر بار دیگر گشوده شد و کالایی که از چین به ساحل مالابار می‌رسید، توسط بازرگانان هرموز وارد و با کاروان ۶۰ روزه به سلطانیه فرستاده می‌شد. از این شهر از طریق تبریز و قازانیه به اروپا حمل می‌گردید.

جزیرهٔ هرموز، که از اوایل سدهٔ ۱۴ م، به جهت جایگاه دریایی خود، از گزند حوادثی که در ایران می‌گذشت در امان بود، مرکز بازرگانی باختر و خاور شد. رونق بازرگانی راه خلیج فارس به تبریز و قسطنطنیه / استانبول، تا بر آمدن امپراتوری عثمانی ادامه یافت، ولی هم زمان با بر افتادن مغولان و برآمدن حکومت‌های ایرانی، شهر قسطنطنیه هم در سدهٔ ۱۵ م، به دست عثمانی افتاد. در پی سقوط روم خاوری، عثمانی‌ها به بالکان جنوبی، دریای سیاه، سوریه، مصر و عربستان راه یافتند و تمامی راه‌های پیوند باختر و خاور را بریدند.

اروپاییان که با بر آمدن عثمانی از راه خلیج فارس نا امید شده بودند، در جست و جوی راه‌های دیگری برآمدند و در پی پیدا شدن دماغهٔ امیدنیک توسط اسکودوگاما، کشتی‌های پرتغالی از مسیر جدید وارد اقیانوس هند شده و به باب‌المنندب و سپس به خلیج فارس و جزیرهٔ هرموز رسیدند.

تا حدود ۱۰۰ سال پس از استقرار پرتغالی‌ها در جزیرهٔ هرموز، بازرگانی خلیج فارس در دست پرتغالی‌ها بود و با تغییر مسیر راه بازرگانی از هند به جزیرهٔ هرموز و دماغهٔ امیدنیک و اقیانوس اطلس، اقتصاد خارجی ایران دچار خسارت بزرگی شد.^۱

در دوران صفوی، به ویژه در زمان شاه عباس بگو، حسن سیاست و استقرار نظم و امنیت در ایران، کشورهای اروپایی را بر آن داشت که با ایران پیوند بازرگانی و اقتصادی برقرار سازند. در این زمان بود، که اروپایی‌ها در کناره‌های هندوستان مراکز بازرگانی تشکیل داده و

۱. امیر ابراهیمی، همان کتاب، ص ۶۷ - ۶۸

توجه خود را به سوی کشورهای پیرامون شبه جزیره هندوستان، بازگردانیده بودند.^۱ انگلیسی‌ها به موجب فرمان شاه عباس بگو، کالای خود را بدون پرداخت غول و مالیات به شیراز و طلفهان می‌آوردند و در برابر، ابریشم و کالای دیگر ایران را می‌خریدند و از راه خلیج فارس به اروپا می‌فرستادند.^۲

در میانه سده ۱۶ م، هلندی‌ها خود را به دریای پارس رسانده و به امید بهره‌مندی از تجارت پردرآمد خاور زمین، مبارزه با انگلیسی‌ها را آغاز کردند. شرکت‌های هلندی و انگلیسی و دفاتر بازرگانی آنان در تیس، جاسک، هرموز، بندر عباس، حگلو و بوشهر با یکدیگر به رقابت افتادند.

در دوران صفوی در آمد گمرکی از جمله درآمدهای ویژه خزانه شاهی به شمار می‌رفت. در کرانه‌های خلیج فارس ۱۰ همد از بهاء اجناسی را که به ایران وارد می‌شد، به عنوان غول گمرکی می‌گرفتند. درآمد سالانه گمرک‌های بندر عباس و بندر کنگ در زمان شاه عباس دوم، همه ساله نزدیک ۲۴ هزار تومان بوده، ولی زمان شاه سلیمان به ۱۲ هزار تومان کاهش یافته است.^۳

انگلیسی‌ها که در سده ۱۷ م، از فعالیت بازرگانی در خلیج فارس دلسرد شده بودند، در میانه سده ۱۸ م، در زمان نادرشاه افشار، بار دیگر با توان بیش‌تری به این منطقه بازگشتند. نادر شاه، که آرزو داشت بازرگانی خلیج فارس و دریای مکران را رونق دهد، پایگاهی در کرانه دریای مکران به دست آورد و کوشید در بوشهر یک مرکز دریایی به وجود آورد، ولی به سبب جنگ‌های پیایی و گوزودرس، موفق به انجام طرح‌های خود در خلیج فارس نشد.^۴

۱. بهنام، جمشید. نظری اجمالی به اقتصاد خلیج فارس، و... سمینار خلیج فارس، جلد دوم، ص ۹۵

۲. فلسفی، نصرالله. زندگانی شاه عباس اول، جلد سوم، ص ۲۹۴

۳. همان کتاب، ص ۲۶۵

۴. امیر ابراهیمی، همان کتاب، ص ۷۰

خلیج فارس، اسکله بارگیری سری

یورش افغان‌ها و رویدادهای بعدی سبب شده بود، که نمایندگی‌های بازرگانی اروپایی در ایران بسته شود، ولی پس از زمامداری کریم خان زند، صلح و آرامش برقرار گردید و بار دیگر پای اروپاییان به ایران باز شد.^۱

در دوران زندگی از کالای صادره و وارده در بوشهر یا بندرهای دیگر، حقوق گمرکی برداشته شد و واسطه‌ها، مستخدمان و کسانی که در نمایندگی‌های بازرگانی کار می‌کردند، از پرداخت مالیات یا غول‌گمرکی معاف گشتند.^۲

در دوران قاجار ایران دچار جنگ با روسیه تزاری گردید. روس‌ها می‌خواستند بر خلیج فارس چیره شوند و به آب‌های گرم آن دست یابند. از سویی انگلستان نیز که خلیج فارس را دروازه هند تلقی می‌نمود، رخنه خود را در کناره جنوبی خلیج پارس افزایش داد و با روسیه تزاری روبه‌رو گردید.

در این دوران سالانه ۷۰ کشتی بازرگانی ایران تنها از بندرهای عباس و لنگه به هندوستان رفت و آمد می‌کردند و بیش از نیمی از بازرگانی خارجی سراسر خلیج فارس در بندرهای بوشهر، لنگه و عباسی انجام می‌شد، و این رونق بازرگانی تا ورود کشتی‌های بخاری هم چنان ادامه داشت، به طوری که ارزش داد و ستد بندرهای ایران به حدود یک و نیم میلیون لیره انگلیسی رسیده بود.

در دوران پهلوی با پیدا شدن نفت در آغاز سده ۲۰ م، در خوزستان و ایجاد بندر نفتی آبادان و رفت و آمد کشتی‌ها در خلیج فارس و بروز انقلاب در روسیه تزاری همراه با رکود در بازرگانی خارجی ایران در دریای مازندران سبب شد گام‌های زیر در حوزه خلیج فارس به عمل آید:

(۱) ایجاد راه آهن سراسری در ۱۱ سال و رسیدن خلیج فارس به مرکز کشور و ایجاد بندر شاهپور (بندر امام خمینی) در کرانه خلیج فارس.

۱. مهدوی، عبدالرضا هوشنگ. تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۱۸۰

۲. شاپوریان، همان کتاب، ص ۱۱۶

(۲) ایجاد تأسیسات جدید بندری در خرمشهر و تبدیل آن به یک بندر فعال بازرگانی و مرکز نیروی دریایی.

(۳) توسعه بندر بوشهر و بندر عباس، که از لحاظ داد و ستد جهانی و مراکز نیروی دریایی اهمیت یافته‌اند.

پس از رسیدن بندر شاهپور/ امام خمینی و خلیج فارس به راه آهن سراسری هم زمان با سیاست تشویق صادرات و سایر کارهای مربوط از سال ۱۳۱۸ ه. ش، به بعد، اندازه کالای صادره ایران بر واردات فزونی گرفت و اندک اندک حجم کالای تخلیه و بارگیری شده در بندرهای خلیج فارس به حدود ۴۰۰ هتد بیش از حجم داد و ستد بندرهای دریای مازندران رسید. در سال‌های جنگ جهانی دوم، که ایران پل پیروزی متفقین بود، خلیج فارس شاهد رفت و آمد دریایی بسیار شد، که میلیون‌ها تن کالا در بندرهای آن جا به جا می‌شد و به طور ترانزیت از کشور می‌گذشت.

از سال ۱۳۲۸ ه. ش، با تشکیل سازمان برنامه ریزی در کشور و تنظیم سیاست اقتصادی و ایجاد صنایع، آبادانی و رشد بندرها و جزیره‌ها و کرانه‌های ایرانی خلیج فارس جزء کارهای دولتی درآمد و با سرمایه‌گذاری‌های بگو در زمینه راه آهن، راه آسفالت، اسکله سازی، فرودگاه‌های بین‌المللی، تسهیلات گمرکی و انباری، و... گام‌هایی در توسعه و رشد اقتصادی خلیج فارس به عمل آمد.

به دنبال قراردادهای ۱۳۳۲ ه. ش، ایران و کنسرسیوم نفت و قانون نفت مصوب ۱۳۵۳ ه. ش، بهره‌برداری از میدان‌های نفت کنار خلیج فارس و هم‌چنین حوزه‌های نفتی فلات قاره به سعت افزایش یافت و درآمد عمومی کشور را از این محل بالا برد و در راستای آن، میانگین درآمد سرانه و سطح زندگی و بهره‌مندی از کالای سرمایه‌ای و مصرفی به سعت بالا رفت و در نتیجه خلیج فارس و بندرهای آن، از لحاظ بازرگانی خارجی برتری یافتند.

در این دوران میزان تخلیه بندرهای بازرگانی دریای پارس بیش از ۴ هزار در صد افزایش یافت و گنجایش بندرهای نفتی به حدود ۵ هزار هتد رسید.^۱

۱. امیر ابراهیمی، همان کتاب، ص ۷۴-۷۶

لنج در حال ساخت، بوشهر

بخش دوم
نام خلیج فارس

پیش‌گفتار

ایران تو مادری و خلیج فارس
مُهر هزاره‌ها که بر آن نقش است
این نام‌کنده شد ز هزاران سال
دریای پارس خواندورا تاریخ
امواج پرخروش خلیج فارس
هر موج پای کوبد و دست افشان
تنب بگرو و کوچک و بوموسی
نام خلیج فارس سزای توست
ای کشور فرغ اهورایی

چون کودکی نشسته به دامانت
باشد گواه روشن و عنوانت
ببرویه کتیبه ایوانت
از عهد داریوش جهان بان
هستند جاودانه ثنا خوانت
شکر آوَرَد به درگه یزدانت
هستند پاره‌های تن و جان
تاریخ پیر شاهد برهانت
بادا خدا همیشه نگهبانت^۱

«توران شهریاری»

۱. سطرهایی از چکامه ایران و خلیج فارس از اندیشمند فرهیخته سرکار خانم توران شهریاری (بهرامی)، ۲۴ فروردین ۱۳۷۹ ه. ش

جغرافی نگاران پیشین در نام‌گذاری سرزمین‌ها، دریاها، رودها، کوه‌ها، و... ریشه‌هایی را پاس داشته و به کار برده‌اند، بدین معنی که نام ایل‌ها، طایفه‌ها و مردمان هر ناحیه یا منطقه به سرزمین آنان اطلاق شده است، و نام بیش‌تر رودها از رنگ آب‌ها و نام بیش‌تر کوه‌ها در همانند بودن آن‌ها به کالبدهای دیگر گرفته شده است. در نام‌گذاری دریا و دریاچه‌ها از ریشه استوارتر و دلپذیرتری پیروی شده و بیش‌تر دریاها همیشه به نام کشور و سرزمینی، که در نزدیکی و پیرامون آن قرار دارد، نامیده شده‌اند. اقیانوس هند، خلیج مکزیک، دریای چین، دریای مازندران، و... از این‌گونه نام‌ها هستند.

رومی‌ها و یونانی‌های باستان در پیوندهای دریایی و سیاسی خود با ایران، به دلیل بزرگی و پیشرفت سرزمین آبادان پارس بود، که برای نخستین بار دریای جنوب ایران را بدان وابسته و نام نهادند. چنان‌که بزرگی و توانمندی سرزمین پارس در منابع گوناگون نیز دلیلی در نام‌گذاری دریای پارس و خلیج فارس است. بدین ترتیب در این نام‌گذاری نه تنها ریشهٔ ملی و نژادی و عامل ایرانی یا عربی دخالتی نداشته است، بلکه بیان درستی بوده که از زبان و توسط جغرافیانگاران و دانشمندان آن روزگار عنوان گردیده و در تمامی دوران‌های پیشین پذیرفته شده است.

نقشه ایران بزرگ در زمان پیشدادیان و جایگاه خلیج فارس و دریای اری تره

فصل اول

نام خلیج فارس پیش از اسلام

از باستان تا امروز در همه آثار تاریخی، جغرافیایی و دایرةالمعارف‌های بگو جهان آب‌های جنوب ایران از پیوستنگاه ارون‌دروود تا تنگه هرموز به نام خلیج فارس^۱ شناخته شده است. تاریخ و جغرافیا نگاران و باستان شناسان تاکنون از این دریا به نام‌های: خلیج فارس / خلیج‌العجم و دریای پارس / بحر پارس یاد کرده‌اند.

در اوستا، در چندین جا از خلیج فارس به نام «دریای پوئی تیک» یا «پوئی دیک» یا «پودیگ» و از دریای مکران (دریای عمان) به نام «سدویس» و از اقیانوس هند به نام «فراخکرت» یاد شده است.

در شماره ۱۸ فرگرد ۵، بخش ون‌دیداد اوستا، آمده است:

«من اهوره مزدا، آب‌ها را بر مردارها و دخمه‌ها و بازمانده‌های چرکین و استخوان‌هاروان می‌کنم.
آن‌گاه من، اهوره مزدا، آب‌ها را پنهانی بازمی‌گردانم.
من اهوره مزدا، آب‌ها را به دریای پوئی تیک (خلیج فارس) بازمی‌گردانم»^۲

۱. گفتاری در ۴۲ صفحه تحت عنوان «نام خلیج فارس»، که حلل سال‌ها بررسی و پژوهش من (ایرج افشار سیستانی) بود به کنگرة خلیج فارس در فرهنگ و ادب پارسی، ۳۰ اردیبهشت - ۲ خرداد ۱۳۷۵ ه. ش. ارایه شد، اما...
۲. دوستخواه، جلیل. اوستا، کهن‌ترین سرودهای ایرانیان، جلد دوم، ص ۷۰۷

نیمکره زمین، که هفت کشور بر آن مشخص شده است

نیمکره زمین، دریاها و کوه‌ها، از کتاب پژوهشی در اساطیر ایران

در بند هِشَن ۱۰/۱۲ نیز آمده است، که آب‌های کثیف و ناسالم به این دریا ریخته و در آن جا متوقف می‌شوند تا از آلودگی پاک شوند. آن گاه جریان مداوم و تلاطم دریا به وسیله باد آب‌های آلوده و نجس را پاک و تصفیه کرده و از آن جا به دریای وُئور و کَشَه یا فراخکرت / اقیانوس هند هدایت می‌کند و این دو دریا از زیر به هم ارتباط دارند.^۱

بنا به نوشتار بند هِشَن و وندیداد اوستا، در آغار هزاره ۷ پ. م، پس از تازش اهریمن بر زمین و آسمان، ایزد تیشتر با جام ابر از آب‌هایی که در آغاز آفریده شده بود، آب برداشت، باد آب را به آسمان برد و بر زمین ببارانید. در پی این باران بگو، زمین غمناک شد و به هفت پاره بگسست. هر پاره‌ای را اقلیمی خوانند که در پهلویش کشور گفته شود، پاره‌ای که به اندازه همه شش پاره دیگر بود، در میان و شش پاره دیگر پیرامون آن قرار گرفتند. پاره میانه «خونیرس» است، که در پارسی خونیرس و خنیره، آمده است

چون ایزد تیشتر بر زمین باران آورد، در سوی نیم روز / جنوب، دریای فراخکرد / فراخکرت را در جنوب کوه البرز پدید آورد، که یک سوم این زمین را در بر دارد.

شش دریای دیگر نیز بر زمین پیدا آمد: در جنوب دریای پوئگد / پوئی تیک (خلیج فارس) قرار گرفت. میان این دریا و دریای فراخکرد (اقیانوس هند) دریای سدویس (دریای مکران) قرار گرفت و پوئگد از این راه به دریای فراخکرد راه دارد.

دریای دیگر، کم رود (دریای مازندران) است، که در شمال قرار دارد. دریای دیگر، سیاه بُن (دریای سیاه) است در سوی روم (آسیای صغیر). دو شاخه فراخکرت، خلیج بنگال در خاور و دریای سرخ (خلیج عربی) در باختر آن است.^۲

سند دیگری که از خلیج فارس یاد شده و در حال حاضر در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود، نقشی است، که در زمان یکی از پادشاهان بابل بر لوحه‌ای سفالین ترسیم گردیده است. این لوحه، جهان آن روزگار را نشان می‌دهد. شرح پیرامون و پشت نقشه می‌رساند، که تمامی

۱. رضی، هاشم. وندیداد، جلد دوم، ص ۵۹۶

۲. بهار، مهرداد. پژوهشی در اساطیر ایران، پاره نخست و دوم، ص ۱۴۰ - ۱۴۳

دنیای شناخته شده آن دوران، از بابل و آشور و پیرامون آن‌ها نمی‌گذرد. این سرزمین‌ها به شکل دو مربع مستطیل در درون دایره‌ای ترسیم شده‌اند و رود فرات نیز از بالا به پایین جریان دارد و توسط خلیج فارس فراگرفته شده‌اند. دیرینگی این سند به ۶ هزار سال پیش تخمین زده شده است و در آن، علاوه بر بابل و آشور، کوه‌های آذربایجان و کردستان در شمال، و اهواز در جنوب قرار دارد. در آب‌های پیرامون این نواحی، جزیره‌هایی به شکل مثلث ترسیم گردیده و فله‌هایی بر آن‌ها نوشته شده‌اند.^۱

از خلیج فارس در یکی از کتیبه‌های آشوری نیز یاد شده و در آن خلیج فارس به نام رود تلخ، که به آشوری «نارم‌تو»^۲ می‌باشد، نامیده شده است.^۳

اناکسیماندر ملطی (۶۱۰-۵۴۶ پ.م) در نقشه جهان خود از خلیج فارس نام برده است. این اثر در کتاب *kleinere schriften* اثر «ی. لول»، لایپزیگ، ۱۸۳۶ م، لوحه ۱ منتشر شده است. هکاتئوس ملطی (۵۴۹-۴۷۳ پ.م) از سرشناس‌ترین جغرافیادانان روزگار خود، نقشه‌ای از جهان ترسیم کرده است، که در آن، آب‌های اقیانوس، پیرامون خشکی‌ها را فرا گرفته‌اند، در این نقشه، خلیج فارس و خلیج عربی (دریای سرخ) دیده می‌شوند.

بر پایه نوشته نویسندگان یونانی، چون کتزیاس (۴۴۵-۳۸۰ پ.م)، گزنفون (۴۳۰-۳۵۲ پ.م)، استرابون (۶۳ پ.م - ۲۴ م)، یونانیان به این دریا نام «پرس» و به سرزمین ایران «پارسه»، «پرسای» و «پرس پولیس» یعنی شهر یا کشور پارسیان داده‌اند.^۴

۱. وزارت امور خارجه. نقشه‌های جغرافیایی و اسناد تاریخی خلیج فارس، ص ت.

2. narmarratu

۳. رایین، اسمطیل. دریانوردی ایرانیان، جلد اول، ص ۵۴-۵۵

۴. شاملو، محسن. خلیج فارس، ص ۱۰-۱۱

نام خلیج فارس پیش از اسلام / ۷۱

روی نقشه جهان بابلی ها که حدود ۶ هزار سال پیش تهیه شده است

پشت نقشهٔ جهان بابلی ها که حدود ۶ هزار سال پیش تهیه شده است

بنابراین می‌توان گفت از همان زمان جایگزینی پارس‌ها در جنوب ایران، آب‌های جنوب کشور، که میدان تجارت و در هنگام ناچاری میدان نبردها بوده، نام دریای پارس و خلیج فارس داشته است.

در سنگ نبشته داریوش بگو هخامنشی تل‌المسخته مصر، از ۵۱۸ تا ۵۱۵ پ.م، در عبارت «درایه تیه هچا پارسا آی تی»^۱ یعنی دریایی که از پارس می‌رود یا سر می‌گیرد، نام دریای پارس، آمده است.^۲

از دوره چیرگی هخامنشیان بر مصر آثار بسیاری چون سنگ نبشته، لوح، مجسمه ظرف‌های گلی و سفالی، مهر و نوشته‌های روی پاپیروس به خط مصری و هیروگلیف و میخی^۳ به جای مانده است. شماری از این سنگ نبشته‌ها فرمان داریوش بگو در مورد کندن کانال نیل^۴ است.

در مورد پیشینه کندن کانالی، که دریای سرخ را به رود نیل می‌پیوندد، نگارندگان پیشین، نخستین گام را به ستی اول (۱۳۱۸ - ۱۲۹۴ پ.م) فعون مصر نسبت داده‌اند، که پس از وی رامسس دوم (۱۲۹۴ - ۱۲۳۲ پ.م) و سپس نخاوی دوم (۶۰۹ - ۵۹۴ پ.م) آن را تجدید نموده‌اند.^۵ پس از این تاریخ، یعنی در حدود ۱۰۰ سال بعد است، که داریوش بگو (۵۲۱ - ۴۸۶ پ.م) اقدام به تجدید کانال یاد شده کرد و هرودوت نیز در کتاب خود به آن اشاره نموده است.

1. draya tya haça parsa aity

۲. شارب، زلف نارمن. فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی، ص ۱۰۵

۳. میخی پارسی، میخی عیلامی و میخی بابلی

۴. مسیر کانالی که توسط داریوش بگو کنده شده با مسیر کانالی که توسط کنت دولسپس cont de lesseps کنده شد (۱۸۶۹ م) و در حال حاضر به نام کانال سوئز سرشناس و مورد استفاده است، نبایستی یکی دانست، زیرا با آن که بخشی از این دو کانال بر یکدیگر منطبق است، در بخش دیگر به کلی متفاوت‌اند، بدین معنی که چون از کرانه دریای سرخ رو به شمال حرکت کنیم مسیر دو کانال تا دریاچه تمساح یکی است، ولی از دریاچه تمساح به بعد مسیر کانال داریوش به سوی باختر پیچیده و طول شعبه‌یی از رودخانه نیل تا شهر بوباستی کشیده می‌شود و کمی بالاتر از بوباستی به شعبه طلی نیل می‌پیوندد و مسیر توه لسپس، از دریاچه تمساح به بعد رو به شمال تا پرت سعید در کرانه مدیترانه کشیده می‌شود.

۵. سامی، علی. تمدن هخامنشی، جلد اول، ص ۱۸۱

داریوش پس از پایان کار کانال، دستور داد ۵ کتیبه که متن‌های آن‌ها با یکدیگر تفاوت‌هایی داشته است، در ۴ محل در درازنای مسیر کانال برپا کردند و بر روی آن‌ها به خط مصری، پارسی، عیلامی و بابلی مطالبی دربارهٔ کندن کانال نوشته‌اند.

سنگ نبشته‌های کانال نیل^۱ به ترتیب عبارتند از:

۱ و ۲) سنگ نبشته‌های تل المسخوته (دو سنگ نبشته).

۳) سنگ نبشتهٔ سراپه‌اوم.^۲

۴) سنگ نبشتهٔ قبره یا شالوف.

۵) سنگ نبشتهٔ سوئز.

مضمون این کتیبه‌ها با اختلافاتی تقریباً شبیه هم هستند و در آن‌ها از فرمان داریوش بگو برای کندن کانال و روانه نمودن کشتی‌ها، حکایت شده است.

گفتار سنگ نبشته‌های هیروگلیفی کانال نیل تقریباً یکسان بوده است، جز اینکه در برخی موارد اختلاف‌هایی جزئی در آن‌ها دیده می‌شود و افتادگی‌هایی در بعضی از متن‌ها وجود دارد، که رشتهٔ گفتارها را گسیخته نموده است و چنان چه خواسته شود متنی کامل‌تر در دست باشد، بایستی بخش نخست سنگ نبشتهٔ تل المسخوته و بخش آخر کتیبهٔ شالوف را ترکیب نمایند.

1. serapēum

۲. در جهت مسیر کانال به سوی دریای سرخ

سنگ نبشته داریوش بزرگ هخامنشی در تل المسخوتة مصر
(۵۱۸ - ۵۱۵ پ.م) که در آن از دریای پارس نام برده شده است.

ترکیب نقاشی سنگ نبشته شالوف با قطعات
به دست آمده (از کتاب پوزنر)

ترسیم قطعه سنگ نبشته سوئز
که به دست آمده است (از کتاب پوزنر)

کتابخانه دارپوش بزرگ هخامنشی درباره‌کنندن کانالی بین رود نیل و دریای سرخ، از کتاب فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی

کتیبه داریوش بزرگ هخامنشی کنار کانالی که به فرمان او در مصر کنده شده است. (از کتاب فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی)

اما در باره متن‌های میخی سنگ نبشته‌های کانال نیل، که آن‌ها نیز تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته‌اند، بایستی گفت مضمون این کتیبه‌ها به تفصیل جزئیات متن‌های هیروگلیفی نیست، بلکه چون بر روی یک سطح کتیبه، به سه زبان و خط (پارسی، عیلامی، بابلی) نوشته‌اند، ناچار نوشتارها به اختصار برگزار شده و متن کامل پارسی آن‌ها در کتاب فرمان‌های شاهنشاهی هخامنشی نوشته زلف نارمن شارپ، آمده است.^۱

هرودوت، دریای سرخ را به نام خلیج عرب معرفی کرده که امکان همانندی آن با خلیج فارس وجود ندارد. وی اقیانوسی را که در جنوب باختری آسیا افتاده است، «اری تروس»^۲ یا «اری تره»^۳ یعنی دریای سرخ خوانده و این نام‌گذاری به مناسبت سرخی رنگ خاکِ کرانه‌های آن است.

از آن جای که هرودوت خلیج فارس را درست نمی‌شناخته، از آن نامی نبرده و به همان نام «اری تره» که شامل اقیانوس هند، دریای مکران (دریای عمان) و خلیج فارس است، بسنده کرده است.^۴

تاریخ نگارانی چون «شوف» و «آگاتارشید» بر این باور بودند که دریای اری تره یا دریای پارس، در روزگار امپراتوری ماد، از نام «ارتیتراس»^۵ یا «اریتره» سردار پارسی، که بر تمامی خلیج فارس و دریای مکران داشت، گرفته شده است، زیرا وی همه جزایر فراموش شده و غیر قابل زندگی خلیج فارس را آباد کرد و با جمعیتی بسیار مسکون ساخت، و به خاطر این کوشش‌هایش، این دریا را از آن زمان، به نام او «اریتره» خوانده‌اند.^۶

گزنون (۴۳۰ - ۳۵۲ پ.م)، تاریخ نگار یونانی در آثار خود، از آب‌های جنوب ایران به نام

۱. قائم مقامی، جهانگیر. سنگ نبشته‌های هخامنشی در توه نیل، مجله بررسی‌های تاریخی، سال ۶، شماره مخصوص، مهر ۱۳۵۰، ص ۳۶۳-۳۷۶

2. erythros

3. erithree

۴. مشکور، محمدجواد. نام خلیج فارس در طول تاریخ، ص ۷

۵. از توانمندان و زاده پارس و فرزند میوزانوس (میوزه) بوده است.

۶. رایین، همان کتاب، ص ۲۳۳

خلیج فارس یا خلیج پارسیان یاد کرده است.

نثارخوس، دریاسالار مقدونی که در سال ۳۲۶ پ.م، به دستور اسکندر مقدونی، دریای پارس را پیمود و تا دهانه رود سند پیش رفت، در سفرنامه خود می‌نگارد:

«اسکندر خیال داشت کشتی‌های زیاد ترتیب داده و خود از دهنه سند تا

دریای هند و پارس سیر نماید...»

درجای دیگر نوشته است:

«پس از دوپست استاد^۱ راه به ریگک و از آن جا به دیلم و دهنه رودخانه

اندیان آمدم، رودخانه اندیان سرحد خوزستان و فارس و پس از سند

بزرگترین رودخانه است، هیچ یک از سواحلی که پیمودم مانند دریای

پارس آباد و معمور نبود.»^۲

دیسئارکوس (۳۲۵-۲۸۵ پ.م) در نقشه جهان نمای خود، خلیج فارس و خلیج عربی

(دریای سرخ) را به روشنی نشان داده است.

اراتوستن سیرنایی (حدود ۲۷۶ - ۱۹۴ پ.م) جغرافیانگار بگو، که زمانی ریاست

کتابخانه اسکندریه را بعهده داشت، نظریه‌های مهمی در باره شکل و جایگاه زمین ارائه کرده

است و در همه آثار او به روشنی از نام‌های خلیج فارس و خلیج عرب یا دریای سرخ، یاد شده

است.

هیپارکوس، دانشمند و جغرافیانگار سده ۲ پ.م، که در رودس، دومین کانون علمی

جهان باستان، می‌زیست و یکی از درخشان‌ترین نقشه‌نگاران زمان خود بود، در آثار و نقشه

جهان وی، هم خلیج فارس و خلیج عربی (دریای سرخ) آشکارا مشخص شده‌اند.^۳

۱. استاد، واحد اندازه‌گیری طول یونان باستان و برابر ۱۶۴/۵ متر است.

۲. شاملو، همان کتاب، ص ۱۴ - ۱۵

۳. وزارت امور خارجه، همان کتاب، ص ۳

دریای اریتراس یا اریتره یا اریثریه در نقشه جهان هرودوت، نیمه سده ۵ پ.م، از کتاب جغرافیای هرودوت تألیف جیمز بنیل

فلاویوس آریانوس، تاریخ نگار یونانی، که در سده ۲ پ.م، می زیست، در کتاب آنابازیس یا تاریخ سفرهای جنگی اسکندر، نام «پرسیکون کای تاس»^۱ را که ترجمه درست خلیج فارس است، بر این دریا نهاده است.^۲

پوزیدونیوس (۱۳۵ - ۱۵ پ.م)، فیلسوف و جغرافیاینگار سوری الهل، در کتاب اوسئانوس خود، آگاهی های بسیاری درباره سرزمین ها و دریاهای گوناگون ارائه نموده و از خلیج فارس به روشنی یاد کرده است.

کراتس مالوسی، دانشمند سده ۲ پ.م، که معتقد به کروی بودن زمین بود، در آثار خویش، جهان را تقسیم شده به چهار بخش توسط یک اقیانوس استوایی و یک اقیانوس نصف النهاری نشان داده، به طوری که در بخش شمال خاوری نقشه، مناطقی از آسیا و اروپا، و نیز خلیج فارس و دریای سرخ، به روشنی منعکس شده اند.

استرابون (۶۴/۶۳ پ.م. پس از ۲۳ م) در جوانی تحصیلات خود را در مدارس روم و اسکندریه به انجام رساند، و سپس به سفرهای دور و دراز پرداخت. علاوه بر تاریخی در ۴۳ جلد، درباره رخدادهای بین سقوط قراطجنه تا گو جولویوس سزار، وی اثری در ۶۷ جلد درباره جغرافیای جهان روزگار خود، تألیف کرد و در کتاب «از ایندی تا ایبری» یا از هند تا اسپانیا، دریای جنوب ایران را خلیج فارس نامیده و محل زندگی عرب ها را منطقه ای بین خلیج عرب، که همان بحر احمر یا دریای سرخ است و خلیج فارس نوشته است.

استرابون نقشه جهان نمایی نیز ترسیم نموده، که خشکی های آن به صورت جزیره پهنوری محصور در میان اقیانوسی بی پایان، که دریای مازندران و خلیج فارس از آن جدا گردیده اند، نشان داده شده اند.^۳

دانشمندان دیگری چون پلیبیوس، آرتستین برس نیز در آثار خود، هرچاکه به مناسبتی از ایران نام می برند، خلیج فارس را به نام دریای پارس خوانده اند.

1. persikon kaitas

۲. رایین، همان کتاب، ص ۵۵

۳. وزارت امور خارجه، همان کتاب، ص ۳

بنابراین تاریخ نگاران و دانشمندان یونانی، رومی، و... پیش از میلاد، در شرح سرگذشت‌ها، خلیج فارس را به همین نام می‌خواندند.

پس از میلاد مسیح هم تاریخ و جغرافیانگاران یونانی، رومی، یهودی و مصری با توجه به نوشته‌های به جای مانده از نویسندگان پیش از میلاد، در آثار خود، از دریای جنوب ایران، به نام دریای پارس یا خلیج پارس نام برده‌اند.^۱

پومپونیوس ملا (فعال در ۴۳ م) که نویسنده رومی رساله جغرافیای کهنی به زبان لاتین کلاسیک است، در همه آثار و بازسازی نقشه‌هایش خلیج فارس به روشنی در جای خود به چشم می‌خورد.

کلودیوس پتوله یا بطلمیوس، منجم. جغرافیانگار سرشناس حوزه علمی اسکندریه در سده ۲ م، نخستین کسی است، که اطلسی از دنیای پیشین در برگیرنده ۳۶ نقشه از مناطق گوناگون جهان همراه با یک نقشه جهان تألیف کرده است.

در این اطلس، نقشه‌های ایران، بین‌النهرین و شبه جزیره عربستان دیده می‌شود و بدون هیچ‌گونه ابهامی آب‌های جنوب ایران را «پرسیکوس سینوس» نامیده، که درست، به معنی خلیج فارس است. این طلاح بعدها به «سینوس پرسیکوس» تغییر یافته و زبان زد شده است. بعلاوه در آثار جغرافیایی لاتین، خلیج فارس را «ماره پرسیکوم» یعنی دریای پارس نوشته‌اند. کوین توس کورسیوس روفوس، تاریخ نگار رومی، خلیج فارس را «اکوارم پرسیکو» نامیده، که به معنی آبگیر پارس است.

۱. افشار (سیستانی)، ایرج. نام دریای پارس و دریای مازندران و بندرها و جزیره‌های ایرانی، ص ۳۴

سینوس پرسیکوس یا خلیج فارس، نیبور ۱۷۶۵ م.

ازب اوسویوس^۱ (۲۶۳ - ۳۴۰م) که به نام پدر عیسویت خوانده می‌شود، با توجه به کوروش نامه گزنفون، به تاریخ دوران‌های گذشته ایران، اشاره کرده و خلیج فارس را دریای پارس نامیده است.

اگاتانژ (۲۲۶ - ۳۳۰م) در تاریخی که به زبان ارمنی نگاشته است، دریای جنوبی ایران را دریای پارس خوانده است.^۲

ترجمه واژه سینوس پرسیکوس، اندک اندک از زبان لاتینی در همه زبان‌های زنده دنیا راه یافته و همه کشورها و تمامی تاریخ و جغرافیانگاران بگو جهان، خلیج فارس را بدین نام می‌شناسند، بدین شرح:^۳

Parsitstsots	ارمنی
Persian Gulf	انگلیسی
Persidski Zaliv	روسی
Golfo Parsico	اسپانیایی
Golfeul Persic	رومانی
persisk Golf	دانمارکی
Perski Zaliv	چک
Porsiski Zaliv	یوگسلاوی
Golfe Persique	فرانسه
Persischer Golf	آلمانی
Golfo Persico	ایتالیایی
Perzische Golf	هلندی
Baher Fars	هندی

1. Eusebe Evsevius

۲. افشار (سیستانی)، همان کتاب، ص ۳۴

۳. رائین، همان کتاب، ص ۵۹

Persiste Habbugt	نروژی
Persiska Vikem	سوئدی
Perza Obol	مجاری
Porucha Wan	ژاپنی
Alkhalij al- alfarsi	عربی
Persikon Kaitas	لاتین

خلیج فارس در نقشهٔ جهان بطلمیوس (۹۰ - ۱۶۸ میلادی)

فصل دوم

نام خلیج فارس پس از اسلام

۱- دوره اسلامی

در آثار تاریخی و جغرافیایی دوران اسلامی، هر جا به مناسبتی نامی از این دریا به میان آمده، الخلیج الفارسی، بحر الفارسی، خلیج فارس و دریای فارس، نوشته شده است. نخستین تاریخ نگار اسلامی، که از دریای فارس نام برده است، ابوالقاسم عبیدالله ابن عبدالله ابن احمد ابن خرداد به (در گذشته ۳۰۰ ه. ق)^۱ است. وی در کتاب المسالک و الممالک (۲۵۰ ه. ق)، نوشته است:

«دریای فارس، که دریای بزرگی است، به هنگام طلوع ماه (شب‌های مهتابی) [دارای] جزر و مدّ نمی‌باشد، مگر دوبار در سال»^۲
قدامة بن جعفر، نویسنده کتاب الخراج (۲۶۶ ه. ق)، آب‌های جنوب ایران را «دریای فارس» نامیده و نوشته است:

«رود دجله از میان شهر بغداد عبور می‌کند، سپس از واسط می‌گذرد و به بطایح سرازیر می‌شود... پس از خروج از بطایح، به دو شعبه تقسیم می‌شود، یک شعبه آن به بصره می‌گذرد و شعبه دیگر از ناحیه مذار عبور می‌کند. سپس هر دو جمع شده به دریای فارس می‌ریزد»^۳

احمد بن ابی یعقوب / ابن واضح یعقوبی، از تاریخ نگاران دوره عباسی دوم (۲۳۲ - ۳۳۴ ه. ق)، که آثار گران بهایی از خود به جای نهاده است، در کتاب تاریخ یعقوبی (۲۷۸ ه. ق) از

۱. بعضی از نویسندگان، تولدش را ۲۰۵ ه. ق، و مرگش را ۲۷۲ و ۳۰۰ ه. ق، دانسته‌اند.

۲. ابن خرداد به. المسالک و الممالک، ص ۵۳

۳. قدامة بن جعفر. کتاب الخراج، ص ۱۱۸

دریای فارس نیز یاد کرده، می‌نگارد:

«اول دریای فارس است، که بایستی از سیراف در کشتی نشست و آخرش رأس جُمُحْمَه (در میان عمان و عدن) است، این دریا کم وسعت است و جاهایی برای شکار صدف دارد.»^۱

ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق، سرشناس به ابن فقیه، در کتاب ترجمه مختصر البلدان (۲۹۰ ه.ق) ضمن این که از دریای پارس یاد کرده، می‌نویسد:

«و اعلم أن بحر فارس و الهند هما بحر و احد لا اتصال احد هما بالآخره.»
یعنی: بدان که دریای پارس و هند از برای پیوستگی به یکدیگر هر دو یک دریا هستند.^۲
ابن فقیه منظور از دو دریایی را، که در آیه‌های شریفه ۱۹ و ۲۰، سوره مبارکه الرحمن قرآن مجید نوشته شده است، دریای فارس و دریای روم، معرفی می‌کند:

«قال الله عز وجل مرج البحرين يلتقيان، يروى عن الحسن قال بحر فارس و الروم.»

یعنی: خداوند بگو و عزیز می‌فرماید دو دریا روان کرده است تا به هم برسند، از حسن روایت می‌شود، که گفته است مقصود دریای فارس و روم است.
و این نظرها بعدها توسط شهاب‌الدین احمد بن عبدالوهاب النویری نیز مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است:

«يستفرع من البحر المحيط خليجان: احد هما من جهة المغرب و يسمى الرومى و الاخر من جهة المشرق و يسمى البحر الصينى و الهندى و الفارسى و اليمنى و الحبشى به حسب ما يمر عليه من البلاد.
و هما المراد ان به قوله تعالى مرج البحرين يلتقيان بينهما برزخ لا يبغيان.»

۱. احمد بن ابن يعقوب. تاريخ يعقوبى، جلد اول، ص ۲۲۴

۲. مشكور، محمد جواد. نام خلیج فارس در طول تاریخ، ص ۹

نقشه خلیج فارس از کتاب مسالک و ممالک استخری، ۳۴۰ ه. ق

یعنی: از دریای کناری (اقیانوس) دو خلیج شاخه شاخه گردد یکی در سوی باختر که دریای روم نام دارد و دیگر در سوی خاور به دریای چین، هندی، فارسی، یمنی و حبشی وارد می‌شود. و از این دو، مراد گفتار خداوند بگو است که: دو دریا را روانه کرد تا به هم نزدیکی یابند (برسند) و میانشان حایلی^۱ است تا به یکدیگر زیادتی نکنند.^۲ به توجیه و تفسیر الهی قمشه‌ای: مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ [اوست که دو دریای (آب شور و گوارا) را به هم در آمیخت]، بینهما برزخ لایبغیان [و میان آن دو دریا (ای رسول) برزخ و فلاله‌ای است، که به حدود یکدیگر تجاوز نمی‌کنند]

ابوهلی احمد بن عمر بن رُستة طفهانی، سرشناس به ابن رُسته، در کتاب *الاهلاق النفیسة* (۲۹۰ ه. ق) خود، از خلیج فارس و خلیج عربی (دریای احمر) یاد کرده، می‌نویسد: «دریای هند، در سرزمین حبش دارای خلیجی است که از ناحیه بربر می‌گذرد و به همین جهت به خلیج بربری معروف است... و خلیج دیگری در جانب ایله از آن جدا می‌شود که به نام دریای احمر است و باز از این دریا خلیج دیگری به طرف ناحیه فارس جدا می‌شود که به خلیج فارس مرسوم است.»^۳

سهراب جغرافیانگار ایرانی، که در سده ۳ ه. ق، می‌زیست، در کتاب *عجائب الاقالیم السبعة الی نهایة العمارة*، می‌نویسد:

«بحر فارس وهو البحر الجنوبي الكبير»

یعنی: دریای فارس همان دریای بگو جنوب است.^۴

ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، نویسنده کتاب *مروج الذهب و معادن الجواهر*، جلد اول (۳۳۲ ه. ق)، از آب‌های جنوب ایران به نام خلیج فارس و دریای فارس یاد کرده می‌نویسد:

۱. گویا منظور از این حائل شبه جزیره سینا است، که دو دریای مدیترانه و بحر احمر (دریای سرخ / خلیج عربی) را از یکدیگر جدا می‌سازد، چنان که بحر احمر از نظر دانشمندان پیشین، بخشی از دریای پارس به شمار می‌رفت.

۲. مجتهد زاده، پیروز. جغرافیای تاریخی خلیج فارس، ص ۲۱

۳. ابن رسته. *الاهلاق النفیسة*، ص ۹۵

۴. مجتهد زاده، همان کتاب، ص ۲۲

«از دریای زنگ خلیج دیگری منشعب می‌شود که دریای فارس است و به دیار اُبله و خشبات و عبادان می‌رسد و غن آن در وسط پانصد میل است»^۱

در جای دیگر می‌نگارد:

«در این دریا جزایر بسیار هست چون جزیره خُگلو... این دریا همان خلیج فارس است و به نام دریای فارس معروف است، که سواحل آن را بحرین و فارس و کرمان و عمان تا رأس الجُمحُمه برشمردیم. میان خلیج فارس و خلیج قُزُم (خلیج عربی / دریای سرخ) اُبله و حجاز و یمن فاصله است و فاصله دو خلیج (خلیج فارس و خلیج عربی) یک هزار و پانصد میل است...»^۲

ابواسحاق ابراهیم بن محمد استخری، در کتاب مسالک و ممالک (۳۴۰ ه. ق) از خلیج فارس به نام دریای پارس یاد کرده، می‌گوید:

«و در خوزستان دریا نیست، مگر اندک مایه از دریای پارس، که از ماهی رویان (مهروبان) تا نزدیک سلیمانان برابر عبادان (آبادان) باشد.»^۳
ناخدا بگو شهریار رامهرمزی، در کتاب عجایب هند (۳۴۲ ه. ق) از دریای جنوب ایران به نام دریای فارس یاد کرده، می‌نویسد:

«دیگر از عجایب دریای فارس این است که گاهی در شب هنگامی که امواج دریا مضطرب شده و به هم بر می‌خورند و از تصادم با هم متلاشی می‌گردند، هم چون شعله‌های آتش به نظر می‌آیند به قسمی که مسافری دریا گمان می‌کند در دریای آتش سیر می‌نمایند.»^۴

۱. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. مروج الذهب و معادن الجواهر، جلد اول، ص ۱۰۷

۲. همان کتاب، ص ۱۰۸

۳. استخری، ابواسحاق ابراهیم. مسالک و ممالک، ص ۹۰

۴. رامهرمزی، ناخدا بگو شهریار. عجایب هند، ص ۳۲

ابن مطهر مقدسی در کتاب البدء و التاریخ خود، (حدود ۳۵۵ ه. ق) ضمن شرح حوضه آبریز دجله، می‌گوید:

«... دجله از اُبله به آبادان بگذرد و در خلیج پارسی ریزد...»^۱

ابوریحان بیرونی خوارزمی (درگذشته ۴۴۰ ه. ق) و معمر با ابن حوقل در کتاب التفهیم لاولئ صنة التنجیم و کتاب قانون مسعودی از این دریا به نام دریای فارس و خلیج فارس یاد کرده^۲ و در کتاب تهدیدنهايات الاماکن لتصحیح مسافات المساکن خود نوشته است دریای فارس در جنوب شیراز قرار دارد.^۳

ابوالقاسم محمد بن حوقل بغدادی فصلی از کتاب گران سنگ صورت‌الارض را، که در سال ۳۶۷ ه. ق، به پایان رسانید به دریای فارس اختصاص داده و ضمن شرح مفصلی حدود این دریای بگو بین قاره‌ای را بهتر از دیگر جغرافیانگاران مشخص نموده می‌گوید:

«دریای فارس - پس از ذکر دیار عرب ناحیه‌ای که شرح آن لازم است، دریای فارس است، که بیش‌تر حدود آن دیار را دربر می‌گیرد و دیار عرب و نیز بلاد اسلام به وسیله آن به یکدیگر متصل می‌شوند. آن‌گاه به بیان نواحی که این دریا شامل آن‌هاست می‌پردازیم و از قُلزُم و کناره آن از سوی مشرق آغاز می‌کنیم. قُلزُم به ایله منتهی می‌شود، سپس حدود دیار عرب را دور می‌زند و از آن جا به عبادان / آبادان و پس از قطع عرضی دجله به مهر و بان و سپس به جنابه می‌رسد. آن‌گاه از کناره‌های فارس به سوی سیراف می‌گذرد و به سواحل هرموز از پشت کرمان امتداد می‌یابد و به ذیبل و سواحل مثلثان که ساحل سند است می‌رسد و در این جامرز بلاد اسلام پایان می‌یابد. آن‌گاه از سواحل هند گذشته، سواحل تبّت را قطع می‌کند و به سرزمین چین می‌رسد.»^۴

۱. رایین، همان کتاب، ص ۵۶

۲. مشکور، همان کتاب، ص ۱۲ - ۱۳

۳. بیرونی خوارزمی، ابوریحان محمد بن احمد، تهدیدنهايات الاماکن لتصحیح مسافات المساکن، ص ۳۳

۴. ابن حوقل. صورة الارض، ص ۱

نقشهٔ ابن حوقل بغدادی، که دریای بزرگ فارس را از اقیانوس
واقع در جنوب تا خاور دنیا گرفته تا رود نیل نشان می‌دهد.

در جای دیگر، ضمن شرح سرزمین فارس، می‌گوید:

«اما دریاهاى آن بزرگترین دریاها همان دریای فارس است، که به نام آن سرزمین معروف است.»^۱

پس از ابن حوقل، حدود دریای فارس در برخی آثار جغرافیایی، اندک اندک در جهت تطبیق با حدود امروزی خلیج فارس تغییر یافته و دریای هند، که از شاخه‌های دریای پارس به شمار می‌رفت، به جای آن دریا شناخته می‌شود و البحر الهندی نام گرفته و دریای پارس تا اندازه خلیج فارس کنونی محدود می‌شود.

در کتاب حدود العالم من المشرق الی المغرب، که کهن‌ترین کتاب جغرافیا به زبان فارسی می‌باشد و در سال ۳۷۲ ه. ق، نوشته شده، نام این دریا، خلیج فارس آمده است:

«دریای بگئو که آن را بحر الاعظم خوانند... و این دریا را پنج خلیج است... یکی از آن‌ها را خلیج پارس خوانند از حد پارس برگیرد با پهنای اندک تا به حدود سند...»^۲

ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی، نویسنده کتاب احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم (۳۷۵ ه. ق)، از دریای جنوب ایران به نام خلیج فارس و بحر فارس یاد کرده است:

«اگر گفته شود، که مقصود خدا دو آب شور و شیرین است که آمیخته نمی‌شوند! چنان که خود گوید: اوست که دو دریا را درهم ریخت، پاسخ گویم: لؤلؤ و مرجان از آب شیرین بر نیابند، و خدا می‌گوید: از آن دو... و دانشمندان را خلافی در این نیست که لؤلؤ از دریای چینی (خلیج فارس) و مرجان از رومی (مدیترانه) بر آید، پس می‌فهمیم که مقصود این دو دریا بوده است»^۳

در جای دیگر، می‌گوید:

۱. همان کتاب، ص ۳۵
۲. حدود العالم من المشرق الی المغرب، ص ۱۱-۱۲
۳. مقدسی، ابوبدالله محمد بن احمد. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، بخش اول، ص ۲۳-۲۴

«باید گفت دریاها هشت تا هستند و می‌گوییم دریا، دریای حجاز است و هفت دریای دیگر دریا‌های قلم، یمن، عمان، مکران، کرمان، فارس، هجر می‌باشند و هشت دریای قرآن همین است.

اگر گفته شود چرا دریا‌های عجم را در شمار این هفت نهادی؟ در صورتی که توگفتی خدا با عرب‌ها به اندازه آگاهی‌شان گفتگو کرده است پاسخ از دو راه است: نخست آن که عربان به ایران سفر می‌کرده‌اند و آگاهی داشتند، چنان که عمر می‌گفت من دادگری را از کسرا و سیرت او فرا گرفتم. دیگر آن که، کسی که بخواهد تا هجر و آبادان سفر کند ناچار از دریای فارس و کرمان و تیز مکران می‌گذرد. نبینی که بیش‌تر مردم این دریا را تا مرزهای یمن، دریای فارس می‌نامند؟ و بیش‌تر کشتی‌سازان و دریانوردان فارسی هستند. این دریا از عمان تا آبادان کم پهنا است و مسافر راه خود گم نمی‌کند.»^۱

۲- غزنویان، سلجوقیان و اتابکان لرستان

ابن بلخی در کتاب فارس نامه، که آن را بین ۵۰۰ - ۵۱۰ ه.ق، به فارسی تألیف کرده،

می‌نویسد:

«بحر پارس - این دریای پارس، طیلسانی است، از دریای بگو که آن را بحراخضر خوانند و نیز بحر محیط گویند، و بلاد چین و سند و هند و عمان و عدن و زنجبار و بصره و دیگر اعمال بر ساحل این دریاست و هر طیلسانی که از این دریا، در زمین ولایتی آمده است، آن را بدان ولایت باز خوانند، چون دریای پارس و دریای عمان و مانند این و از این جهت این طیلسان را دریای پارس می‌گویند.»^۲

۱. همان کتاب، ص ۲۶

۲. ابن بلخی. فارس نامه این بلخی، ص ۳۶۵

دریای فارس در نقشه سرزمین‌های اسلامی از کتاب اسلام و تمدن آن، سرژوئین فرانسوی، از نقشه ابوعبدالله مقدسی
ترسیم شده است، پاریس ۱۹۶۸ م.

شرف الزمان طاهر مروزی در تبایع الحیوان (حدود ۵۱۴ ه. ق) آب‌های جنوب ایران را «الخلیج الفارسی» نگاشته است.

ابو عبدالله محمد بن محمد بن عبدالله بن ادريس، سرشناس به الشریف الادریسی، از عرب‌های جزیره سیسیل، در کتاب نزہة المشتاق فی اختراق الافاق (۵۴۸ ه. ق) می‌نویسد:

«و یتشعب من هذا البحر الصینی الاخضر و هو بحر فارس و الابله و ممره من الجنوب الی الشمال مغربا قليلا فیمر به غربی بلاد السند و مکران و کرمان و فارس الی ان یتتهی الی الابله حیث عبادان و هناک یتتهی آخره»
یعنی: از این دریای چین، خلیج سبز که دریای پارس و ابله است منشعب می‌گردد گذرگاه آن از جنوب تا اندکی به شمال غربی است، چنان که از مغرب بلاد سند و مکران و کرمان و پارس بگذرد تا به ابله جایی که آبادان است منتهی گردد و آن جا پایان این دریاست.^۱

محمد بن نجیب بکران خراسانی، نویسنده کتاب جهان نامه (۶۰۵ ه. ق)، از خلیج فارس به نام بحر پارس یاد کرده، می‌نویسد:

«بحر مکران متصل است به بحر سند و مانند اوست. بحر کرمان پیوسته است به بحر مکران، و جزیره کیش که مروارید از آن جامی آورند، در این دریاست و چون از بحر کرمان بگذری بحر پارس باشد و طول این دریا از حدود عمان تا نزدیک سراندیب بکشد، و بر جانب جنوب او جمله زنگبار است... و این بحر و بحر عمان هر دو یکی است به سبب آن که ولایت پارس بر جانب شمال اوست...»^۲

شهاب الدین ابوبدالله یاقوت بن عبدالله حموی رومی، در دایرة المعارف جغرافیایی خود، سرشناس به «معجم البلدان» (۶۲۳ ه. ق) می‌نویسد:

«بحر فارس هو شعبة من بحر الهند الاعظم و اسمه به الفارسیة كما ذكره

۱. مشکور، همان کتاب، ص ۱۴ - ۱۵

۲. بکران، محمد بن نجیب، جهان نامه، ص ۲۰ - ۲۱

حمزه زراه کامسیر وحده من التیز من نواحی مکران علی سواحل بحر فارس الی عبادان و هو فوه دجلة التي تصب فيه و تمتد سواحلها نحو الجنوب الی قطر و عمان و الشحر و مرباط الی حضرموت الی عدن و علی سواحل بحر فارس من جهة عبادان من مشهورات المدن مهروبان قال حمزه و ههنا یسمى هذا البحر به الفارسیه زراه افرنگ قال و هو خلیج متخلج من بحر فارس متوجها، من جهة الجنوب صعد الی جهة الشمال حتی یجاوز جانب الابله»

یعنی: دریای پارس شعبه‌ای از دریای بگوهند است و چنان که حمزه‌ی طلفهانی گفته نام آن به پارسی «زراه کامسیر» است و حد آن از تیز از نواحی مکران بر کرانه پارسی تا آبادان است و آن دهانه دجله است و آن رود بدان جاریزد. کرانه‌های این دریا از جنوب تا به قطر و عمان و شحر و مرباط و حضرموت و عدن ادامه دارد. بر کرانه‌های دریای پارس از سوی آبادان از شهرهای مشهور مهروبان است. حمزه گوید که در این جا این دریا به پارسی «زراه افرنگ» نام دارد و آن خلیجی از دریای پارس است، که از جنوب به شمال بالا رود تا از کنار ابله بگذرد.^۱

۱. مشکور، همان کتاب، ص ۱۵

خلیج فارس در نقشهٔ جنوب باختری آسیا در زمان خلفای عباسی از
کتاب تاریخ عرب، دکتر فیلیپ حتی، بیروت ۱۹۶۵ م.

۳- مغول تا پهلوی

ابو عبدالله زکریابن محمد بن محمود قزوینی، در کتاب آثار البلاد و اخبار العباد، (۶۷۴ ه. ق) ضمن اشاره به سرزمین فارس، از دریای پارس نام برده، می‌گوید:

«فارس سرزمینی است بسیار مشهور که از شرق به کرمان و از غرب به خوزستان و از شمال به کویر خراسان و از جنوب به دریا که دریای پارس نامیده می‌شود محدود است»^۱

قزوینی، در کتاب عجایب المخلوقات و قرائب الموجودات، دریای پارس و دریای قُلْزُم را در دو خلیج بگو نوشته، که از دریای هند بیرون آیند:

«آن‌گه بحر هند آن‌گه خلیجی عظیم از او بیرون آید که یکی بحر فارس و یکی بحر قُلْزُم (دریای احمر / دریای سرخ)»^۲

ابوالفداء الملک المؤید عمادالدین اسمطیل بن علی امیر حمایت، در کتاب تقویم البلدان (۷۲۱ ه. ق) می‌نویسد:

«... دریای پارس که از سوی شمال منشعب از دریای هند است، بین عمان و مکران است و مکران بندر آن تیز است و بر دهانه دریای پارس واقع است. سپس دریا بر ساحل عمان امتداد یافته و به شمال بگذرد تا به آبادان برسد و از آبادان به مهرویان و سپس به سی نیز امتداد یابد سپس از سوی جنوب به گناوه و ساحل دریا کرانه بلاد پارس است کشیده شود. سپس به سوی مشرق امتداد یافته به هرموز برسد و از جنوب و مشرق به کرمان پیوندد.»^۳

شمس الدین ابوبدله بن ابی طالب الانصاری دمشقی الصوفی، در گذشته به سال ۷۲۷ ه. ق، در کتاب نخوة الدهرفی عجائب البروالبحر، نام این دریا را بارها «بحر فارس» یا

۱. قزوینی، زکریابن محمد بن محمود. آثار البلاد و اخبار العباد، ص ۴۶

۲. قزوینی، زکریابن محمد بن محمود. عجایب المخلوقات و قرائب الموجودات، ص ۹۶

۳. ابوالفداء. تقویم البلدان، ص ۳۲

«بحر الفارسی» یا «خلیج فارس» آورده است.

شهاب الدین احمد عبدالوهاب بن محمد النوبری، در گذشته به سال ۷۳۳ ه. ق، در کتاب
نهایة الارب فی فنون العرب، می نویسد:

«... اما خلیج فارس مثلث شکل است به صورت بادبان کشتی که یکی از
ضلع های آن از جانب تیز مکران و بلاد کرمان بر هرموز و بلاد پارس و
سیراف و مهر و بان بگذرد و از آن جا دریا به آبادان منتهی شود و از آبادان
برگشته به الخط که ساحل عمان است بگذرد و ضلع دیگر و بر سطح دریا
از تیز مکران تا رأس الخیمه امتداد یابد...»^۱

حمدالله بن ابی بکر مستوفی قزوینی، در گذشته ۷۴۰ ه. ق در کتاب نزهت القلوب، که آن
را به پارسی نگاشته این دریا را بحر فارس نامیده، می گوید:

«جزایری که در بحر فارس است، از حساب ملک فارس شمرده اند و
بزرگترین آن، به کثرت مردم و نعمت جزایر قیس (کیش) و بحرین است.»^۲
ابوحفص زین الدین عمر مظفر، سرشناس به ابن الوردی، در گذشته به سال ۷۴۹ ه. ق، در
کتاب خیرة العجائب و فریدة الغرائب، می نویسد:

«فصل فی بحر فارس و مافیه من الجزایر و العجایب و یسمى البحر الاخضر
و هو شعبة من بحر الهند الاعظم و هو مبارک کثیر الخیر دائم السلامه
وطی الظهر قلیل الهیجان بالنسبه الی غیره.»

یعنی: فصل در پیرامون دریای پارس و جزیره ها و شگفتی های آن، و آن دریای سبز
خوانده می شود و آن شعبه یی از دریای بگوهند است، و آن دریای پربرکت و سود آور دائماً بی
خطر و آرام است و بالنسبه به دیگر دریاها کم هیجان می باشد.

شرف الدین ابوعبدالله محمد بن عبدالله طنجی، سرشناس به ابن بطوطه، جهانگرد و

۱. راین، همان کتاب، ص ۵۷

۲. مستوفی قزوینی، حمدالله. نزهت القلوب، ص ۱۶۴

جغرافیا نگار سده ۸ ه. ق، در حله یا سفرنامه خود، کتاب تحفة النظارفی غرائب الامصار و عجائب الاسفار (۷۵۰ ه. ق)، آن جاکه به شرح مسافرت خویش در خلیج فارس پرداخته است، گوید:

«ثم ركبنا في الخليج الخارج من بحر فارس فصبحنا عبادان.»

یعنی: پس در خلیج بیرون از دریای پارس بر کشتی نشستیم و به آبادان در آمدیم.

ابی العباس احمد بن علی بن احمد القلقشندی، در گذشته ۸۲۱ ه. ق، در کتاب صحیح

الهنسی فی صنعة الانشاء، می‌گوید:

«و يتفرع من البحر الهندي بحران عظيمان مشهوران و هما (بحر فارس و

الخليج البربري) فاما بحر فارس فهو بحر ينبعث من بحر الهند الخ...»

یعنی: از دریای هند دو دریای عظیم و مشهور متفرع می‌گردد و آن دو دریای فارس و

خلیج بربری هستند. اما دریای فارس و آن دریایی است در دنباله دریای هند...

آن‌گاه اندازه‌های جغرافیایی دریای پارس را می‌نویسد، که برابر است با اندازه‌های کنونی

خلیج فارس.

مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی قسطنطنی، سرشناس به حاجی خلیفه، در گذشته

۱۰۶۷ ه. ق در کتاب جهان‌نما در جغرافیای عالم، که به ترکی نگاشته شده است، می‌گوید:

Bahre fars - buna sinus persicus dirlar fars korfuzi mand sina, sharqisi belade

fars olmaqla ona nesbat, va mare persicum daxi dilar.

یعنی: دریای پارس - به این دریا سینوس پرسیقوس می‌گویند به معنی خلیج فارس. به

مناسبت این‌که در خاور آن فارس واقع است بدان نسبت داده می‌شود. و آن را ماره پرسیقوم

(دریای پارس) نیز می‌گویند.^۱

دریای پارس در نقشه جهان ابوریحان بیرونی ۱۰۳۰م از کتاب ماجراهای اکتشاف آسیا، لندن ۱۹۴۸ م.

در فرهنگ بستانی، اثر سده ۱۲ ه. ق، از خلیج فارس و هم خلیج عربی یادگردیده و به این نکته اشاره شده، که منظور از خلیج العجمی «خلیج فارس» و خلیج العربی، دریای سرخ است.^۱ تاریخ نگاران دوران قاجاریه، از جمله محمد ابراهیم کازرونی در تاریخ بنادر و جزایر فارس، رضاقلی خان هدایت در روضة الصفاى ظری و لسان الملک سپهر در ناسخ التواریخ و دیگران، در تدوین و شرح رویدادهای مهم کشور، در هر جا که به مناسبتی اشاره‌ای به دریای جنوب ایران شده، آن را خلیج فارس نامیده‌اند.

محمد ابراهیم کازرونی، در تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس، که در زمان محمدشاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۶۴ ه. ق) آن را نوشته است، خلیج فارس را یکی از شاخه‌های دریای پارس دانسته، می‌نویسد:

«رودخانه‌های کوچک که در کنار هم ریخته می‌شود و انهار و شطوط بگو گشته در ارونده می‌ریزد و از آن جا در خلیج دریای پارس، که خلیجی است از بحر محیط می‌ریزد.»^۲

رضاقلی خان هدایت تبرستانی، در روضة الصفاى ظری (۱۲۷۴ ه. ق) از دریای جنوب ایران به نام بحر فارس یاد کرده، می‌نویسد:

«بحر فارس را شانزده جزیره متعلق به فارس است: بحرین، دال، بلو، گکو، استوار (شیتوار / اشتوار)، هندراوی، لارک، تانجو، قیس / کیش، ملکان، قشم، هنگام، فلور، هرموز، سیری، یمیار.»^۳

شمس الدین محمد سامی، در قاموس الالام چاپ استانبول ۱۳۰۶ ه. ق، به پیروی از ادیسی، که در نزهة المشتاق، از دریای فارس به عنوان «بحر فارس و الابله» نام برده است، آن را خلیج بصره می‌نویسد و به استناد این دو اثر بود، که امپراتوری عثمانی تلاش کرد تا خلیج فارس

۱. مدنی، احمد. محاکمة خلیج فارس نویسان، ص ۳۳

۲. کازرونی، محمد ابراهیم. تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس، ص ۲۷

۳. هدایت طبرستانی، رضاقلی خان. تاریخ روضة الصفاى ظری، جلد دهم، ص ۱۸۹

را خلیج بصره نام دهد، اما با همه کوششی که در این راه به عمل آورد، سرانجام نه تنها موفق نگردید، بلکه امروزه روبرو شدن با آن ترکیب ساختگی، جز ایجاد شگفتی از میزان جهل و تعصب آن گروه تأثیری در خاطره‌ها نمی‌گذارد. حکومت عثمانی پیشین به این امر توجه نداشت، که منظور ادریسی و شمس‌الدین سامی از خلیج بصره یا ابله، بخش کوچکی از خلیج فارس بوده است در کنار آن. چنان که در بعضی از آثار خلیج بوشهر و خلیج هرموز نیز آمده و در هنگام لزوم برای توضیح بیش‌تر، واژه خلیج فارس در کنار این نام‌ها نوشته شده است و از جمله شاکر خصباک عراقی، نگارنده کتاب الاکراد، در شرح حدود کردستان پیشین، به شرف نامه شرف خان بدلیسی استناد می‌کند و آن جا که به ترکیب «دریای هرموز» می‌رسد، برای روشن ساختن موضوع، واژه الخلیج الفارسی را در کنار آن می‌نویسد:

«... اما شرف خان بدلیسی فقد ذکر فی کتابه (الشرف نامه) بان کردستان تبدأ عند شواطی بحر هرموز (او الخلیج الفارسی المجاور البحر الهندی) ممتدة فی خط مستقیم حتی ولایة ملاطیه (وهی مدینته فی ولایة خربوط فی کردستان ترکی) و (مرعش) مدینته فی شمال حلب) و تمتد شمال هذا الخط فتشمل ولایة فارس و العراق العجمی...»

یعنی: سرزمین کردستان از کرانه‌های دریای هرموز (خلیج فارس که نزدیک اقیانوس هند است) آغاز و به خط مستقیم تا شهر ملاطیه که شهری در استان کردستان ترکیه و مویش (شهری در شمال حلب) است، ادامه می‌یابد...^۱

نقشه ایران و دریای پارس، توماس هربرت ۱۶۲۹ م.

شاهان قاجار در فرمان‌هایی که صادر کرده‌اند، آب‌های جنوب ایران را به نام خلیج فارس

خوانده‌اند، مانند فرمان مظفرالدین شاه در باره عطای امتیاز بهره‌برداری از معادن و جزایر هرموز، لارک، هنگام و بُستانه به حاج محمد معین‌التجار بوشهری:

«.. امر مقرر می‌فرماییم که امتیاز و اجازه معادن جزایر هرموز، لارک، هنگام و بُستانه، در مدت مقرر که کماکان با معین‌التجار است و باید با کمال حسن مراقبت و صداقت در امور جزایر مزبوره اقدام نموده مالیات و وجه اجاره معادن مزبوره را به اضافه در هذ السنه تخاقوئیل و بعدها همه ساله از قرار تفصیل ذیل به کارگزاران دیوان اعلی کارسازی نماید. حکام حال و استقبال بنادر در خلیج فارس و جهات من الوجوه مد اخله غیر را در جزایر مزبور جایز ندانسته همواره کمال مراقبت را در تقویت او به عمل آورند. مقرر آن که مستوفیان عظام، شرح فرمان همایونی را ثبت و ضبط نموده در عهده شناسند، فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۳۱۵ ه.ق.»^۱

۱. بوشهری، معین‌التجار. تذکره للمتقین، تفصیل جزیره هرموز، صورت احکام هیأت دولت مشروطه، ص ۲۸ - ۲۹

فصل سوم

نام خلیج فارس و نویسندگان، جهانگردان و فرهنگهای عربی و اروپایی

۱- نویسندگان و فرهنگهای عرب

جرجی زیدان، نویسنده تاریخ تمدن اسلام، و محمد فرید وجدی، در دایرةالمعارف اسلامی سده ۸ ه. ق، دریای جنوب ایران را خلیج فارس نامیده‌اند و خلیج فارس، این نام طویل، در کتاب الدلیل العراقی، سالنامه رسمی ۱۹۳۶ م، عراق بارها نوشته شده است.

طه الهاشمی، رئیس پیشین ستاد ارتش عراق، در کتاب خود، که به نام جغرافیای العراق منتشر کرده، خلیج فارس را به نام درست آن نگاشته است. بنابراین، تردیدی وجود نخواهد داشت، که از گذشته‌های دور و هم‌چنین از زمان تاریخ نگاری و نام گذاری سرزمین‌ها و دریاها، دریای جنوب ایران، دریای پارس و خلیج فارس نامیده شده است.

تاریخ و جغرافیانگاران عرب دیگری در سده اخیر در تأیید پیشینه تاریخی خلیج فارس، گفتارهایی در آثار و نشریه‌های عربی به چاپ رسانده‌اند.

دکتر نوفل مصری کوشش‌هایی را که برای تغییر نام خلیج فارس صورت می‌گیرد مورد نکوهش قرار داده و آن را رد کرده است. وی در کتابی که در سال ۱۹۵۲ م/۱۳۳۱ ه. ش، درباره امارت‌های خلیج فارس نوشته، همه جا از خلیج فارس نام برده است.

قدری قلجی، نویسنده عرب، طی مقاله‌ای به نام «ملاقات صلح در مهد اسلام» که در سال ۱۹۶۸ م/۱۳۴۷ ه. ش، در روزنامه الرطلد بیروت چاپ شده است، ایران را کشوری دوست و برادر نامیده، که تاریخ آن، به تاریخ عرب آمیخته است، و اختلاف دو طرف را در مورد عربیت خلیج فارس بی اساس دانسته است.

نذیر فنطه نیز طی مقاله‌ای در روزنامه‌الاکباء، نظر قدری قلجی را تأیید کرده، می‌گوید:
«شما را به خدا بگویند که نام خلیج فارس از چه تاریخی در کنار لفظ عربی
قرار گرفت. این بدعتی است از زبان سیاستمداران و در راه یک هدف
معین.»^۱

علی حمیدان، در کتاب سلاطین سیاه، چاپ پاریس، بارها از خلیج فارس نام برده است.
روزنامه‌تایمز لندن، در شماره ۱۶، دسامبر ۱۶۹۸ م/ ۱۳۴۷ ه. ش، اظهار امیدواری کرده
که دیگر نویسندگان و تاریخ نگاران عرب نیز از علی حمیدان پیروی کرده و از کوشش بیهوده در
تغییر نام خلیج فارس، که سده‌ها در تمامی نقشه‌های جهان، به همین نام آمده است، خودداری
کنند.^۱

امروز معتبرترین آثار عربی، در وابستگی دریای جنوب ایران به سرزمین پارس، طلاح
خلیج فارس را به کار می‌برند و بحر فارس را به فراموشی سپرده‌اند. از جمله آثار سرشناس‌ترین
دایرةالمعارف عرب، یعنی المنجد، چاپ ۱۹۶۶ م/ ۱۳۴۵ ه. ش، که سند معتبری برای استفاده در
این مورد است، از طلاح خلیج فارس استفاده کرده است. در صفحه ۶۶، بخش الادب والعلوم
آن، درباره بحرین، آمده است:

«البحرین: مجموعة جزیره بالقرب من شاطیء الغربی للخلیج الفارسی
(۱۱۵/۰۰۰) اکبرها جزیره (المنامة) ...»

یعنی: بحرین مجموعه جزایری واقع در نزدیکی کرانه‌های باختری خلیج فارس
(۱۱۵/۰۰۰) و بزرگترین آن، جزیره منامة نام دارد...

در کتاب المسوأة العربیة المسیرة، نوشته عبدالکریم صبحی، چاپ قاهره (۱۹۶۵ م)
دریای جنوب ایران، الخلیج الفارسی (خلیج فارس) نوشته شده است.^۲ و هم‌چنین در نقشه
کتاب

۱. بختیاری طل، فریبرز. خلیج همیشه فارس، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسایل خلیج فارس، تهران، دفتر
مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۸، ص ۱۴۱
۲. افشار (سیستانی)، ایرج. نام دریای پارس و دریای مازندران و بندرها و جزیره‌های ایرانی، ص ۴۸ - ۵۰

خلیج فارس در نقشه جهان ج.ب، هومان، ۱۷۱۶ م.

کارتوگرافی هلم الخرایط، نوشته عبدالکریم صبحی) و نیز در ترجمه کتاب تاریخ عراب، نگارش فیلیپ حتی (چاپ بیروت ۱۹۶۹) که آن را دکتر انیس فریجه ترجمه کرده است، ترکیب الخلیج الفارسی (خلیج فارس) به کار رفته است.

مدرسه پیشین مستنصریه در بغداد در کنار رود دجله قرار گرفته و اکنون موزه کشور عراق است. در چند اتاق آن، نقشه‌های جغرافیایی قدیمی به دیوار آویخته شده، که از لحاظ بررسی و پژوهش دارای اهمیت هستند. در همه این نقشه‌ها، خلیج فارس به خط نسخ یا کوفی روشن و آشکار به نام طلی، یعنی خلیج فارس نوشته شده است.^۱

۲- نویسنده‌گان، جهانگردان و فرهنگ‌های اروپایی

درباره خلیج فارس و نام آن، تاکنون آثار بسیاری، چون کتاب و مقاله از دیدگاه‌های گوناگون نگاشته شده است و بیش تر کسانی که در مورد خلیج فارس سخن گفته و نوشته‌اند، از بیگانگان، به ویژه انگلیسی‌ها بوده‌اند، زیرا به لحاظ جایگاه ویژه‌ای که در این منطقه داشته‌اند، بیش تر کوشیده‌اند تا حقیقت پنهان ماند و نام ساختگی و نادرست را به جای نام طیل و درست خلیج فارس، به کار برند.

بیش تر مأموران انگلیسی نیز در گزارش‌ها و سخنرانی‌های خود، از واژه ساختگی و نادرست خلیج به جای خلیج فارس، که نام درست، باستانی، مستند و نگهداری شده در تاریخ است، استفاده کرده‌اند. به علاوه داستان تغییر نام خلیج فارس در سال‌های اخیر نیز از ترفندهای همان بازی‌های پنهانی سیاست بود، که خوشبختانه مورد پذیرای جهانیان قرار نگرفت.

سرچارلز بلگریو، که از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۵۷ م، کارگزار انگلستان در خلیج فارس بود، کتابی نوشت، که در سال ۱۹۶۶ م / ۱۳۴۵ ه. ش، چاپ و منتشر شد. وی در نوشته‌ها و پژوهش‌های خود، بیش تر از یادداشت‌های «سرفرانسیس ارسکین لاخ» که یکی دیگر از

۱. جمال زاده، سید محمد علی. نام خلیج فارس در هزار سال پیش از این، مجله یغما، سال ۱۷، شماره ۸ آبان ۱۳۴۳، ص ۳۵۳

کارگزاران و پیروان مکتب سیاست شناخته شده بیگانگان در خلیج فارس بود، بهره برده است. لرد بلگریو، که بیش از ۳۰ سال، سیاست استعماری انگلستان را در خلیج فارس رهبری کرد و با ایران و ایرانی نیز چندان خوب نبود، نخستین کسی بود، که آشکارا واژه خلیج عربی را به جای نام درست و طویل خلیج فارس جعل کرد و آن را با زیرکی ویژه‌ای به کار برد. در کتاب خود، می‌نویسد:

«خلیج فارس، که تازیان اینک آن را خلیج عربی گویند...»

و بدین ترتیب می‌خواهد واژه ساخته شده خلیج فارس را در بین مردم و کشورهای منطقه خلیج فارس، به ویژه عرب‌ها، زبان زد سازد. پیش از استفاده او از این نام نادرست، واژه خلیج العربی، هرگز در نوشته‌های معتبر به چشم نمی‌خورد، مگر در موارد اندکی که برخی از تاریخ و جغرافیانگاران از دریای سرخ به نام خلیج العربی یاد کرده‌اند.^۱

لرد بلگریو در اواخر فرمانروایی خویش بر کرانه‌های باختری خلیج فارس، برای نخستین بار در مجله صوت البحرین، از خلیج فارس به نام خلیج العربی یاد کرده، سپس با تلاش بسیار آن را گسترش داد.

بلگریو، در دومین کتاب خود، به نام «به بحرین خوش آمدید» (۱۹۵۵م) از خلیج فارس به نام درست و طویلش یاد کرده است.^۲

لازم به توضیح است، که موضع تغییر نام خلیج فارس، پیشینه درازتری داشته است، زیرا پیش از اقدام آشکار بلگریو، در جریان سیاسی در ابعاد گوناگون در شرف تکوین بوده است، که چگونگی آن، در پرونده‌ای زیر عنوان تغییر نام خلیج فارس، مربوط به سال ۱۹۳۷م/۱۳۱۶ه. ش، در وزارت امور خارجه انگلستان وجود دارد.

با این حال، بعضی از تاریخ نگاران، جغرافیانگاران، سیاستمداران و مأموران کشورهای بیگانه، در کتاب‌ها، مقاله‌ها و سخنرانی‌های خود، از این دریاها به نام خلیج فارس یاد کرده‌اند،

۱. مدنی، سید احمد. محاکمه خلیج فارس نویسان، ص ۱۴ - ۱۵

۲. همان کتاب، ص ۱۶

که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

بارون تاورنیه، سرشناس به ژان پاپتیس، جهانگرد فرانسوی، که در سده ۱۷ م، چندین بار به ایران سفر کرده است، درباره دریاوردی در خلیج فارس، می‌نویسد:

«دریاوردی در خلیج‌ها خطرناک‌تر از دریاهاست، به جهت این که در موقع انقلاب و تلاطم، امواج کوتاه‌ترند و سریع‌تر رفت و آمد می‌کنند، از این رو کشتی‌نمی‌تواند غش آب را ببیند و در خلیج فارس خطر از سایر خلیج‌هایش تر است، زیرا که در چندین نقطه عمق دریا خیلی کم است و کشتی‌هایی که داخل این خلیج می‌شوند بایستی از هرموز یا بندر لنگه ملاحان بومی استخدام کنند تا بصره و هم‌چنین از بصره تا هرموز...»^۱

در کتاب تاریخ اقتصادی ایران (۱۷۸۰ الی ۱۹۶۰ م) که توسط چارلز عیسوی لبنانی ^۲ لاهل، ویراستاری شده است، نام درست خلیج فارس ده‌ها بار تکرار گردیده و در صفحه ۲۵ آن آمده است:

«راه‌های ارتباطی ایران با دنیای خارج، بابرقراری خطوط تلگرافی به اروپا و راه افتادن کشتی‌های تجاری در دریای مازندران و خلیج فارس رو به بهبود گذشت.»^۳

لرد کُرزن^۳، وزیر امور خارجه انگلستان، به سال ۱۸۹۲ م / ۱۲۷۱ ه. ش، در کتاب ایران و قضیه ایران خود، به خلیج فارس اشاره کرده، می‌نویسد:

«از لحاظ من تفویض بندری به دولت روس در خلیج فارس از ناحیه هر دولتی که باشد لطمه و اهانت ارادی نسبت به انگلستان و سبب اختلاف بی جهت وضع موجود و انگیزه‌ای غش آلود در پیدایش جنگ و جدال خواهد بود.»^۴

۱. تاورنیه، بارون. سفرنامه تاورنیه، ص ۲۴۵ - ۲۴۶

۲. عیسوی، چارلز. تاریخ اقتصادی ایران، ص ۲۵

3. Lord Kurzon

۴. کُرزن، جرج. ن. ایران و قضیه ایران، جلد دوم، ص ۵۵۵

نقشه خليج فارس، دانيال، نيمه دوم سده ۱۸ م.

لرد لانس دان، وزیر امور خارجه انگلستان در ۵ مه ۱۹۰۳ م / ۱۲۸۲ ه. ش، در مجلس
علیان آن کشور، ضمن سخنانی به نام درست و طویل خلیج فارس اشاره کرده است:

«بدون هیچ گونه تردید می‌گوییم، به وجود آمدن یک پایگاه دریایی یا
یک بندر نظامی در خلیج فارس به وسیله قدرت دیگر، از نظر من خطری
بگنجد برای منافع بریتانیا است و اگر چنین وضعی پیش آید، با تمام قوا و
امکاناتی که داریم با آن مقابله خواهیم نمود.»^۱

سرآرتور هاردینگ، وزیر مختار بریتانیا در ایران، که روزگار مظفرالدین شاه قاجار از سال
۱۹۰۰ تا ۱۹۰۵ م / ۱۲۷۹ - ۱۲۸۴ ه. ش، در ایران می‌زیسته، در کتاب خاطرات خود، از دریای
جنوب ایران به نام خلیج فارس یاد کرده، می‌نویسد:

«مبلغی معادل دو میلیون و چهارصد هزار لیره انگلیسی (با بهره ۰.۵٪) به
دولت ایران وام داده و عایدات کلیه بنادر ایران غیر از بندرهای فارس و
خلیج فارس را به عنوان محل استهلاك وام، گرو برداشته بود.»^۲

سرآرنولد ویلسن، پژوهشگر و دیپلمات انگلیسی، در کتاب خلیج فارس (۱۹۲۸ م) خود،
بارها از آب‌های جنوبی ایران به نام خلیج فارس یاد کرده، می‌گوید:

«اهمیت موقع خلیج فارس از جهت دفاع و حفظ منافع هندوستان به
خوبی از این نکته استنباط می‌شود که کلیه قونسول‌ها و مأموران سیاسی
نواحی مختلف آن، از طرف حکومت هندوستان تعیین می‌گردد و قسمتی
از نیروی دریایی هند همیشه در آب‌های آن مستقر است.»^۳

سردنيس رایت، سفیر پیشین انگلستان در ایران، که در سال ۱۹۵۳ م / ۱۳۳۲ ه. ش،
برای بازگشایی سفارت بریتانیا، به ایران سفر کرده و در سال ۱۹۶۳ م / ۱۳۴۲ ه. ش، به عنوان
سفیر کبیر به ایران آمده و تا ۱۹۷۱ م / ۱۳۵۰ ه. ش، در تهران بود، در کتاب ایرانیان در میان

۱. وادالا، ر. خلیج فارس در عصر استعمار، ص ۸۳

۲. هاردینگ، سرآرتور. خاطرات سیاسی سرآرتور هاردینگ، ص ۲۱

۳. ویلسن، سرآرنولد. خلیج فارس، ص ۱۰

انگلیسی‌ها، بارها از دریای پارس به نام خلیج فارس نام برده، می‌نویسد:

«برای خاطر جمع ساختن شیخ خزعل به سرپرسی کاکس، نماینده سیاسی مقیم بریتانیا در خلیج فارس اجازه داده شد به اطلاع شیخ برساند که دولت بریتانیا متعهد شده است استقلال ایران را محترم بشمارد و توضیح می‌دهد که تعهد موضوع قرارداد ۱۹۰۷ م/۳۲۵ هـ.ق/۲۸۶ هـ.ش، به معنی حفظ وضع موجود در کشور است که از آن جمله است ادامه حالت خود مختاری که آن جناب در حال حاضر از آن برخوردار هستند.»^۱

ویلیام راجرز، وزیر امور خارجه پیشین آمریکا، در گزارش ۱۹۷۱/۳/۲۶ م، خود در مورد سیاست خارجی این کشور از نام درست و طویل این دریا، یعنی خلیج فارس استفاده کرده، می‌گوید:

«میزان سرمایه گذاری خصوصی آمریکا در نفت شبه جزیره عربستان و سواحل خلیج فارس، از یک میلیاردونیم دلار تجاوز نمی‌کند.»^۲

الکسی واسیلیف، در کتاب مشعل‌های خلیج فارس (۱۹۷۱-۱۹۷۷ م) بارها به نام درست این دریا، یعنی خلیج فارس اشاره کرده، می‌نویسد:

«در آغاز سال‌های پنجاهم، نخستین توفانی که پس از گذشت ۲۰ سال نافذتر شده است، حوضه خلیج فارس را فراگرفت، در ماه مه ۱۹۵۱ م، حکومت دکتر مصدق شرکت نفت انگلیس و ایران را ملی کرد. کار دکتر مصدق، اقدامی بود قاطع و مردانه که حق حاکمیت ملت ایران را بر ثروت‌های طبیعی خویش به وی بازگردانید.»^۳

۱. رایت، سردنيس. ایرانیان در میان انگلیسی‌ها، جلد دوم، ص ۳۶۳

۲. لایروس، هانری. خلیج فارس و کانال سوئز، ۳۳

۳. واسیلیف، الکسی. مشعل‌های خلیج فارس، ص ۲۱

خلیج فارس، ترسیم شده بر اساس اطلاعات ج.و. نوری، یا تصحیح شده در ۱۸۳۳م، و تکمیل شده در ۱۸۵۱م.

فرد هالیدی، در کتاب مزدوران انگلیسی، نیروی ضد اغتشاش در خلیج فارس (بین سال‌های ۱۹۷۷-۱۹۷۹ م) از نام درست خلیج فارس استفاده کرده، می‌گوید:

«هدف نظام یا نظم نوینی که در خلیج فارس شکل می‌گیرد، عملی ساختن تحولات و پایان دادن به تنش‌هایی است که در اواخر سال‌های ۱۹۵۰ م، شروع شده است.»^۱

سرآنتونی پارسونز، آخرین سفیر انگلستان در رژیم شاهنشاهی، در کتاب غرور و سقوط خود، از آب‌های جنوبی ایران، بارها به نام خلیج فارس اشاره کرده، می‌نویسد:

«با خروج نیروهای انگلیسی از منطقه خلیج فارس در ۱۹۷۱ م، و سلب تعهدات انگلستان برای دفاع از این منطقه، نیکسون تصمیم گرفت این خلاء را با تقویت ایران و سایر کشورهای منطقه پر کند...»^۲

برژینسکی، مشاور امنیتی کارتر، رئیس جمهور پیشین آمریکا، که همواره خواهان اعمال سیاست‌های خشونت‌آمیزی در باره ایران است، در کتاب Game Plan خود، از این دریا به نام درست آن، یعنی خلیج فارس، یاد کرده است.^۳

فرهنگ‌هایی که به زبان‌های گوناگون، به ویژه اروپایی، تدوین یافته‌اند، خلیج فارس را به همین نام درست آن یاد کرده‌اند، مانند:

فرهنگ آلمانی Der Grosse Brockhaus

که: Persischer Meer Bu sen

و فرهنگ‌های انگلیسی و آمریکایی Americana و Encyclopedia Britannica

the Encyclopedia که: Persian Gulfe و فرهنگ فرانسه:

Larousse Duxxesiecle که: Golfe Persique

و فرهنگ ترکی قاموس ال‌هلام تاریخ و جغرافیای لغتی، که خلیج فارس را به همین نام می‌خوانند و نام پارس و فارس در نوشته‌های تمامی فرهنگ‌های بیگانه به کار رفته است.

۱. هالیدی، فرد. مزدوران انگلیسی، ص ۲۶

۲. پارسونز، سرآنتونی. غرور و سقوط، ص ۸۰

۳. فتح‌الهی، جعفر. سوابق تاریخی و وجه تسمیه خلیج فارس، مجموعه مقالات سمینار مسایل بررسی خلیج فارس،...

فصل چهارم نام خلیج عربی

۱- پیش از اسلام

خلیج العربی که به رومی آن را «سینوس آرابیکوس»^۱، یعنی خلیج عرب‌ها می‌گفتند، در کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی پیشین، به بحر احمر، که بین تنگه باب‌المنذب و کانال سوئز قرار دارد، اطلاق می‌شده است، و به مناسبت شن‌های سرخ کرانه آن به یونانی «اریتره» و به لاتین «ماره روبروم»^۲، یعنی دریای سرخ می‌خواندند، و بحر قُلْزُم هم نامیده شده است. یونانی‌ها دریای پارس را خلیج فارس و بحر احمر یا دریای سرخ را «خلیج عرب» نامیده‌اند.

هکاتایوس، ملطی، از دانشمندان پیشین یونان، سرشناس به پدر جغرافیا، (در گذشته ۴۷۵ پ.م) در نقشه‌ای که از دنیای روزگار خود تهیه نموده، بحر احمر را «خلیج عرب» خوانده است.

هرودوت، تاریخ‌نگار یونانی (در گذشته ۴۲۵ پ.م) در تاریخ خود نام بحر احمر را بارها «خلیج عرب» نوشته است.

آراتوس تنوس یونانی (در گذشته ۱۹۶ پ.م) در نقشه جغرافیایی دنیا، بحر احمر را خلیج عرب خوانده است.

استرابون، جغرافیانگار یونانی نیز از بحر احمر به نام خلیج عرب یاد کرده است. بطلمیوس، جغرافیانگار دیگر یونانی، که در میانه سده ۲ م، می‌زیسته، نام بحر احمر را به لاتین

1. Sinus Arabicus

2. Mare Rubrum

«آرابیکوس سینوس»، یعنی خلیج عربی نوشته است.^۱

۲- پس از اسلام

ابن رُسته، نویسنده کتاب *الھلاق النفیسه* (۲۹۰ ه.ق)، ضمن شرح دریای هند، هم از خلیج فارس و هم از بحر احمر (خلیج عربی / دریای سرخ) نام برده، می‌گوید:

«خلیج دیگری در جانب ایلکه از آن جدا می‌شود که به نام دریای احمر است و باز از این دریا خلیج دیگری به طرف ناحیه فارس جدا می‌شود، که به خلیج فارس موسوم است.»^۲

استخری، ابواسحاق ابراهیم، در کتاب *مسالک و ممالک* (۳۴۰ ه.ق)، از بحر احمر و خلیج فارس به نام دریای قُلْزَم یاد کرده، می‌نویسد:

«آن چه از این دریا (دریای پارس) از حدود قُلْزَم تا آن جا که در برابر یمن آن را دریای قُلْزَم خوانند، و دریای قُلْزَم چون وادی است، و در آن کوه‌های بسیار است در زیر آب و راه در آن دریا معلوم است، که چگونه باید رفت... و میان قُلْزَم و ایله جایگاهی است که آن را تاران گویند.»^۳

ابن حوقل تمامی آب‌های جنوب را دریای پارس دانسته، می‌گوید:

«این دریا را در شبانه روز دو بار جزر و مد است که از حد قُلْزَم (بحر احمر) آغاز می‌شود، و در منتهای دریا یعنی، حد چین پایان می‌پذیرد.»^۴

۱. مشکور، محمدجواد. نام خلیج فارس در طول تاریخ، ص ۱۹ - ۲۰.

۲. ابن رسته. *الھلاق النفیسه*، ص ۹۵.

۳. استخری، ابواسحاق ابراهیم. *مسالک و ممالک*، ص ۳۲.

۴. ابن حوقل. *صورة للعراق*، ص ۵.

سینوس آرابیکوس یا خلیج عرب در نقشه شبه جزیره عربستان
بطلمیوس، فیلیپ حتی، سنت مارتین، نیویورک، آمریکا، ۱۹۶۷ م.

در کتاب *حدود العالم من المشرق الى المغرب* (۳۷۲ ه. ق.) ضمن شرح دریای بگو جنوب، به روشنی از خلیج عربی (بحر احمر / بحر قلزم) یاد شده است:

«و این دریا را پنج خلیج است: یکی از آن خلیجی است از حد حبشه بردارد به سوی مغرب بکشد برابر سودان، آن را خلیج بربری خوانند و خلیجی دیگر هم بدین پیوسته برود به ناحیت شمال فرود آید تا حدود مصر و باریک گردد تا آن جا که پهناء او یک میل گردد، آن را خلیج عربی خوانند و خلیج ایله نیز خوانند و خلیج قلزم نیز خوانند...»^۱

ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی، نویسنده کتاب *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم* (۳۷۵ ه. ق.) در شرح دریاها، به طور آشکار هم به قلزم یا دریای سرخ / خلیج عربی و هم به خلیج فارس اشاره نموده، می‌گوید:

«بدان که در کشور اسلام جز دو دریانمی‌بینی، نخست از خاور زمستانی میان کشور چین و کشور سیاهان برآید، و چون به کشور اسلام رسد گرد جزیره العرب بگردد... دارای خلیج‌ها و شاخه‌های بسیار است... برخی آن را مانند طیلسانی به دور کشور چین و حبشه می‌دانند که یک بال او در قلزم (دریای سرخ / خلیج عربی) و بال دیگرش در آبادان (خلیج فارس) باشد.»^۲

محمد بن نجیب بکران، در کتاب *جهان نامه خود* (۶۰۵ ه. ق.)، از خلیج عربی به نام‌های بحر قلزم و بحر احمر یاد کرده، می‌گوید:

«بحر قلزم - قلزم شهری است که بر نهایت این دریاست. این دریا به این شهر معروف است... و این بحر را خلیج احمر خوانند...»^۳

زکریا بن محمد بن محمود قزوینی، نویسنده کتاب *آثار البلاد و اخبار العباد* (۶۷۴ ه. ق.) از بحر احمر / خلیج عربی به نام دریای قلزم یاد کرده و در شهر ایله، می‌گوید:

۱. *حدود العالم*، ص ۱۲

۲. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد. *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ص ۱۵

۳. بکران، محمد بن نجیب. *جهان نامه*، ص ۲۳

نقشه سرزمین‌های عربی، ۱۲۳۸ ه.ق، که از بحر احمر به نام خلیج
عربی (بحرالقلزم) یاد شده است

«ایله، شهری است در کنار دریای قلزم در طرف شام و در زمان داود (ع) شهری بگژو بوده و حال مجمع حجاج مصر و شام است از راه دریا،...»^۱
در جای دیگر، می‌نویسد:

«ولایت تیه در میان ایله و مصر و دریای قلزم و کوه‌های سراه است... و چهل سال بنی اسرائیل در آن جا ماندند.»

جزیره الجساسة در دریای قلزم است گویند دجال در این جزیره، محبوس است و جساسة حیوانی است، که جست و جوی اخبار کند و دجال بر او سوار شود.^۲

در فرهنگ بستانی (تألیف سده ۱۲. هـ ق) به این نکته اشاره شده است که منظور از خلیج العجمی، خلیج فارس و منظور از خلیج العربی، دریای سرخ یا بحر احمر است.^۳
جرجی زیدان، تاریخ نگار سده ۲۰م، نیز در کتاب تاریخ تمدن اسلام خود، دریای سرخ را خلیج العربی و خلیج فارس را به همان نام طلی و طبیعی اش، یعنی خلیج فارس، نام برده است: «هرگاه نام خلیج فارس برده می‌شود، منظور آب‌هایی است، که بلاد عرب را احاطه کرده است، و آن قسمت از باب المندب تا ایله امتداد دارد، به دریای قرمز یا قلزم مشهور است.»^۴

۱. قزوینی، زکریا بن محمد محمود. آثار البلاد و اخبار العباد، ص ۲۰۸

۲. ابوالفداء. تقویم البلدان، ص ۳۳ - ۳۴

۳. مدنی، سید احمد. محاکمة خلیج فارس نویسان، ص ۳۳

۴. زیدان، جرجی. تاریخ تمدن اسلام، ص ۲۴۹

فصل پنجم

نام خلیج فارس و اسناد حقوقی و سازمان ملل متحد

۱- اسناد حقوقی

از سال ۱۵۰۷ تا ۱۵۶۰م، در تمامی موافقت نامه هایی که پرتغالی‌ها، اسپانیایی‌ها، هلندی‌ها، انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها، بلژیکی‌ها، آلمان‌ها، و... با ایران و کشورهای دیگر، در خلیج فارس بسته شده، همه جا از نام درست و طویل خلیج فارس استفاده شده است.

نخستین موافقت نامه چندجانبه و مهمی که بین انگلیسی‌ها و شیخ‌ها و عرب‌های کرانه‌های جنوبی خلیج فارس بسته شده و ضمن آن، عرب‌ها به طور رسمی تعهداتی بر عهده گرفته‌اند، موافقت نامه ۸ ژانویه ۱۸۲۰م/۱۱۹۹ه. ش، است.

این موافقت نامه، که به امضای ژنرال کایر انگلیسی و ۱۱ نفر از رؤسای عرب کرانه‌های جنوبی خلیج فارس رسیده است، با عنوان قرارداد کلی با قبایل عرب در خلیج فارس، تنظیم گردیده و در متن موافقت نامه، هرگاه اشاره‌ای به دریای جنوب ایران شده است، آن را خلیج فارس نامیده‌اند.

از این زمان به بعد نیز در تمامی موافقت نامه هایی که عرب‌ها هم شرکت داشته‌اند، حتی در متن عربی، الخلیج الفارسی و در متن انگلیسی Persian Gulf نوشته‌اند.^۱ از جمله می‌توان به یادداشت‌های پایاپای شیخ کویت و نمایندگان انگلستان در خلیج فارس اشاره کرد، که سند استقلال کشور کویت به شمار می‌روند. در آغاز متن عربی و انگلیسی این یادداشت‌ها چنین آمده است:

۱. افشار(سیستانی)، ایرج. نام دریای پارس و دریای مازندران و بندرها و جزیره‌های ایرانی، ص ۶۱

«حضور صاحب الفخامه المقیم سیاسی لصاحبه اجلاله فی الخلیج فارسی
المحترم، بعد السلام و التحیه...»

یعنی: جناب نماینده سیاسی محترم علیا حضرت ملکه انگلستان مقیم خلیج فارس پس
از سلام و تحیت...

این سند، که در محرم ۱۳۸۱ ه. ق/ ۱۹ ژوئن ۱۹۶۱ م، توسط عبداللّه السالم الصباح امضاء
شده است، طبق طل ۱۰۲ منشور سازمان ملل متحد، در دبیرخانه سازمان ملل به ثبت رسیده و
در ارکان سازمان ملل، از جمله دادگاه بین المللی دادگستری، قابل استفاده است. اهمیت چنین
اسناد استقلال از نظر بعضی حقوق دانان در ردیف اسناد پدید آورنده حقوق بین المللی به شمار
می‌روند.^۱

عامل دیگری که از لحاظ حقوقی قابل توجه است، پهنه آب‌هایی از خلیج فارس می‌باشد،
که بر پایه طول و موازین حقوق بین الملل، زیر حاکمیت و یا نظارت کشور جمهوری اسلامی
ایران است.^۲ به موجب قانون تعیین آب‌های کرانه‌ای و منطقه نظارت ایران در دریاها، مصوب ۲۴
تیر ۱۳۱۳ ه. ش، و قانون صلاحی آن مصوب ۲۲ فروردین ۱۳۳۸ ه. ش، حد حاکمیت ایران بر
دریای سرزمینی، ۱۲ مایل دریایی^۳ در نظر گرفته شده است. ^۴ که با توجه به کنوانسیون حقوق
دریاها (۱۹۸۲ م/ ۱۳۶۱ ه. ش) در پیش نویس جدید قانون مناطق دریایی ایران در خلیج فارس و
دریای مکران (دریای عمان) علاوه بر دریای سرزمینی، ۱۲ مایل نیز جهت منطقه نظارت در
نظر گرفته شده است، که با توجه به جزیره‌های متعلق به ایران، که این دو منطقه شامل آن‌ها نیز
می‌شود، می‌توان گفت که بخش بگو آب‌های خلیج فارس در حاکمیت و نظارت کشور ایران
است.

۱. بختیاری طل، فریبرز. خلیج همیشه فارس، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسایل خلیج فارس، ص ۱۴۸

۲. افشار (سیستانی)، همان کتاب، ص ۶۱

۳. حدود ۲۲/۲ کیلومتر

۴. کاظمی، سید علی طغر. ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس، ص ۱۵۰

نقشهٔ مجمع‌الجزایر بحرین که در آن، از آب‌های جنوب ایران به نام
درست و اصیل خلیج فارس یاد شده است.
از کتاب به بحرین خوش آمدید بلگریو، لندن ۱۹۵۵م.

در کنفرانس یکنواخت کردن نام‌های جغرافیایی، که به ابتکار سازمان ملل متحد، در ۱۹۶۷م/۱۳۴۶ ه.ش، در ژنو تشکیل شد و ۵۴ عضو سازمان ملل در آن شرکت داشتند، بررسی‌هایی در جهت از بین بردن پراکندگی نام‌های جغرافیایی به عمل آمد. در این کنفرانس، کشورهای عربی شرکت کننده، تصویب قطعنامه‌ای را خواستار شدند، که به موجب آن، می‌بایستی اسرائیل به دلیل تلاشی که برای تغییر نام خلیج عقبه به عمل آورده بود، تقبیح شود.

یادداشت‌ها و نامه‌های دیپلماتیک نیز از دیگر دلایل حقوقی است که زبان رسمی دیپلماسی دو جانبه در حقوق بین الملل به شمار می‌رود و خود مبین اندیشه و نحوه عمل کشورهاست.

با توجه به صلح حقوقی، پرونده‌های سیاسی همه کشورهای جهان، از جمله کشورهای عربی، که پُر از یادداشت‌ها و نامه‌های دیپلماتیک است، و در همه آن‌ها دریای جنوب ایران به نام خلیج فارس نامیده شده است، دلیل استوار دیگری بر درستی نام خلیج فارس است.

بنابراین می‌توان گفت، که هیچ صلح حقوقی وجود ندارد، که اقدام کشور یا کشورهای را که به میل خود نام‌های تاریخی را تغییر می‌دهند، توجیه کند، و در نبود صلح‌ها و رویه‌های قضایی، هرگونه اقدامی برای تغییر نام خلیج فارس دگرگون کردن درستی‌ها شمرده شده و از لحاظ حقوقی پدید آورنده مسؤولیت خواهد بود.^۱

۲- سازمان ملل متحد

دبیرخانه سازمان ملل متحد، طی یادداشت شماره، AD311/IGEN مارس ۱۹۷۱م/۱۳۵۰ ه.ش، در پاسخ به یادداشت ۲۳ فوریه ۱۹۷۱ م/۱۳۵۰ ه.ش، ایران، نوشت:

«عرف جاری در دبیرخانه سازمان ملل متحد بر این است، که در اسناد و نقشه‌های جغرافیایی، منطقه آبی بین ایران از سوی شمال و خاور و شماری از کشورهای عربی از سوی جنوب و باختر به نام خلیج فارس نامیده شود... و این عمل در دبیرخانه سازمان ملل متحد موافق و برابر با یک عرف

۱. بختیاری طل، همان منبع، ص ۱۵۰

قدیمی انتشار اطلس‌ها و فرهنگ‌های جغرافیایی می‌باشد»

بر پایه این یادداشت‌ها و روش سازمان ملل متحد، هرگاه در این سازمان، از نام ساختگی و نادرست به جای نام خلیج فارس استفاده می‌شده، نمایندگی دایمی ایران تذکراتی به دبیرخانه سازمان ملل متحد می‌داده است.

دبیرخانه سازمان ملل متحد در پاسخ به نامه‌های جمهوری اسلامی ایران درباره به کار بردن نام درست و تاریخی خلیج فارس، طی یادداشت شماره (C) LA45.8.2، دهم اوت ۱۹۸۴/م ۱۳۶۳ ه. ش، اعلام کرده است:

«دبیرخانه مایل به تکرار و تأیید موضوع است که رویه متعارف این بوده که در اسناد و انتشارات دبیرخانه این کاربرد را که از دیر باز معمول بوده رعایت کرده است و چون لازم است، که در اسناد سازمان ملل در اشاره به موضوعات جغرافیایی نوعی هم‌آهنگی و یکنواختی وجود داشته باشد، لذا دبیرخانه معتقد بوده است، که بایستی اصطلاح خلیج فارس در اسناد، نقشه‌ها، و... که توسط این دبیرخانه و با مسئولیت آن تهیه می‌شود به کار رود و بدین ترتیب از مقبول‌ترین کاربرد تاریخی آن، استفاده کند.»^۱

در پی استفاده سازمان ملل متحد از نام ساختگی خلیج فارس، در خرداد ۱۳۷۰ ه. ش در یکی از اسناد آن سازمان، نمایندگی دایم ایران، در نامه‌ای که برای خلویر پرزدکوئیاری، دبیرکل سازمان ملل متحد فرستاد، یاد آور شد در نقشه‌ای که پیوست گزارش نماینده دبیرکل درباره خسارت وارده به کویت در دوره اشغال این شیخ نشین توسط عراق، از خلیج فارس به نام ساختگی یادگردیده است، که به هیچ عنوان برای ایران قابل قبول نیست. وی خواستار درست کردن این سند و انتشار دوباره آن شد.

اوجینیووایزنر، معاون دبیرکل سازمان ملل متحد در امور ویژه و خدمات کنفرانس‌ها، در پاسخی که به نامه نماینده دایم ایران داده، ضمن پوزش از این اشتباه سهوی، افزوده است:

خلیج فارس در نقشه خراسان، سیستان و بلوچستان و افغانستان، از ژنرال دایر انگلیسی، ۱۹۱۶ م.

«بنا به درخواست شما، این سند اصلاح و امروز^۱ در سازمان ملل متحد

منتشر شد.»^۲

در نیمه نخست بهمن ۱۳۷۰ ه.ش، سر ویراستار سازمان ملل متحد با اشاره به
عترض‌های پیاپی هیأت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد، به استفاده از نام ساختگی
خلیج به جای خلیج فارس در اسناد این سازمان، که عنایت به آب‌های خلیج فارس و پاکسورها و
منطقه پیرامون خلیج فارس داشته، از کارکنان سازمان ملل متحد خواسته است عترض ایران را
همیشه در نظر داشته باشند.^۳

۱. روز چهارشنبه، ۵ تیرماه ۱۳۷۰ ه.ش / ۲۶ ژوئن ۱۹۹۱ م

۲. روزنامه کیهان، شماره ۱۴۲۱۹، ۶ تیرماه ۱۳۷۰ ه.ش، ص ۳

۳. همان روزنامه، شماره ۱۴۴۰۰، ۱۴ بهمن ۱۳۷۰ ه.ش، ص ۲۰

فصل ششم

نام خلیج فارس و وزارت امور خارجه، نهادها، دانشگاه‌ها، پژوهشگران، دانشجویان، دانش‌آموزان و مردم ایران

۱- وزارت امور خارجه

وزارت امور خارجه ایران، در برابر استفاده از نام نادرست و ساختگی به نام درست خلیج فارس، به تمامی کشورها، دولتمردان، نهادها، شرکت‌ها و دیگر کسان حقیقی و حقوقی ایرانی و بیگانه، که به جای نام تاریخی و درست خلیج فارس، از نام نادرست و ساختگی استفاده می‌کنند، تذکر داده و در مواردی نیز عتراض می‌کند.

تاکنون نامه‌ها و بخشنامه‌های بسیاری از سوی اداره‌های تابع وزارت امور خارجه به نهادها و سازمان‌های مربوط، به ویژه نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور، فرستاده و طی آن، درخواست گردیده است در هر مورد، که با استفاده از نام ساختگی به جای نام طویل، تاریخی و درست خلیج فارس روبه‌رو شوند، ضمن دادن تذکر بایسته، حسب مورد به وزارت امور خارجه کشور مورد نظر یا دیگر اشخاص خارجی عتراض کرده و خلیج‌های از جایگاه تاریخی خلیج فارس و هم‌چنین یادداشت‌های سازمان ملل متحد مربوط به این موضوع را برای مورد عتراض ارسال دارند.^۱

روزنامه‌های نوزدهم خرداد ۱۳۵۲ ه. ش، تهران، گزارشی از خبرگزاری یونایتدپرس درباره نطقی که هفته گذشته توسط ویلیام کلمنتس، قائم مقام وزارت دفاع آمریکا ایراد شد، منتشر کرده‌اند. شرح زیر اطلاعیه رسمی سفارت کبرای آمریکا در باره این نطق است:

۱. بختیاری طل، فریبرز. خلیج همیشه فارس، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، ص ۱۴۱

ریچارد هلمز، سفیر کبیر آمریکا در ایران با اشاره به خبر یونایتد پرس اظهار داشت، که نام سنتی و رسمی مورد استعمال دولت آمریکا «خلیج فارس» است. آقای کلمنتس از این که ناآگاهانه نام «خلیج فارس - عرب» را در نطق ۱۶ خرداد در شورای کشتی‌سازان آمریکایی به کار برده، متأسف است. آقای کلمنتس به هیچ وجه قصد تغییر نام خلیج فارس را که مورد استعمال رسمی دولت آمریکا است، نداشته و طرفدار چنین تغییری نیز نبوده است.^۱

در یازدهم شهریور ۱۳۷۱ ه. ش / دوم سپتامبر ۱۹۹۲ م، حیدرابوبکرالعطاس نخست وزیر جمهوری یمن، در سخنرانی خود، در دهمین اجلاس جنبش عدم تعهد در جاकारتا، پایتخت اندونزی، در مورد وضع خاور میانه، از عبارت ساختگی منطقه خلیج عربی به جای خلیج فارس استفاده کرد. از این رو هیأت ایرانی شرکت کننده در اجلاس، در یک واکنش فوری به سخنان نخست وزیر یمن، خواستار پاسخ گویی به سخنان وی شد، زیرا واژه‌ای که در نطق العطاس مورد استفاده قرار گرفته بود، در جغرافیای طبیعی، ناشناخته است.^۲

در پی عترض شدید و بجای هیأت ایرانی و لغو دیدار رئیس جمهوری ایران با نخست وزیر یمن، حیدرابوبکرالعطاس از هیأت ایرانی پوزش خواست.

و ضمن ابراز تأسف از گفتن واژه خلیج عربی به جای خلیج فارس، آن را غیر عمدی خواند.^۳

بر پایه آن چه گفته شد، می توان گفت که اسناد و نوشته‌های بازمانده از تاریخ و جغرافیانگاران و پژوهشگران، همه بیانگر این است، که نام خلیج فارس از دوران باستان تا امروز به طور پیوسته همراه با نام کشور بگیا ایران بوده و منظور از خلیج عربی همواره بحر احمر بوده است. به علاوه خلیج فارس همیشه در کنفرانس‌های علمی، تاریخی و رسمی با نام درست آن نامیده می‌شده و در آینده هم به همین نام در مراکز رسمی، علمی و دیگر جاها نامیده خواهد شد.^۴

۱. فصلنامه خاور میانه، سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۴، ص ۷۷۱

۲. روزنامه اطلاعات، شماره ۱۹۷۰۶، ۱۲ شهریور ۱۳۷۱ ه. ش، ص ۳

۳. روزنامه سلام، شماره ۴۷۲، ۱۶ شهریور ۱۳۷۱، ص ۳

۴. افشار (سیستانی)، ایرج. نام دریای پارس و دریای مازندران و بندرها و جزیره‌های ایرانی، ص ۶۷

سند رسمی ۱۹ خرداد ۱۳۵۲.ش
سفارت کبری آمریکا در ایران

نقشه خلیج فارس در نقشه ایران، نشنال
جغرافی، واشنگتن، ۱۹۵۱ م

۲- نهادها، دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی

در پی غترضا مدیر عامل هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران «هما» به دبیر کل انجمن حمل و نقل هوایی بین‌المللی «یاتا» در مورد استفاده از عنوان نادرست خلیج عربی و یا خلیج، در نقشه‌ها و نشریه‌های هواپیمایی، انجمن حمل و نقل هوایی بین‌المللی (یاتا) تصمیم گرفت از این پس (شهریور ۱۳۷۲ ه. ش) از واژه‌های درست خلیج فارس در نقشه‌های بین‌المللی شرکت‌های هواپیمایی جهان استفاده شود.

در نامه دبیر کل یاتا به هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران، ضمن تأیید مواضع ایران، عنوان خلیج فارس را به عنوان واژه‌ای که مورد تأیید بخش اسناد فنی و واژه‌شناختی سازمان ملل متحد است، پذیرفته و طی بخشنامه‌ای از دفاتر یاتا خواست، که در آینده موضوع به طور دقیق مورد توجه قرار گیرد.^۱

در پی استفاده از نام ساختگی خلیج عربی به جای خلیج فارس و غترضا مراکز فرهنگی ایران به دایرة‌المعارف کمبریج انگلستان، این مرکز طی نامه ۱۴ آوریل ۱۹۹۷م/ ۲۵ فروردین ۱۳۷۶ ه. ش به عنوان کتاب خانة حضرت آیت الله العظمی موسی نجفی، ضمن پذیرش موضوع، می‌نویسد:

«از آن جا که ما در نوشتن نام‌ها از هر فصل و مدخل‌های پیشنهادی سازمان ملل متحد استفاده می‌کنیم، و بنابر استفاده از نام‌های استاندارد است، در چاپ آینده، همان مدخل رانیز به خلیج فارس تغییر خواهیم داد.»^۲

پس از چاپ عنوان ساختگی خلیج عربی در دایرة‌المعارف کمبریج، تمامی دانشگاه‌های ایران، غترضا خود را به دانشگاه کمبریج به خاطر این اشتباه علمی غلام کردند.

کوبین تایلر، مدیر انتشارات دانشگاه کمبریج انگلستان، طی نامه‌ای به آقای دکتر خدایی، رئیس دانشگاه رازی کرمانشاه از چاپ عبارات ساختگی خلیج عربی به خلیج فارس ضمن

۱. روزنامه همشهری، سال اول، شماره ۲۱۳، ۲۹ شهریور ۱۳۷۲، ص ۳

۲. روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۰۳۸، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۷۶، ص ۳

عذرخواهی غلام کرده است در چاپ‌های بعدی دایرةالمعارف، از نام درست و طویل خلیج فارس استفاده خواهد شد.^۱

در پی چاپ عنوان ساختگی خلیج عربی در دایرةالمعارف کمبریج به جای خلیج فارس، رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور، در سی و یکمین گردهم‌آیی خود در دانشگاه شیراز، غلام کردند نام خلیج فارس نامی تاریخی و مستند در اسناد معتبر بین‌المللی است و هر گونه تلاش در جهت تغییر نام خلیج فارس از سوی دشمنان ایران را با قاطعیت پاسخ خواهند داد.^۲

در پی عترض دانشگاه پیام نور به انتشارات روتلج انگلستان به خاطر استفاده از نام ساختگی خلیج عربی به خلیج فارس، در یک کتاب باستان‌شناختی، ناشر این انتشارات غلام کرد، که نسبت به رفع این اشتباه اقدام خواهد کرد.

در نامه ویکتوریا پیترز، ناشر انتشارات روتلج به رئیس دانشگاه پیام نور آمده است:
«در پی برگزاری نمایشگاه کتاب تهران از اشکال موجود در عنوان کتاب مذکور آگاه شدیم با اعلام پوزش خود، متعهد شدیم که در چاپ مجدد نسبت به تغییر عنوان کتاب مزبور اقدام خواهیم کرد.»^۳

۱. ° روزنامه کیهان، شماره ۱۵۹۲۲، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۶، ص ۱۶

۲. روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۰۴۷، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۷۶، ص ۱۴

۳. روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۱۳۴، ۴ شهریور ۱۳۷۶، ص ۲

نام خلیج فارس و وزارت امور خارجه، ... / ۱۴۳

نقشهٔ خلیج فارس از هانری لابروس فرانسوی، ۱۹۷۳ م

۳- پژوهشگران، دانشجویان، دانش‌آموزان و مردم ایران

در سال ۱۹۹۰ م / ۱۳۶۹ ه. ش، کتابی به عنوان «خلیج عربی در عصر باستان» توسط انتشارات دانشگاه آکسفورد چاپ و نشر شده است.

از مرکز چاپ و نشر وزینی چون انتشارات آکسفورد بعید می‌نمود، که در پی کشمکش‌های سال‌های اخیر و صدور رأی رسمی سازمان ملل در مورد نام خلیج فارس، این نام ساختگی و نادرست را بر کتابی چنین ارزشمند نهاده و ارزش و اهمیت آن را خدشه‌دار سازد. جای آن دارد که مسؤولان ذی ربط ایرانی از انجام اقدام بایسته در این مورد و دیگر موارد مشابه فروگذار ننمایند.^۱

در سال‌های اخیر کتابی به نام «Oxford PHoto dictionary» از سوی انتشارات آکسفورد چاپ و نشر شده است. در صفحه ۵۴ این کتاب، نقشه‌ای از جهان چاپ گردیده که در آن نقشه، ایران نیز وجود دارد.

در زیر نویس مربوط به نقشه ایران اشاره‌ای به خلیج فارس شده و آن را «the Gulf» خلیج نامیده و واژه فارسی «Persian» حذف شده است.^۲

گروهی از پژوهشگران ایرانی و غیر ایرانی مقیم انگلستان و برخی کشورهای دیگر، نسبت به استفاده رسانه‌های جمعی انگلستان از عنوان خلیج یا عنوان‌های ساختگی و نادرست دیگر، که به جای خلیج فارس استفاده می‌شده، به کمیسیون رسیدگی به شکایات مطبوعاتی این کشور، شکایت کردند.

در این نامه که به امضای ۲۱۴ نفر رسیده است، نسبت به رویه موهوم رسانه‌های جمعی انگلستان در استفاده عمدی از عنوان‌های ساختگی عتر ضا شده است.

به باور امضاء کنندگان این نامه، نام خلیج و یا خلیج عربی، نام جعلی و ساختگی است که با هدف‌های ویژه و سوءنیت‌های سیاسی به کار گرفته می‌شود و نمونه‌ای آشکار از سرقت فرهنگی

۱. عبدی، کامیار. کتابی جدی با نام جعلی، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، شماره ۱۳ و ۱۴، اسفند ۱۳۷۲، ص ۱۲۹

۲. روزنامه کیهان شماره ۱۵۷۸۹، ۲۳ آبان ۱۳۵۷، ص ۷

شمرده می شود.

پژوهشگران ایرانی همراه با این نامه گزارش ۴ صفحه‌ای مستدلی را، برای اثبات تاریخی بودن نام خلیج فارس و سندیت قانونی نام خلیج فارس بر پایه اسناد سازمان ملل متحد و سازمان‌های بین‌المللی پیوست کرده‌اند.

علاوه بر این، نسخه‌ای از نامه‌های ارسالی برای دبیرکل سازمان ملل، روزنامه‌ها، سازمان بی.بی.سی، دایرةالمعارف بریتانیا، دفتر نخست وزیر انگلستان و شرکت‌های چاپ نقشه و اطلس، همراه این اعتراضیه فرستاده شده است.^۱

در چاپ انسکلوپدیای کمبریج، در صفحه ۵۸۴، به جای نام خلیج فارس، که در تاریخ بشر قوام یافته و در همه آثار جغرافیایی قدیم و جدید به همین نام خوانده شده است، نام ساختگی خلیج عربی به کار رفته، در حالی که در همین انسکلوپدیا، می نویسد: نام این دریا در روزگار باستان «سینوس پرسیکوس» بوده، یعنی دریای پارس.

وجود این ناسازگاری در یک اثر مرجع از سوی یک مؤسسه معتبر فرهنگی نمی توانست خالی از نظر و دور از بحث و نقل باشد.

آقای کوین تایلر، مدیر انتشارات مرجع مؤسسه کمبریج، نامه‌ای به عنوان آقای بهمن امانی، مدیر مدرسه جمهوری اسلامی ایران در لندن، که خود و آموزگاران و دانش آموزان این مدرسه، از جمله معترضان به کمبریج بودند، نگاشته و در آن غلام داشته است، که در چاپ دوم دانشنامه کمبریج، از نام خلیج فارس به جای نام ساختگی به کار رفته استفاده خواهد شد.

ترجمه متن نامه یاد شده، بدین شرح است:

«دوست عزیز جناب آقای امانی، از توجه شما نسبت به نکته ای که در دایرةالمعارف کمبریج آمده و گوشزدی که در این مورد کرده اید، متشکرم.

من هم چنین از نامه دانشجویان شما سپاسگزارم. اما به نظر می رسد

۱. روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۰۰۶، ۱۶ اسفند ۱۳۷۵، ص ۱۶

خلیج فارس در نقشه ایران، ادینبورگ، لندن، ۱۹۲۴م

اشارات شما به چاپ قدیمی دایرة المعارف باشد. شما در چاپ دوم این دایرة المعارف، کلمة خلیج عربی را نمی‌یابید و تنها اشاره ای به نام خلیج است، که اشاره دارد به کاربرد سُئی و اژه خلیج در انگلستان آن زمان. از آن زمان تاکنون همان گونه که مدارک شما نشان می‌دهد، بخشنامه سازمان ملل به کاربرد واژه خلیج فارس اشاره دارد و استاندارد مانیز استفاده از این راهنماست. در چاپ آینده واژه خلیج را به خلیج فارس تغییر خواهیم داد. من امیدوارم که از این راه حل راضی باشید. کوین تیلور، مدیر انتشارات مرجع مؤسسه کمبریج^۱

دانش‌آموزان تیزهوش مرکز آموزشی فرزندگان تهران نیز در مورد به کار بردن نام جعلی به جای نام خلیج فارس به دانشگاه کمبریج اعتراض کردند. مدیر دایرة المعارف کمبریج به نامه غترض‌آمیز این دانش‌آموزان پاسخ داده، می‌نویسد:

«دانش‌آموزان عزیز از اینکه زحمت کشیدید و درباره نکتته‌ای که در دایرة المعارف کمبریج مشاهده کردید نامه‌ای نوشتید، متشکرم... یک راهنمای ویراستاری از سوی سازمان ملل متحد در مورد کاربرد این واژه (خلیج فارس) منتشر شده است و چون این شیوه معمول ما است، که از راهنمایی‌های سازمان ملل پیروی کنیم از این به بعد در چاپ آینده خود، واژه را به خلیج فارس تغییر می‌دهیم»^۲

۱. همان روزنامه، شماره ۲۱۰۱۰، ۲۱ اسفند ۱۳۷۵، اطلاعات ضمیمه

۲. همان روزنامه، شماره ۲۱۰۷۸، ۲۹ خرداد ۱۳۷۶، ص ۹

نقشه خلیج فارس و دریای مکران، مؤسسه اقبال، استانبول، ترکیه، ۱۳۰۹ ه. ش.

نام خلیج فارس و وزارت امور خارجه، ... / ۱۴۹

خلیج فارس در نقشه کشورهای عربی از محمد شفیق غربال، قاهره،
۱۹۶۵ م

افزوده‌ها

درآمد:

در آبان ماه ۱۳۸۳ ه.ش، مؤسسه نشنال جئوگرافیک (National Geographic) ایالات متحده آمریکا، با چاپ جدیدترین اطلس جهان ۲۰۰۵ میلادی خود، در کنار نام خلیج فارس روی نقشه، نام ساختگی خلیج عربی را نیز نوشته و نام جزیره‌های ایرانی، چون کیش، لاوان، و... به نام‌های ساختگی قیس به جای کیش و شیخ شعیب به جای لاوان، بهره‌گیری شده است. هم‌چنین شیوه به کارگیری نام ساختگی برای خلیج فارس در نقشه‌های موجود در بخش اسلامی موزه لوور، که بخش بزرگی از اعتبارش را به دلیل وجود هزاران اثر تاریخی فرهنگ ایرانی، که آن‌ها را از ایران خارج کرده‌اند، به دست آورده، زمینه ساز واکنش‌ها و اعتراض‌های فزاینده ایرانیان بوده است.

خوشبختانه با موضع‌گیری قاطعانه دولت ایران و ایرانیان داخل و خارج از کشور با گرایش‌های گوناگون طی بیانیه‌ها و اظهارنظرها و نیز امضای تومارهایی که تاکنون به ده‌ها هزار امضا رسیده، دگرگون ساختن نام باستانی، تاریخی، جغرافیایی و جهانی خلیج فارس را به نام‌های ساختگی، نپذیرفته و زشت شمرده و خواستار پاسخگویی، ویرایش و پوزش رسمی نهادهای خلافکار، از مردم رشید ایران شدند. سرانجام پس از چند هفته، مؤسسه نشنال جئوگرافیک با پس‌نشینی تدریجی، در نقشه بازنگری شده، نام جزیره‌های ایرانی را درست کرد؛ نام تاریخی خلیج فارس را به رسمیت شناخت و واژه ساختگی خلیج عربی را حذف کرد.

در زیر به موضع‌گیری دولت ایران، سازمان‌ها، نهادها و انجمن‌های علمی گوناگون ایران، نویسندگان، پژوهشگران، استادان و دانشجویان، دولتمردان، جغرافی دانان، نمایندگان مجلس، هنرمندان، و... اشاره می‌شود:

۱- دولتمردان، وزار تخانه‌ها و سازمان‌ها

۱-۱- هیأت وزیران

عرب‌ها سال‌هاست که از هر وسیله‌ای برای برداشتن «فارس» از کنار «خلیج» بهره‌گیری

می‌کنند. این‌ها دور هم گرد می‌آیند و هر رویدادی را با عنوان خلیج یا خلیج عربی به ثبت می‌رسانند تا جهان باور کند که واژه «فارس» مقابل آب‌های جنوب ایران اضافه است! این تنها یک نام نیست «خلیج فارس» بخشی از هستی ماست و سند معتبری که در آن از خلیج فارس یاد شده و اکنون در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود، نقشی است، که در زمان یکی از پادشاهان بابل، حدود ۶ هزار سال پیش، بر لوحه‌ای سفالین ترسیم شده است.

هر چند دیر هنگام، اما دولت ایران نیز در اندیشه راهکاری همانند افتاده است. شاید چند ماه دیگر، شاید هم یکی دو سال دیگر، همه جا با نام خلیج فارس آذین خواهد شد.

هیأت وزیران بنا به پیشنهاد شورای عالی امنیت ملی، در جلسه ۲۶ فرودین ماه ۱۳۸۳ ه.ش، تصویب کرد به منظور حفظ حقوق تاریخی و ملی جمهوری اسلامی ایران در خصوص نام «خلیج فارس» و تثبیت این نام در نقشه‌ها، خبرها و نوشته‌های رسمی در سطح مجامع ملی و بین‌المللی و رسانه‌های گروهی جهان، دستگاه‌های ذی ربط برای انجام موارد زیر، اهتمام ورزند:

(۱) اختصاص بخش ویژه‌ای در کتاب‌های درسی و آموزشی پیوسته در کلیه مقاطع تحصیلی به موضوع «خلیج فارس».

(۲) نظارت بر بهره‌گیری از عبارت «خلیج فارس» به صورت کامل در رسانه‌های نوشتاری، غیرنوشتاری، کتاب‌ها و مقاله‌های ترجمه شده، فیلم‌های سینمایی، برنامه‌های رادیویی، تلویزیونی، ماهواره‌ای و دیگر موارد.

(۳) نام‌گذاری خیابان‌ها، مدرسه‌ها و دیگر مکان‌های عمومی مناسب، با عنوان خلیج فارس.

(۴) برگزاری همایش سالانه پیوسته با خلیج فارس در حوزه‌های دانشگاهی و پژوهشی.

(۵) نام‌گذاری یکی از شرکت‌های فعال در امور نفتی به نام «خلیج فارس».

(۶) نام‌گذاری یکی از شرکت‌های دولتی حمل و نقل هوایی به نام «خلیج فارس»^(۱)

معاون حقوقی - پارلمانی رئیس جمهور تاکید کرد اقدام شیخ‌های عرب در دگرگون ساختن نام خلیج فارس نمی‌تواند واقعیت‌های تاریخی را تغییر دهد. نام خلیج فارس پیش از

این که بسیاری از کشورهای کناره‌ای خلیج فارس وجود خارجی و هویت تاریخی داشته باشند، به همین نام «خلیج فارس مشهور بوده است»^(۲)

وزارت امور خارجه و نمایندگی‌های سیاسی - فرهنگی ایران در نیویورک مأموریت ویژه‌ای از سوی دولت پیدا کردند تا در گفت و گویی انتقادآمیز، مدیران مؤسسه نشنال جئوگرافیک را به طلاح این حرکت تحریفی متقصد کنند.^(۳)

۱-۲- وزارت امور خارجه

نمایشگاه نقشه‌های تاریخی خلیج فارس در آرشیو وزارت امور خارجه در روز ۲۹ آذرماه ۱۳۸۳ ه.ش، توسط وزیر امور خارجه گشایش یافت. وی درباره نقشه‌ها و نام خلیج فارس، گفت: این نمایشگاه با هدف نمایش برخی از نقشه‌های منحصر به فرد و بسیار نفیس تاریخی که افتخاری برای منابع آرشیوی کشورمان به حساب می‌آید، ترتیب داده شده که در آن‌ها دیرینگی و طالت نام خلیج فارس و معادل‌های این نام در زبان‌های دیگر از سوی نقاشان و کارتوگرافان و دریانوردان و سیاحان غیرایرانی و ایرانی به تصویر کشیده شده است.

دیرپایی نام خلیج فارس در درازنای تاریخ جهان همواره مانند آفتاب روشن و تابنده بوده است و ارایه مدارک تاریخی برای اثبات آن صرفاً محض یادآوری و تأکید بیش تر است. بر پایه شواهد مستند معتبر و قطعی تاریخی، خلیج فارس چه پیش از اسلام و چه پس از آن، همواره خلیج فارس بوده است.

سازمان ملل متحد طی دو سند، به ترتیب در سال‌های ۱۹۷۱ و ۱۹۸۴ م، نام رسمی دریای جنوبی ایران و خاور شبه جزیره عربستان را خلیج فارس غلام کرده است. با وجود چنین اسناد تاریخی متقن درباره خلیج فارس و نام واقعی و طلیل این پهنه آبی، جای سؤال جدی است، که چگونه و با چه اهدافی مؤسسه آمریکایی نشنال جئوگرافیک با فلوله گرفتن از مسلمات و محکومات قطعی و خدشه‌پذیر تاریخی در مورد نام خلیج فارس دست به تحریف حقایق تاریخی زده و نام‌های ساختگی برای این منطقه در نقشه اخیر خود، به کار برده است.^(۴)

سخنگوی وزارت امور خارجه درباره گام‌های به عمل آمده پیرامون دگرگون ساختن نام خلیج فارس، گفته است: از همان ابتدا وزارت امور خارجه از دو مجاری حقوقی و سیاسی، این موضوع را دنبال کرد و با ارسال نامه غترض‌آمیز به مدیر مؤسسه، خواستار جبران این خطا و طلاح آن گردید.

افزون بر آن، چند دور گفت و شنود توسط نماینده دایم جمهوری اسلامی ایران در نیویورک با مسؤولان این مؤسسه صورت گرفت و هم‌چنین محدودیت‌هایی برای فعالیت‌های این مؤسسه در ایران عمال شد. نتیجه این اقدام‌ها منجر به ارسال نامه‌ای از سوی رئیس این مؤسسه شد که در آن با عذرخواهی به آمادگی مؤسسه برای جبران این اشتباه، اشاره شده بود.» (۵)

۱-۳- وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

نمایشگاه تاریخی خلیج فارس با نمایش بیش از ۷۰ نسخه نقشه از سال‌های ۱۵۰۰ م، تا سده حاضر، در سازمان جغرافیایی وزارت دفاع در نیمه دی ماه ۱۳۸۳ گشایش یافت. در این نمایشگاه، ده‌ها سند پژوهشی و نقشه تاریخی که راهبری برنامه تاریخی خلیج فارس دارد، عرضه شده است. این نمایشگاه با همکاری یکی از ایرانیان کلیمی ساکن سوئیس به نام یوسف خاکشوری برگزار شده است. (۶)

۱-۴- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

در پی چاپ اطلس جغرافیایی با نام‌های ساختگی و غیرحقوقی از سوی مؤسسه نشنال جئوگرافیک، معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تأکید کرد تا زمانی که این اطلس تحریف شده طلاح و دوباره چاپ نشود، از ورود نشریات آن مؤسسه و صدور روایید برای خبرنگاران و تصویر برداران وابسته به آن جلوگیری خواهد شد. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به هیأت دولت پیشنهاد برگزاری جشن‌های ملی و

بین‌المللی فرهنگی هنری نمود و با تصویب آیین‌نامه آن در جلسه ۲۵ آذرماه ۱۳۸۳ هیأت دولت، نخستین جشن و همایش ملی خلیج فارس از سوی این وزارتخانه در منطقه خلیج فارس برگزار خواهد شد. (۷)

۱-۵- وزارت راه و ترابری

معاون وزیر راه و ترابری و رئیس سازمان بنادر و کشتی‌رانی درباره جعل نام طویل خلیج فارس از سوی مؤسسه نشنال جئوگرافیک، گفته است: نام خلیج فارس حدود یک سده است که ثبت رسمی شده و در سال ۱۹۸۴ م، نیز سازمان ملل متحد به طور رسمی به مجموعه‌های خود دستور داد، که در تمامی نوشته‌های آن سازمان، از نام خلیج فارس بهره‌گیری کنند. از این رو وزارت راه و ترابری نسبت به تغییر نام خلیج فارس در نشریه نشنال جئوگرافیک به سازمان جهانی دریانوردی شکایت نموده است.

دبیرکل سازمان بین‌المللی دریانوردی در نامه‌ای به سازمان بنادر و کشتی‌رانی از به کارنبردن نام خلیج فارس در نشریه تجهیزات جدید کمک ناوبری این سازمان پوزش خواسته است. (۸)

۱-۶- مجلس شورای اسلامی

نایب رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی، گفته است: خلیج فارس نامی است، که در تمامی جهان جا افتاده و با چاپ یک یا دو نقشه استعماری تغییر نخواهد کرد. تمامی اسناد سازمان ملل متحد درباره خلیج فارس بانام خلیج فارس منتشر می‌شود و آن نام ساختگی که برخی مؤسسه‌ها عنوان کرده‌اند، هیچ‌گونه ریشه تاریخی ندارد. مؤسسه نشنال جئوگرافیک یک مؤسسه استعماری است، که زیر رخنه سازمان سیا و موساد چنین کاری را کرده است. عربستان که در گذشته حجاز نامیده می‌شد و هنوز کشور

عربستان سعودی نام نگرفته بود و هم‌چنین از زمان اشغال این منطقه توسط فرانسه و الجزایر، تمامی نوشته‌ها که میان این کشورها و انگلستان رد و بدل می‌شد، با نام خلیج فارس بود و هیچ‌گاه از واژه خلیج عربی بهره‌گیری نمی‌شد. (۹)

تبلیغات سیاسی درباره تغییر نام خلیج فارس و راهکارهای مقابله با آن با حضور مدیرکل خلیج فارس وزارت امور خارجه و کارشناسان مربوطه در ۷ دی ماه ۱۳۸۳ ه.ش، در کمیته روابط خارجی مجلس شورای اسلامی بررسی و تصمیم بایسته اتخاذ گردیده است. (۱۰)

۷-۱- انجمن جغرافیایی، جغرافی دانان و بسیج دانشجویی

انجمن جغرافیایی ایران در بیانیه‌ای نسبت به اقدام مؤسسه نشنال جئوگرافیک در تغییر نام خلیج فارس عترضا نموده و بیان داشته است:

مؤسسه خصوصی و آمریکایی نشنال جئوگرافیک با ۱۲۶ سال دیربندی در هشتمین ویرایش اطلس جغرافیایی خود، در کنار نام خلیج فارس، نام بی‌پایه و ساختگی خلیج عربی را چاپ کرده است... مردم ایران این نوآوری و دگرگونی در نام خلیج فارس را نمی‌بخشد و فریب این شیطنتها و خط‌نمایی‌ها را نخواهد خورد. (۱۱)

جغرافی دانان دانشگاه تهران، درباره دگرگون ساختن نام همیشه جاوید خلیج فارس، در بیانیه‌ای ضمن غلام بی‌غباری اطلس انتشار یافته مؤسسه نشنال جئوگرافیک، مراتب عترضا خود را نیز بیان داشته و پاسخ‌های علمی، منطقی و شایسته‌ای در برابر اقلام غیولمی و غیر منطقی گردانندگان این مؤسسه برای روشن کردن اندیشه‌های جهانی ارائه کردند. (۱۲)

بسیج دانشجویی دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران، درباره اقلام اخیر مؤسسه نشنال جئوگرافیک در نوشتن نام ساختگی خلیج عربی در کنار نام خلیج فارس، ضمن عترضا به این کار ناپسند و غیولمی مؤسسه مزبور، در بیانیه‌ای غلام داشته‌اند: در درازی تاریخ در این مرز و بوم، حکومت‌ها آمده و رفته‌اند و گستره جغرافیایی آن نیز بارها تغییر کرده است، اما به‌گواه تاریخ،

هیچ‌گاه نام «خلیج فارس»، که نمایانگر تاریخ و هویت مکانی آن می‌باشد، تغییر نیافته است، که این نشانگر بسیج ایرانیان در نگهداری هستی ملی و مذهبی خود است. بازنگری تاریخ جغرافیایی و اسنادی نشان می‌دهد که خلیج فارس همیشه خلیج فارس بوده است.

در نقشه آراتوستن، جغرافی دان یونانی که ۵۲۰ پ. م، یعنی بیش از ۳ هزار سال پیش ترسیم گردیده است، مرز جنوب خاوری و جنوب باختری جهان تنها یک نام دارد؛ «خلیج فارس» ضمن این که جغرافی دانان مسلمان، چون استخری، مقدسی این نام را بارها در نوشته‌های خود به کار برده‌اند. هم‌چنین با دیدن اطلس‌های موجود در شیخ نشین‌های کناره خلیج فارس، آن چه جلب توجه می‌نماید، کشیدن قلم بر روی واژه «فارس» است، که نشان می‌دهد این اطلس‌ها تا پیش از ناسیونالیسم عربی و سپس جنگ تحمیلی، به نام «خلیج فارس» بوده است.

نام مکان‌های تاریخی افزون بر این که جایگاه جغرافیایی یک سرزمین را بیان می‌کنند، پشتوانه تاریخ و فرهنگ تمامی مردمانی است، که در آن جای‌های تاریخی و پیرامون آن، با هم آمیزش داشته‌اند. تلاش برای تغییر نام این جاها، به گردن نهادن اراده خود، به مردمی است که این نام‌ها را از گذشته دور به یادگار دارند. ما بر آن بوده‌ایم که دانشمندان و فرهیختگان جهان از فروغلتیدن در بازی‌های سیاسی و مادی مصون بوده‌اند. مجله نشنال جئوگرافیک را که یک نشریه معتبر علمی می‌دانیم و اکنون بر این باوریم که لابی صیونیسیم که همیشه در تلاش بوده است از یگانگی مسلمانان جلوگیری کند و به تشویق شیخ نشینانی اقدام کرده است، که دیرینگی تاریخی آنان به نیم سده هم نمی‌رسد و در پی جعل هویت برای خود هستند. ما دانشجویان ضمن این که خواهان یگانگی همه مسلمانان جهان می‌باشیم، بی‌زاری خود را از حرکت غیولمی، غیرمنطقی و نادرست مؤسسه نشنال جئوگرافیک غلام می‌نماییم. (۱۳)

۸-۱- انجمن علمی ژئوپولیتیک

انجمن علمی ژئوپولیتیک ایران به عنوان یک انجمن علمی در زمینه جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک، اقدام اخیر مؤسسه نشنال جئوگرافیک، مبنی بر نوشتن نام ساختگی خلیج عربی

در کنار نام «خلیج فارس» و تغییر نام جزیره‌های ایرانی کیش، بوموسی، تنب، بگو و تنب کوچک در انتشار اطلس جغرافیایی جهان را به شدت محکوم کرده و آن را حرکتی سیاسی و جانبدارانه بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های تاریخی ارزیابی می‌کند.

با توجه به این که اقدام اخیر مؤسسه معیار بامصوبه رسمی سازمان ملل متحد در تثبیت نام «خلیج فارس» در اسناد و مدارک رسمی است. از این رو به مجامع علمی و دانشگاهی ایران توصیه می‌شود از خریداری و بهره‌گیری از اطلس مورد نظر خودداری کنند. (۱۴)

۹-۱- انجمن نویسندگان و عکاسان ورزشی

انجمن نویسندگان، خبرنگاران و عکاسان ورزشی، اقدام سؤال برانگیز برخی از شبکه‌ها و رسانه‌های ورزشی خارجی در دگرگون ساختن نام خلیج فارس را به شدت محکوم کرده و نویسندگان و گزارشگران ورزشی ایران را به تلاش همه جانبه در جهت خنثی کردن این حرکت موزیانه فراخوانده است. (۱۵)

۱۰-۱- استادان و پژوهشگران

گروهی از استادان دانشگاه‌ها، نویسندگان، پژوهشگران، شطران، و... ایران، درباره جعل نام خلیج عربی به جای «خلیج فارس» در بیانیه‌ای غلام داشتند: نظر به اقلام تعجب‌آور و اشتباه بگو مؤسسه آمریکایی نشنال جئوگرافیک، در زمینه چاپ اطلس جغرافیایی با نام ساختگی و غیرحقوقی و با توجه به آن که «خلیج فارس» در یادهای مردم جهان و در تمامی اسناد و مدارک دولتی و علمی به همین نام خوانده شده است، همگام با ایرانیان سراسر جهان، غترضا شدید خود را نسبت به اقلام مؤسسه نامبرده در خواندن «خلیج فارس» با نام جعلی خلیج عربی، غلام نموده پوزش خواهی سریع و شفاف آن مؤسسه را درباره این اقدام خلاف قانون‌های پذیرفته شده جهانی خواهانیم. (۱۶)

۱-۱۱- کانون مدافعان حقوق بشر

حفظ و حراست از میراث گرانقدر فرهنگ بشری از چنان اهمیتی برخوردار است، که در بند ۲ ماده ۲۷ غلامیه جهانی حقوق بشر، آمده است: هر کس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی، فرهنگی و یا هنری خود، برخوردار شود.

کانون مدافعان حقوق بشر با بیان این مطلب، طی بیانیه‌ای افزوده است: پذیرفتنی نیست که بدون توجه به روشنی‌های علمی و جغرافیایی، نام ساختگی را بر خلیج فارس بگذاریم، زیرا گذشته از آن که با روشنی‌های تاریخی در تضاد و تغلر قرار می‌گیرد، منافع معنوی و فرهنگ صاحبان حقیقی آن را مورد تهدید قرار می‌دهد، کانون مدافعان حقوق بشر خواسته است که با توجه به بند ۲ ماده ۲۷ غلامیه جهانی حقوق بشر، که مشارکت جامعه بین‌المللی را به حفظ و نگهداری میراث بومی و فرهنگی بشریت خواسته است، در این زمینه به گونه جدی و تأثیر پذیر اقدام کنند. (۱۷)

۱-۱۲- کاربران ایرانی

مؤسسه نشنال جئوگرافیک در اقدامی بی سابقه در اطلس جغرافیایی ۲۰۰۵ م، خود به نام ساختگی خلیج عربی را درون پرانتز در کنار نام همیشگی «خلیج فارس» قرار داد و این امر منجر به غترضا مردم ایران شد.

پس از انتشار این خبر، سایت «پرشین بگلد» بگوترین سرویس دهنده و بگلد فارسی، برای نخستین بار با ثبت یک غترضا اینترنتی در سایت «هترضا» نسبت به تحریف نام خلیج فارس، حرکت خود را آغاز کرد.

تادی ماه ۱۳۸۳ ه.ش، بیش از ۸۵ هزار کار بر اینترنتی این غترضا نامه را امضا کرده و خواستار عذرخواهی مؤسسه نشنال جئوگرافیک و تصحیح این تحریف تاریخی شده‌اند. (۱۸)

۱-۱۳-۱- نام‌گذاری‌ها

۱-۱۳-۱- روز خلیج فارس

انجمن مفاخر معماری ایران در نامه‌ای به رئیس جمهوری اسلامی ایران، خواستار تعیین روزی به نام روز خلیج فارس شد و نوشت: نام خلیج فارس در درازای تاریخ پویای ایران همواره مورد تأیید و پذیرش دانشمندان، جغرافی دانان، حکومت‌ها و دولت‌ها بوده است و با وجود چیرگی استعمار و فراز و نشیب تاریخ، هیچ‌گاه سعی در تغییر و تکذیب این نام نشده است. (۱۹)

۱-۱۳-۲- موزه خلیج فارس

ساخت موزه بگو خلیج فارس در ردیف طرح راه‌اندازی ده موزه بگو ایران قرار گرفته است و چون تنها تمدن موجود در کناره خلیج فارس از گذشته دور، تمدن ایران بوده است، به همین دلیل، نام آن را «خلیج فارس» گذاشته‌اند. (۲۰)

۱-۱۳-۳- بزرگراه خلیج فارس

در جلسه روز ۱۵ دی ماه ۱۳۸۳ ه.ش، شورای شهر بخشی از آزاد راه تهران - قم، حدفیل میدان جهاد تا فرودگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) را با نام «بزرگراه خلیج فارس» نام‌گذاری کرد. (۲۱)

۱-۱۳-۴- کشتی خلیج فارس

نام خلیج فارس با جایگاه فرهنگی ایران پیوند مستقیم دارد و کشتی رانی جمهوری اسلامی ایران در واکنش به جریان جعل تاریخی برای خدشه به مرزهای هویتی ایران، بگوترین کشتی فله بر ناوگان بازرگانی را که یک کشتی پاناما کس ۷۵ هزارتنی است، به نام خلیج فارس نام‌گذاری کرده است. (۲۲)

۱-۱۳-۵- سالن تئاتر خلیج فارس

با پیشنهاد گروه تئاتر حرفه‌ای‌ها و با موافقت رئیس فرهنگسرای نیاوران، سالن طلی این فرهنگسرا به نام «خلیج فارس» نام‌گذاری شده است. (۲۳)

۱-۱۴- ایرانیان ساکن آمریکا

جدا از تمامی ایرانیانی که در سراسر جهان نامه‌ عتر ضا به نشریه‌ نشنال جئوگرافیک را امضا کرده‌اند، ۳۶ تشکل ایرانی‌های ساکن آمریکا نیز به این جریان پیوسته‌اند. گردهمایی نماینده‌ این تشکل با مسؤولان این نشریه در فضایی صمیمانه برگزار گردیده و از طریق آن، برای چندمین بار مدیران نشریه‌ نشنال جئوگرافیک به خاطر بهره‌گیری از نام ساختگی خلیج عربی در کنار خلیج فارس، مورد عتر ضا قرار گرفتند. جدا از خلیج فارس، بهره‌گیری از نام عربی قیس به جای کیش در نقشه‌ این مجله نیز با عتر ضا ایرانیان عضو NIAC رو به رو شده نام‌های جعلی، در نسخه‌ Online اطلس مربوطه درست شده و در هشتمین نسخه چاپ اطلس نیز درست خواهد شد. (۲۴)

۱-۱۵- استادان لبنانی و آمریکایی

۱-۱۵-۱- بیضون

ابراهیم بیضون، استاد دانشگاه لبنان، گفته است: نام خلیج فارس در همه‌ آثار و نوشته‌های بگو اسلامی بر آن تأکید شده و ریشه در تاریخ دارد. ابن خلدون، تاریخ نگار بگو اسلامی در کتاب العبر، وادریسی در کتاب نزهه الافاق تصویرهایی از این منطقه را به چاپ رسانده و از خلیج فارس با نام دریای پارس یاد کرده‌اند. بهره‌گیری از نام خلیج فارس تا سده‌ بیستم نیز در آثار تاریخ نگاران عرب رواج داشته است. (۲۵)

۱-۱۵-۲- مولانا

پروفیسور مولانا، رئیس بخش ارتباطات دانشگاه آمریکن آمریکا، با اشاره به اقدام نشریه آمریکایی نشنال جئوگرافیک گنجاندن نام خلیج عربی در کنار خلیج همیشه فارس، گفته است: این اقدام نشریه که از نشریه‌های انجمن ملی جغرافیای آمریکاست، جزئی از یک توطئه استکباری با موضوع ایران زدایی در منطقه است و ملت و دولت ایران بایستی آن را در نطفه خفه کنند و از توسعه آن جلوگیری به عمل آورند. ایجاد شبهه درباره نام‌هایی چون خلیج فارس، کار مشترک شماری از ناسیونالیست‌های عرب و امپریالیست‌های آمریکایی و اروپایی است، که از چند دهه پیش آغاز گشته و هدف آن ایجاد و تنش و ناامنی در منطقه است. این توطئه در مورد نام‌های ایرانی، هرگز محقق نشد و نتوانستند نام‌هایی بیگانه را بر هویت و ماهیت سرزمین‌های ایرانی تحمیل کنند. (۲۶)

۱-۱۶- ایرانیان

۱-۱۶-۱- سیدمحمد رضا فهمیزی، پژوهشگر مسایل خلیج فارس، بر این باور است، که خلیج فارس همواره یکی از مهم‌ترین مناطق جهان از نظر ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک است و اسناد و مدارک بسیاری درباره پیشینه تاریخی نام آن وجود دارد. از سده ۷ پ. م، جغرافی دانان یونان باستان، چون تالس، اناکسی ماندر، هکاتئوس ملطی، اراتوستن، استرابون، در آثار خود، از آب‌های جنوب ایران به نام «خلیج فارس» یاد کرده‌اند. افزون بر آن، در آثار جغرافی دانان و تاریخ‌نگاران عرب نیز از خلیج فارس نام برده‌اند. (۲۷)

۱-۱۶-۲- پادنیا عباسپور نیز درباره آب‌های جنوب ایران و جعل نام آن، می‌گوید: مردم از هزاران سال پیش، آب‌های جنوب ایران را «خلیج فارس» نام نهاده‌اند، ولی طراحان نقشه انجمن نشنال جئوگرافیک گفته‌اند که شماری از آژانس‌های ارتش آمریکا، از نام ساختگی و نادرست خلیج عربی برای آب‌های جنوب ایران بهره‌گیری می‌کنند. به همین بهانه آن‌ها در هشتمین ویرایش اطلس جهان، نام جعلی خلیج عربی را دون پرانتز زیر نام رسمی «خلیج فارس»

آوردند. کاری که عترضا شدید همه ایرانیان را برانگیخت. دولت ایران هم ورود فرآورده‌ها و نویسندگان مؤسسه نشنال جئوگرافیک را تا هنگامی این قضیه درست شود، به درون ایران ممنوع کرد.

این احساسات غرور و تعصب ژرف ایرانیان را نسبت به فرهنگ دیرین شان انعکاس می‌دهد و نشانگر ژرفای علاقه شان به سرزمین مادری شان است. مؤسسه نشنال جئوگرافیک هزاران ایمیل را در مورد این موضوع دریافت کرده و در سایت آمازون هم صدها نظر خوانندگان در مورد این اطلس ۱۶۵ دلاری نوشته شده که بیش تر آن‌ها از ایرانیان خشمگین بوده است. (۲۸)

۱-۱۶-۳- علی رضا قصری، پژوهشگر در زمینه خلیج فارس و پیرامون آن نوشته است: مؤسسه آمریکایی نشنال جئوگرافیک در اقدامی شگفت‌انگیز، نام جعلی خلیج عربی را در کنار نام درست و ریشه دار «خلیج فارس» قرار داده و کشورهای عربی منطقه خلیج فارس نیز با رضایت خاطر به تماشای این تغییر نشست‌اند.

دهه ۱۹۷۰ م، هنگامی که اسرائیل تلاش کرد در یکی از نشست‌های سازمان ملل متحد نام خلیج عقبه را به خلیج ایلید تغییر دهد، نمایندگان ۲۲ کشور عربی به نشانه عترضا برخاستند. عترضا آنان این بود، که چنین پیشنهادی جنبه نژاد پرستانه دارد و برخلاف تمام طول جغرافیایی و نژادی است.

امروز، همان دولت‌های عربی در برابر ماجرای همانندی قرار گرفته‌اند. با این تفاوت که در ماجرای خلیج عقبه زبان می‌دیدند و به باور خود در داستان خلیج فارس بهره‌مند می‌شوند. اینک آیا تغییر نام «خلیج فارس» با طول جغرافیایی و نژادی مغایرت ندارد؟ (۲۹)

۱-۱۶-۴- سید عباس احمدی درباره آب‌های جنوب ایران و نام طیل خلیج فارس می‌گوید: واکنش مردم ایران در عترضا به تغییر نام خلیج فارس یا نهادن نام عربی در کنار نام کهن و رسمی آن، نشان از به چالش کشیده شدن جدی بخشی از هویت ایرانیان دارد. اکنون ایرانیان احساس می‌کنند نامی که سال‌ها و سده‌های دراز با آن خو گرفته بوده‌اند و با آن به جهان آمده‌اند، با آن زندگی کرده‌اند و با آن خواهند مرد، این بار نه از سوی اتحادیه عرب و نه از سوی

مراکز سیاسی و تبلیغاتی غرب، که از سوی مؤسسه معتبر، مشهور، علمی و پژوهشی جهان «مؤسسه نشنال جئوگرافیک»، مورد تحریف قرار گرفته است. آیا می‌شود این گرایش درونی و ذاتی انسان را که نیاز دارد با جایی یا چیزی شناخته شود و آن پدیده را سرچشمه هستی خود در نظر گیرد، نادیده گرفت. اگر نمی‌شود، پس چگونه بایستی با آن‌ها که به پیرامون هستی یک ملت و کشور کهن، ریشه دار و با فرهنگ دست اندازی می‌کنند برخورد کرد؟ بنابراین، شایسته است هر ایرانی به هر روشی که برایش ممکن است، در نگهداری هستی ایرانی خلیج فارس تأثیر پذیر باشد. (۳۰)

۱-۱۶-۵- حسین رضانی مردی، پژوهشگر مسایل خلیج فارس نیز نوشته است: پس نشینی مؤسسه نشنال جئوگرافیک آمریکایی از به کار بردن نام ساختگی خلیج عربی به جای نام همیشگی خلیج فارس، خبری دلپذیر و خوش آیند برای مردم ایران و بازماندگان این نام و این تاریخ و فرهنگ کهن است. اما این پیروزی مقطعی نبایستی ما را در خوشی فرو برد. اگر تاریخ را بازنگری کنیم، درمی‌یابیم که این حرکت بیدادگرانه، ریشه‌ای استعماری با تاریخی چند دهه دارد؛ در دهه ۱۹۷۰ م، نیز نشریه رسمی و دولتی «تجارت و صنعت» انگلستان در شماره ۷ نوامبر خود، از واژه ساختگی و غیرقانونی خلیج عربی بهره‌گیری کرد، که آن زمان نیز واکنش سریع دولت ایران سبب پس نشینی آنان شد. اما شاهد هستیم که پس از گذشت سال‌ها این خلیج همیشه فارس دوباره مورد دست اندازی قرار گرفته است.

بنابراین نبایستی ماجرا را پایان یافته بدانیم، بلکه بایستی از هم اکنون به اندیشه چاره‌ای اساسی باشیم، زیرا خلیج فارس یک نام تاریخی است. نام‌های تاریخی تنها بیانگر جایگاه جغرافیایی یک سرزمین یا هویت مردمی که در آن دیار می‌زیند، نیستند، بلکه این نام‌ها پشتوانه تاریخ و فرهنگ همه قوم‌ها و ملت‌ها هستند، که در یک جای جغرافیایی یا پیرامون آن، در درازای تاریخ با هم آمیزش، داد و ستد فرهنگی و تاریخی داشته‌اند.

خلیج فارس تنها یک نام برای یک حوزه آبی نیست، هویتی تاریخی و فرهنگی است، که با پیشینه کهن خود، نه یک خلیج که اقیانوسی از فرهنگ است و از ارمنیان و ارمنستان و

گرجستان در شمال باختری ایران گرفته تا هند، در آن سوی فلات پامیر به آن وابسته‌اند. اگر این پهنه فرهنگی را نپذیریم، دست کم به خاطر نام آن، نمی‌توانیم مردم فارسی زبان افغانستان و تاجیکستان را از خلیج فارس جدا بدانیم. نام خلیج فارس از لحاظ تاریخی و فرهنگی و سیاسی، شناسای هویت یکی از ملت‌ها و زبان‌های ساکنان کرانه‌های آن است. بنابراین، با توجه به گستردگی فرهنگ، زبان و ادب پارسی، دست کم به ایران، افغانستان و تاجیکستان تعلق دارد و با اندکی آسان گرفتن می‌توان همهٔ بازماندگان فرهنگ و ادب پارسی را از گرجستان کنارهٔ دریای سیاه گرفته تا هندوستان کنار اقیانوس هند، وارث آن دانست. (۳۱)

۱-۱۶-۶- محمود محمدی، پژوهشگر و سیاستمدار و نظریه پرداز سرشناس بر این باور است: تمامی اسناد معتبر سازمان‌های جغرافیایی جهان از دیرین‌ترین تا جدیدترین آن نام درست ثبت شده، به ویژه در سازمان‌های بین‌المللی و سازمان ملل متحد، خلیج فارس بوده و هست. خلیج فارس یک نام با استدلال‌های تاریخی، سیاسی، حقوقی و جغرافیایی است. این که برخی از همسایگان ایران به عنوان اهرم سیاسی بخواهند از عنوان ساختگی خلیج عربی به جای خلیج فارس بهره‌گیری کنند، اندیشه‌ای پان عربیستی است، که در آن قومیت‌گرایی تبلور یافته و همین امر خود دلیلی برای مردود بودن آن است. به هر حال بر هر چیزی به لحاظ سیاسی شاید بتوان نام ساختگی گذاشت، ولی آن چیزی که حقیقی، حقوقی و ثبت شده در مدارک معتبر جهانی بوده و هست، نام «خلیج فارس» است و چنین اقدام‌هایی راه به جایی نمی‌برد. (۳۲)

۱-۱۷- مرکز تحقیقات سیاسی و استراتژیک الاهرام

دکتر عبدالمنعم سعید، رئیس مرکز تحقیقات سیاسی و استراتژیک الاهرام کشور مصر، که همراه با هیأتی از این مرکز برای میزگرد روابط ایران و مصر، به تهران سفر کرده بود، در دومین و آخرین بخش از گزارش سفر خود، به تهران سفر کرده بود، در دومین و آخرین بخش از گزارش سفر خود، به مواردی اشاره می‌کند، که به برخی از آن‌ها، اشاره می‌شود:

(۱) وجود نمایشگاهی از اسناد در این مرکز در مورد خلیج فارس که به گفتهٔ او تمامی

نقشه‌ها از زمان یونان باستان و حتی نقشه‌هایی که توسط عرب‌ها ترسیم شده‌اند، نام «خلیج فارس» دارند.

۲) وی می‌گوید: من طلاً نسبت به حالت «هوس عربی» در نامیدن این خلیج به خلیج عربی، با وجود این که هیچ نقشه‌ای در جهان، در خاور و باختر، از دوستان یا دشمنان ایران، آن را جز خلیج فارس ننامیده‌اند، هیچ حماس هلاقه‌مندی و رغبتی ندارم و به نظر من، تلاش‌های برادرانی از محمستین هلاقمندان)) به قومیت عربی پیرامون نامیدن آن به خلیج فارس -عربی یا خلیج اسلامی یا حتی تنها خلیج، گونه‌ای تعامل و برخورد غیرحیکمانه با حقایق تاریخی و جغرافیایی است. (۳۳)

پی نوشت

- ۱- روزنامه همشهری، سال ۱۲، شماره ۳۴۴۶، ۳ مردادماه ۱۳۸۳، ص ۱۷-۱۸.
- ۲- همان روزنامه، سال ۱۳، شماره ۳۵۹۰، ۳ دی ماه ۱۳۸۳، ص ۲۶.
- ۳- روزنامه ایران، سال ۱۰، شماره ۳۰۱۴، ۹ دی ماه ۱۳۸۳، ص ۱.
- ۴- روزنامه همشهری، سال ۱۳، شماره ۳۵۸۷، ۳۰ آذرماه ۱۳۸۳، ص ۲۶.
- ۵- همان روزنامه، سال ۱۳، شماره ۳۵۹۷، ۱۰ دی ماه ۱۳۸۳، ص ۲.
- ۶- روزنامه ایران، سال ۱۰، شماره ۳۰۲۰، ۱۵ دی ماه ۱۳۸۳، ص ۳.
- ۷- روزنامه کیهان، شماره ۱۸۱۳۱، ۸ دی ماه ۱۳۸۳، ص ۳ و شماره ۱۸۱۰۳، ۳ آذرماه ۱۳۸۳، ص ۳.
- ۸- روزنامه ایران، سال ۱۰، شماره ۲۹۸۴، ۸ آذرماه ۱۳۸۳، ص ۲۱ و شماره ۳۰۱۲، ۷ دی ماه ۱۳۸۳، ص ۲.
- ۹- روزنامه کیهان، شماره ۱۸۱۰۹، ۱۰ آذرماه ۱۳۸۳، ص ۳.
- ۱۰- روزنامه ایران، سال ۱۰، شماره ۳۰۱۳، ۸ دی ماه ۱۳۸۳، ص ۲.
- ۱۱- روزنامه کیهان، شماره ۱۸۱۲۰، ۲۵ آذرماه ۱۳۸۳، ص ۱۴.
- ۱۲- روزنامه همشهری، سال ۱۳، شماره ۳۵۸۷، ۳۰ آذرماه ۱۳۸۳، ص ۴.
- ۱۳- روزنامه کیهان، شماره ۱۸۱۲۰، ۲۵ آذرماه ۱۳۸۳، ص ۶.
- ۱۴- روزنامه کیهان، شماره ۱۸۱۱۴، آذرماه ۱۳۸۳، ص ۲.
- ۱۵- روزنامه همشهری، سال ۱۳، شماره ۳۵۸۷، ۳۰ آذرماه ۱۳۸۳، ص ۲۵.
- ۱۶- روزنامه کیهان، شماره ۱۸۱۱۱، ۱۲ آذرماه ۱۳۸۳، ص ۳.
- ۱۷- روزنامه همشهری، سال ۱۳، شماره ۳۵۹۳، ۶ دی ماه ۱۳۸۳، ص ۲.
- ۱۸- روزنامه همشهری، سال ۱۳، شماره ۳۵۹۳، ۶ دی ماه ۱۳۸۳، ص ۵.
- ۱۹- روزنامه همشهری، سال ۱۳، شماره ۳۶۱۷، ۳۰ دی ماه ۱۳۸۳، ص ۲.
- ۲۰- روزنامه ایران، سال ۱۰، شماره ۳۰۱۳، ۸ دی ماه ۱۳۸۳، ص ۲.

- ۲۱- روزنامه همشهری، سال ۱۳، شماره ۳۶۰۳، ۱۶ دی ماه ۱۳۸۳، ص ۳.
- ۲۲- روزنامه کیهان، شماره ۱۸۱۱۰، ۱۱ آذرماه ۱۳۸۳، ص ۴.
- ۲۳- همان روزنامه شماره ۱۱۸۰۲، ۴ مردادماه ۱۳۸۳، ص ۱۰.
- ۲۴- روزنامه همشهری، سال ۱۳، شماره ۳۵۹۳، ۶ دی ماه ۱۳۸۳، ص ۲۲.
- ۲۵- همان روزنامه، شماره ۳۵۷۰، ۱۰ آذرماه ۱۳۸۳، ص ۲.
- ۲۶- روزنامه کیهان، سال، شماره ۱۸۱۲۳، ۲۹ آذرماه ۱۳۸۳، ص ۱۴.
- ۲۷- روزنامه ایران، سال ۱۰، شماره ۲۸۵۸، ۳۰ تیرماه ۱۳۸۳، ص ۱۱.
- ۲۸- روزنامه همشهری، سال ۱۳، شماره ۳۵۷۴، ۱۴ آذرماه ۱۳۸۳، ص ۱۶.
- ۲۹- روزنامه ایران، سال ۱۰، شماره ۲۹۸۳، ۷ آذرماه ۱۳۸۳، ص ۷.
- ۳۰- همان روزنامه، سال ۱۰، شماره ۳۰۰۸، ۳ دی ماه ۱۳۸۳، ص ۷.
- ۳۱- همان روزنامه، سال ۱۱، شماره ۳۰۵۹، ۲۷ بهمن ماه ۱۳۸۳، ص ۱۴.
- ۳۲- روزنامه همشهری، سال ۱۳، شماره ۳۶۴۹، ۱۱ اسفندماه ۱۳۸۳، ص ۸.
- ۳۳- دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران، قاهره، ۳ دی ماه ۱۳۸۱ ه. ش.

چکیده

آب‌های جنوب ایران از دریای سرخ تا کرانه‌های سند در پاکستان، در آثار تاریخی و جغرافیایی «دریای پارس» نامیده شده است. بخشی از این آب‌ها، که از تنگه هرمز به سوی باختر تا پیوستن‌گاه اروندرود و بهمن شیر کشیده شده است، «خلیج فارس» نام دارد و بخش دیگر، که از تنگه هرمز به سوی خاور تا پیوستن‌گاه رود سند ادامه دارد، «دریای مکران» یا دریای عمان نامیده می‌شود.

خلیج فارس کهن‌ترین دریایی است، که انسان شناخته است. ساکنان پیرامون آن، نخستین انسان‌هایی بوده‌اند، که با هنر دریانوردی آشنا شده و به کشتی‌رانی پرداخته‌اند و دریانوردی و دست یافتن بر این راه آبی، انگیزه پیدایی و رشد فرهنگ بازرگانی دریایی و پیدایی امپراتوری‌های: عیلام، آکاد، سومر، کلد، بابل، آشور، ماد و پارس شد.

خلیج فارس از باستان تا امروز، همواره یکی از ارزشمندترین راه‌های دریایی جهان چه از دیدگاه اقتصادی و چه از دیدگاه انتقال فرهنگ‌های سرزمین‌های گوناگون، بوده است. هم‌چنین به خاطر قرار گرفتن بر سر راه‌های بگو بازرگانی میان باختر و خاور، برخورداری از جایگاه استراتژیک و نیز به عنوان یکی از نقاط برخورد فرهنگ‌های بگو جهان، همیشه برای کشورهای بگو و استعمارگر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است.

پایه پیدایش زبان‌ها، نام‌گذاری و جدا کردن پدیده‌های طبیعت از یکدیگر بوده است و نام‌های جغرافیایی، بخشی از تاریخ، جغرافیا، اساطیر، فرهنگ و آیین‌های یک ملت و به بیان دیگر، شناسنامه کشورهای و ملت‌ها هستند و نگاهبانی از آن‌ها، هم‌چون نگاهداری از آثار باستانی، به عنوان اندوخته‌ها و میراث انسانی، بایسته است. به همین رو، هرگونه تغییر یا برهم زدن نام‌های تاریخی کهن، همانند ویران کردن آثار باستانی، گام‌های نکوهیده است.

درباره خلیج فارس، این نیرنگ به دو گونه به کار بردن نام ساختگی و نام نادرست، به جای نام درست آن، انجام می‌گیرند. در این گفتار، سعی بر این است، که بررسی کوتاهی درباره نام

خلیج فارس انجام شود و به روشن شدن هرچه بیش تر درستی‌ها، کمک گردد.

آثار باستانی بر جای مانده از شهرهای کرانه‌ای خلیج فارس، بیانگر وجود فرهنگی ۶ هزار ساله در کرانه‌های این دریاست. ولی آثار نوشتاری بر جای مانده، حدود ۳ هزار سال دیرینگی دارند و از دوران فرهنگ عیلامی‌ها، مادها، آشوری‌ها، دراویدی‌ها و پیشدادیان تا پیش از حکومت پارس‌ها، تاریخ روشنی از فرهنگ در کرانه‌های خلیج فارس وجود ندارد. تنها در دوران امپراتوری توانمند و پهناور پارس است، که خلیج فارس شهرت جهانی می‌یابد.

پژوهشگرانی که درباره نام خلیج فارس پژوهش نموده‌اند، هم سخن هستند که نام خلیج فارس در تمامی هزاره‌ها، در گذر ۲ هزار و ۵۰۰ سال گذشته، نامی یگانه، جهانی و بدون مخالف بوده است و در خاورمیانه بر روی کم‌تر نامی در دوران‌های گوناگون تاریخی چنین یگانگی، در میان همه نویسندگان و تاریخ نگاران وجود داشته است.

سرآرنولد ویلسن انگلیسی، در کتاب خلیج فارس خود، نوشته است: «هیچ آبراهی چه در گذشته و چه در حال حاضر، برای تاریخ و جغرافیادانان، سیاستمداران، پژوهشگران و جهانگردان، اهمیتی بیش تر از خلیج فارس نداشته است. این آبراه که فلات ایران را از عربیای جدا می‌سازد، از حداقل ۲ هزار و ۲۰۰ سال پیش، از هویت ایرانی برخوردار است.»

از سوی دیگر بعضی وقت‌ها تجزیه و تحلیل یک نام تاریخی به پی بردن بسیاری از گمشده‌های ادبی، فرهنگی و علمی کمک می‌کند و از این راه می‌توان دریافت، که چگونه و چرا واژه «پارس» (دریای پارس) در زبان‌های مهم جهان، به گونه‌هایی چون در عربی «خلیج الفارس»، در انگلیسی «پرشن گلف»، در چینی «بوشی وان»، به اسپانیولی و پرتغالی و ایتالیایی «گلفو پرسیکو» در ژاپنی «پروشاون»، در فرانسه «گلف پرسیک»، در آلمانی «پرسیشر گلف»، در لاتین «پرسیکن کیتاس»، در یونانی «پرسیکوس سینوس» و «آکواریوم پرسیکوس» و «سینوس پرسیکوس»، هلندی «پرزیشه گلف» در روسی «پرسیدسکی زالیو».

از دوران پیش از امپراتوری پارسی نیز، تاریخ و فرهنگ شفاهی نشان می‌دهد، که ایرانیان پیش از امپراتوری پارسی نیز، آب‌های جنوب ایران را «دریای جم»، «دریای ایران» و

دریای پارس می‌گفته‌اند. از سال‌های ۵۵۹ تا ۳۳۰ پیش از میلاد، که دوران حاکمیت امپراتوری پارس بر تمامی خاورمیانه و به ویژه تمامی خلیج فارس و بخشی از شبه جزیره عربی است، نام دریای پارس، به گونه گسترده در متن‌های گردآوری شده، نوشته شده است، دیرین‌ترین سفرنامه از فیثاغورس است، که فصل ۱۰۲ تا ۱۱۰ آن گزارش سفرهای وی به شوش بوده و سپس به همراه داریوش بگرو هخامنشی، به پرسپولیس رفته و به گزارش آن پرداخته است. نوشته دیگر این دوران، سنگ‌نوشته‌های داریوش بگرو، در مصر است، که یکی از آن‌ها درباره کندن کانال نیل یا سوئز، از سده پنجم پیش از میلاد می‌باشد، که در کرانه‌های رود نیل پیدا شده است و داریوش در آن، این آبراه را «دریای پارسه» نامیده است. در سنگ‌نوشته‌های تخت رستم و شهر پارسه نیز، از این پهنه آبی، در حاکمیت پارس‌ها، یاد شده است.

هم‌چنین دانشمندان، جهانگردان و جغرافیادانان بسیاری، از جمله «آنا کسی ماندرا ملطی» (۶۱۲-۵۴۶ پ.م)، «فیثاغورس» (۶۰۸-۵۰۹ پ.م)، «هرودوت» (۴۸۴-۴۲۵ پ.م)، «کتزیاس» (۴۴۵-۳۸۰ پ.م) «گزنوفون» (۴۳۰-۳۵۲ پ.م)، «کلودیوس پتولمه یا بطلمیوس» (سده ۲م) و ده‌ها دانشمند دیگر، به گونه‌ای به نام خلیج فارس اشاره نموده‌اند. هم‌چنین در سده نخست میلادی، برای نام کنونی اقیانوس هند، نام دریای «اریاتراس» (شاهزاده پارسی فرزند میوزایوس) و برای کرانه‌های عمان دریای پارس و برای دریای سرخ، خلیج عرب و برای کرانه‌های مکران، دریای مکران نیز به کار رفته است.

عرب‌ها در دوران پیش از میلاد، بیش‌تر در حجاز، یمن و کرانه‌های دریای سرخ سکونت داشته و با خلیج فارس آشنایی چندانی نداشتند. آشنایی عرب‌ها با دریای پارس، در زمان اردشیر ساسانی آغاز شد و لشکرکشی وی به یمن، برای سرکوب حبشیان، انگیزه افزایش رفت و آمدهای آنان به کرانه‌های خلیج فارس گردید. با برآمدن اسلام و گسترش آن به فلات ایران، برکوجبیدن عرب‌ها به کرانه‌های خلیج فارس، افزوده شد.

در آغاز دوران اسلامی، دانشمندان دینی عرب، آب‌های جنوب خلیج فارس را «بحر فارس» می‌نامیدند و با این تصور، که این نام، وابسته به صحابی بگرو «سلمان فارسی» است و

پیامبر عظیم این نام‌گذاری را به پاس خدمات‌های او انجام داده است، در پاسداری از این نام کوشش داشتند. از اوایل اسلام تا یورش مغول، در بیش از ۳۰ کتاب تاریخی، تفسیر، اخلاق و فقه دانشمندان مسلمان، نام و گزارش خلیج فارس وجود دارد، که از جمله آن‌ها می‌توان به کتاب‌های: البلدان یعقوبی، فتوح الشام، فتح العجم، ریحان النفوس، اخبار الطوال، تاریخ بلعمی، الكامل ابن اثیر، ابن فقیه همدانی، استخری، ابن حوقل، مسعودی و یاقوت حموی اشاره کرد. روزگار مغول و ایلخانی نیز، که نام بسیاری از مکان‌های جغرافیایی تغییر کرد، نام «خلیج فارس» هم چنان بدون تغییر بر جای ماند و محمد بن قزوینی، شمس‌الدین الانصاری دمشقی، حمدالله مستوفی، عبدالله کاتب چلبی قسطنطنی، نویسندگانی بودند، که درباره خلیج فارس سخن گفته و جستارهایی نوشته‌اند.

«ژوزه مانوئل گارسیا» استاد و عضو جامعه جغرافیایی پرتغال، در مقاله پژوهشی نوشته است، که ترسیم نخستین نقشه‌ها به روش جدید، به سال ۱۵۰۱ میلادی، باز می‌گردد، و از آن زمان تا کنون، همواره نام این دریا، در نوشته‌ها و اسناد رسمی و غیررسمی پرتغال، خلیج فارس آمده است. در سال ۱۵۰۱ م، در دوران صفوی، نخستین پرتغالی‌ها وارد خلیج فارس شدند و نقشه‌هایی تهیه کردند. در این دوران، به مدت یکصد سال در پرتغال، برای پادشاه، نام «امپراتور پرتغال، آفریقا و پارس» به کار می‌رفته است. در این دوران، با ارزش‌ترین و کامل‌ترین نقشه‌های خلیج فارس تهیه شده، که بسیاری از آن‌ها در گنجینه‌ها به نام میراث انسانی نگهداری می‌شوند. پس از پرتغالی‌ها، هلندی‌ها از سال ۱۶۲۳ تا ۱۷۶۶ م، در خلیج فارس حضور داشتند و در تمامی نامه نگاری‌های این دوره و حتی در نوشته‌هایی که در دوره حضور فرانسوی‌ها در خلیج فارس انجام شده، همواره از نام درست خلیج فارس بهره‌گیری شده است.

کار توگراف‌ها نیز در این دوره، نام خلیج فارس را به کار برده‌اند و در نخستین دانشنامه‌ها، و نخستین اطلس‌های فرانسوی، خلیج فارس به کار رفته است.

از سال ۱۵۰۷ تا ۱۹۶۰ م، در تمامی قراردادها و پیمان‌هایی که پرتغالی‌ها، اسپانیایی‌ها، هلندی‌ها، فرانسوی‌ها، بلژیکی‌ها، آلمان‌ها، انگلیسی‌ها و روس‌ها، با دولت ایران و یا هر کشور، یا

واحد سیاسی و یا امیران تابع خود، در منطقه امضا کرده‌اند، در زبان‌های گوناگون، واژگان هم‌رده خلیج فارس به کار رفته است. بیش از ده مورد از این گونه قرار داده‌ها، که میان کشورهای چون کویت، عربستان، عثمانی، عمان، امارات متصالحه، هم به زبان عربی و هم انگلیسی تدوین یافته‌اند، نام خلیج فارس به کار رفته است.

در تمامی نقشه‌ها و اطلس‌های مهم تاریخی، چه در سده‌های پیش و چه پس از میلاد، و چه در دوره مغلر، شاه‌راه آبی جنوب ایران، با نام خلیج فارس ثبت شده است. در کشورهای غیر عربی کم‌تر و آن هم در اثر اشتباه و یا امیدوار ساختن، گاهی نام ساختگی به کار می‌رود، ولی هنوز با وجود هزینه سنگین بعضی کشورهای عربی، رسانه‌های گروهی معتبر جهان، نام درست، طویل و تاریخی خلیج فارس را حفظ نموده‌اند. در کشورهای عربی نیز تا ۱۹۷۰ میلادی، در کتاب‌های درسی و نقشه‌های رسمی، همواره نام خلیج فارس به کار می‌رفت. مانند اطلس «العراق فی الخوارط القدیمه» دکتر احمد سوسه، المجمع العلمی العراقی، مطبعة المعارف، بغداد، ۱۹۵۹ م، که شامل ۴۰ نقشه از منابع عربی سده‌های میانه، با نوشتن خلیج فارس است. در درازای دهه ۷۰، کشورهای عربی درباره استوار ساختن اراضی خود نسبت به یکدیگر، نقشه‌های تاریخی را در رسانه‌های گروهی منتشر و گاهی به عنوان سند به دیوان بین‌المللی دادگستری ارائه نموده‌اند که در آن‌ها، خلیج فارس با همین نام ثبت شده است، از جمله در هواهای ارضی قطر و بحرین، عربستان و یمن و عمان، نام خلیج فارس وجود دارد. جالب این که، یکی از مهم‌ترین اسنادهای کویت، که در اطلس‌های تهیه شده به چاپ رسیده است، نقشه ۱۷۶۲ م، کارستون نیبور دانمارکی است، که به نام نقشه‌های خلیج فارس چاپ شده است.

اسناد موجود در کتابخانه‌ها، گنجینه‌ها و آرشیوهای معتبر جهان، از جمله کتابخانه اسکندریه و قاهره و نقاشی‌هایی، مانند سقف گنبد کلیسای سنت پیترو واتیکان در شهر رم ایتالیا، از جمله نقشه مشهور ریچارد هالدینگان از سال ۱۲۸۵ م، که در گنجینه هر فورد بریتانیا نگهداری می‌شود و سی هزار لوح گلی تخت جمشید، نشان می‌دهد که واژه خلیج فارس از آغاز

تمدن در همه منابع و مراجع جهان، وجود داشته است. درباره «خلیج عربی» این نکته قابل یادآوری است، که در برخی نقشه‌ها و آثار تاریخی، به دریای میان شمال آفریقا و عربستان، خلیج عرب و دریای سرخ گفته و گاهی نیز به آب‌های کرانه‌ای عمان نیز، دریای عرب گفته شده است. هم‌چنین در خلیج فارس، خلیج‌های کوچکتری با نام‌های محلی وجود دارند، مانند خلیج بحرین، خلیج قطیف، خلیج بصره، خلیج کویت و... که نام آن‌ها کاربرد محلی دارد، ولی بر کل این دریا، همواره تنها واژه خلیج فارس اطلاق شده است. تمامی سازمان‌های جهانی، از جمله سازمان ملل متحد، از نخستین روزهای گشایش، همواره نام درست خلیج فارس را به کار برده‌اند. در سال ۱۹۷۱ م، برای نخستین بار در یکی از نامه‌نگاری‌های سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، اشتباهاً واژه ساختگی «خلیج عربی امارات» به جای خلیج فارس به کار رفت. برای ویرایش این اشتباه، بلافاصله دبیرخانه سازمان ملل متحد در نیویورک طی یادداشت شماره AD3II / IGEN مورخ ۵ مارس ۱۹۷۱ م، غلام کرد: رویه سازمان ملل متحد در درازای کوشش خود، تأکید بر نام درست خلیج فارس بوده است. در این یادداشت، ضمن تأیید موضع رسمی دولت ایران در پیوند با نام طلی «خلیج فارس» آشکارا نوشته شده است که رویه سازمان ملل به کار بردن نام درست، طلیل و تاریخی خلیج فارس است. در تأیید و پاسخ به نوشته‌ها و درخواست‌های دولت ایران برای کاربرد نام طلیل خلیج فارس در انتشارات و اسناد ارکان گوناگون سازمان ملل متحد و سازمان‌های وابسته به آن، می‌توان به ده‌ها یادداشت و نامه‌نگاری، اشاره کرد.

نتیجه

از تمامی جستارهایی که در پیش آورده شد، معلوم می‌گردد که آب‌های منطقه جنوبی ایران از ۲ هزار و ۵۰۰ سال پیش، خلیج فارس یا دریای پارس نام داشته و خلیج عربی به دریای سرخ اطلاق می‌شده است. این نام‌ها را نخستین بار رومی‌ها و یونانی‌ها بر این دو دریا نهاده‌اند و ایرانیان و عرب‌ها در این نام‌گذاری دخالتی نداشته‌اند.

جغرافیادانان عرب و مسلمان، این نام‌ها را از رومیان و یونانیان آموختند و در آثار خود به کار بردند، به ویژه که دریای پارس را با هم «خلیج فارس» یاد کرده‌اند.

نام جاوید خلیج فارس در همه زبان‌های زنده دنیا از دیرزمان تا کنون پذیرفته شده و همه کشورهای جهان، این دریای ایرانی را به زبان خود، خلیج فارس می‌خوانند و بدون آن که، هم‌کیشان عرب نژاد ما، در نامیدن خلیجی به نام خود، نیاز به تغییر نام خلیج فارس باشد. از ۲ هزار و ۵۰۰ سال پیش، خلیجی به نام ایشان، که در حال حاضر «بحر احمر» نام دارد، در آثار جغرافیایی و تاریخی پیشین آمده است و به کار بردن نام خلیج عربی برای دریای سرخ، دیرین‌تر از نامیدن خلیج فارس بوده است.

منابع

- ۱- افشار (سیستانی)، ایرج. نام خلیج فارس بر پایه اسناد تاریخی و نقشه‌های جغرافیایی، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۴.
- ۲- مجموعه مقالات سمینار بررسی مسایل خلیج فارس تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۷.
- ۳- اداره کل حقوقی بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۴- وزارت امور خارجه. نقشه‌های جغرافیایی و اسناد تاریخی خلیج فارس.
- ۵- رایین، اسمطیل. دریانوردی ایرانیان، جلد اول، تهران، تیرماه ۱۳۵۰.
- ۶- شاملو، محسن. خلیج فارس، تهران، بی‌نا، خرداد ماه ۱۳۴۷.
- ۷- شارب، زلف نارمن. فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی، تهران، شورای مرکزی جشن‌های شاهنشاهی، ۱۳۴۶.
- ۸- مشکور، محمد جواد. نام خلیج فارس در درازای تاریخ، تهران، اداره کل انتشارات وزارت اطلاعات و جهانگردی، اسفند ۱۳۵۵.
- ۹- افشار (سیستانی)، ایرج. نام دریای پارس و دریای مازندران...، تهران، کشتی‌رانی والفجر ۸، ۱۳۷۶.
- ۱۰- مدنی، احمد. محاکمه خلیج فارس نویسان، تهران، انتشارات توس، ۱۳۵۷.
- ۱۱- جمال‌زاده، سیدمحمعلی. نام خلیج فارس در هزار سال پیش، مجله یغما، سال ۱۷، شماره ۸، آبان ۱۳۴۳.
- ۱۲- گرزُن، جرج. ایران و قضیه ایران، جلد دوم، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.
- ۱۳- بوشهری، معین‌التجار. تذکره للمتقین، تفصیل جزیره هرمز، صورت احکام هیئت دولت مشروطه، تهران، شهر رمضان ۱۳۲۹ ه.ق.
- ۱۴- وادالار، ر. خلیج فارس در عصر استعمار، تهران، سحاب کتاب، آبان ماه ۱۳۵۶.
- ۱۵- ویلسن، سرآرنولد. خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.

خلیج فارس، شبه جزیره عربستان و اقیانوس هند
۱۵۴۲ میلادی، ترسیم: جون روترز

خلیج فارس (الخليج الفارسی) در نقشه جزیره العرب
سال ۱۹۵۲ میلادی، چاپ: عربستان سعودی

خلیج فارس (سینوس پرسیکوس) در نقشه ایران
سده‌ی: ۱۸ میلادی، ترسیم: ماتئی ستوتی

خلیج فارس در نقشه عراق
۱۹۳۰ میلادی - بغداد

خلیج فارس در نقشه تصویر زمین ادریسی
سده‌ی ۶ ه.ق در سال ۱۹۵۱ میلادی در بغداد به چاپ رسیده است.

خلیج فارس در نقشه پرشیا (ایران)
۱۷۹۴ میلادی، ترسیم: Whittle (ویتل)، چاپ لندن

نقشه قاره آسیا و هند شرقی
سده‌ی ۱۷ میلادی، اثر یوهان بابتیست هومان، چاپ نورمگرو

بحر فارس در نقشه جهان ابواسحاق ابراهیم استخری
متن فارسی، ۹۵۰ میلادی، نقل از کتاب مسالک و ممالک

خلیج فارس و جایگاه جغرافیایی (دریای سرخ)
سده‌ی: ۱۹ میلادی، محل چاپ: لندن

نقشه خلیج فارس، متن فرانسوی GOLPHE PERSIQUE
اواخر سده‌ی ۱۸ میلادی

نقشه ایران، گرجستان، تاتارستان
سده‌ی ۱۸ میلادی، اثر م. بن، متن فرانسه، چاپ پاریس

نقشه جدید ایران، سال ۱۸۰۱ براساس آخرین اطلاعات، اثر جان کری، چاپ لندن، حکاکی روی مس، نسخه طلی
رنگ‌آمیزی دستی

چهره تاریخی امپراتوری روم و بربرهای پیرامون آن و بخش شرقی (پارس)
سال ۱۷۰۵ میلادی، اثر گیوم دولیل

نقشه ایران، بخش بندی ایل‌ها
سال ۱۸۲۳ میلادی، اثر هنری فیشر، چاپ لندن

نقشه ایران، دریای مازندران در شمال و خلیج فارس در جنوب، حکاکی روی چوپ، نسخه طلی رنگ‌آمیزی دستی، سال ۱۵۳۵م، ترسیمی از روی نقشه بطلمیوس

نقشه دریای پارس ۱۵۹۶م، کلاریوس

نقشه خلیج فارس، ۱۷۲۰م، هومن و جان باپتیس

نقشهٔ خلیج فارس، ۱۷۱۱-۱۷۷۱م، تاردیوو پیرفرنچس

نقشه خلیج فارس، ۱۸۱۱م، جان پینکرتن

نقشهٔ خلیج فارس، ۱۷۹۰م، جکسن

نقشه خلیج فارس، ۱۷۹۴م، لوریه و بتل

نقشهٔ خلیج فارس، ۱۸۴۳م، جانستون

نقشه خلیج فارس، ۱۸۵۳م، پیتر جکسن

فهرست‌ها

نمایه

استخری، ابواسحاق ابراهیم ۹۳	آ
استرابون ۸۳، ۱۲۳	آبادان ۲۳، ۲۸، ۲۹، ۴۳، ۴۶، ۹۳، ۱۰۰
استرالیا ۲۱، ۲۲	آذربایجان ۷۰
اشکانیان ۳۷	آسیا ۲۲
طفهان ۵۶	آفریقا ۲۱، ۲۲
افشار، نادرشاه ۴۱، ۴۲، ۵۶	آمریکا ۲۱، ۱۱۹، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹
افشار (سیستانی)، ایرج ۳، ۱۵، ۲۵، ۲۶، ۲۸	آمیة، پیر ۴۹
۲۹، ۳۲، ۳۸، ۴۳، ۴۷، ۵۳، ۸۴، ۸۶	ابن بطوطه ۱۰۳
۱۱۲، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۸	ابن بلخی ۹۷
اقبال آشتیانی، عباس ۲۵	ابن حوقل ۹۴، ۹۵، ۱۲۴
اقیانوس اطلس ۵۵	ابن خرداد به ۸۹
اقیانوس هند ۱۴، ۲۱، ۲۲، ۳۱، ۴۵، ۶۹	ابن رُسته ۹۲، ۱۲۴
الهی قمشه‌ای ۹۲	ابن فقیه ۹۰
امارات عربی متحده ۳۵	ابن واضح یعقوبی ۸۹، ۹۰
امام خمینی ۴۷	ابوالفدا ۱۰۲، ۱۲۸
امیر ابراهیمی، عبدالرضا ۳۶، ۳۷، ۴۵، ۴۷	اتحاد جماهیر شوروی ۳۱
۴۹، ۵۵، ۵۶، ۵۹	احمدی، حمید ۴۵، ۴۶
امیرکبیر، میرزا تقی‌خان ۴۲	اردشیر اول ۵۰
انگلستان / بریتانیا ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۱۱۵، ۱۱۶	اروپا ۲۱، ۵۵
۱۱۸، ۱۱۹	اروند رود ۱۳، ۲۵، ۲۶، ۴۷، ۶۷
ایتالیا ۴۵	اسپانیا ۸۳
ایران ۱۳، ۱۴، ۲۴، ۳۱، ۳۲، ۳۵، ۳۸، ۴۰	اسپانیایی‌ها ۴۱

بوشهر ۲۸، ۳۶، ۳۹، ۴۳، ۴۹، ۵۶	۴۱، ۴۲، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۳
بوشهری، معین‌التجار ۱۰۹	۵۸، ۶۴، ۸۶، ۹۶، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۷
بهنام، جمشید ۵۶	۱۳۸، ۱۴۴
بیرونی خوارزمی، ابوریحان محمد بن احمد	
۹۴	ب
بین‌النهرین / میان رودان ۳۷، ۴۹	بابکان، اردشیر ۳۷
	بایندر، ناخدا غلامعلی ۴۵، ۴۶
پ	بحرین ۲۸، ۳۵، ۱۳۱
پاکستان ۱۳	بختیاری طل، فریبرز ۱۱۲، ۱۳۰، ۱۳۲
پرتغالی‌ها ۴۱، ۵۵، ۱۲۹	۱۳۷
پهلوی، رضاشاه ۴۵	بصره ۲۵، ۲۸، ۲۹، ۳۷، ۵۳، ۱۰۷
	بکران، محمد بن نجیب ۱۲۶
ت	بلگریو، سرچارلز ۱۱۴، ۱۱۵
تاورنیه، بارون ۱۱۶	بندر امام خمینی / بندر شاهپور ۴۵، ۴۶، ۵۹
تبریز ۵۵	بندر أم القصر ۳۱
تقی‌زاده ۲۴	بندر جاسک ۲۵، ۲۸، ۵۶
تکمیل همایون، ظفر ۲۵	بندر چارک ۲۹
تل‌المسخوته ۷۴، ۷۵	بندر حسینه ۲۹
تنگه هرموز ۱۳، ۲۱، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۴۰، ۴۶	بندر شهید رجایی ۲۹، ۳۰
تهران ۱۳۷، ۱۴۲، ۱۴۷	بندر ریگ ۲۹
	بندر سیراف / بندر طاهری ۴۰، ۵۲
ج	بندر عباس ۲۵، ۲۹، ۵۶
جزیره العرب ۳۸	بندر کنگ ۵۶
جزیره بوموسی ۲۹، ۴۷	بندر گناوه ۲۹، ۴۴
جزیره تَنب بگو ۲۶، ۴۶	بندر لنگه ۲۵، ۲۹
جزیره حَلو ۲۵، ۲۹، ۳۶، ۴۹، ۵۶، ۹۳	بندر ماهشهر ۲۹

۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۱،	جزیره سیلان ۳۷
۱۲۳، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲،	جزیره لاوان ۲۵
۱۳۳، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۴،	جزیره کیش ۲۹، ۴۰، ۱۰۶
۱۴۷	جزیره هرموز ۲۹، ۴۰، ۵۵، ۵۶
خلیج مکزیک ۱۴، ۶۴	جزیره هندرابی ۲۹
خلیلی، احمد ۳۱	جمال زاده، سید محمّد هلی ۱۱۴
خوزستان ۲۸، ۳۸، ۴۳، ۴۵، ۵۰	جولیوس سزار ۸۳
	جهرم ۲۵
د	
داریوش بگوهخامنشی ۳۶، ۵۰، ۷۳، ۷۴،	چ
۷۹، ۷۵	چین ۵۲، ۵۳
دبورین، ک.ا. ۴۵	
درویش زاده، علی ۲۱، ۲۴	ح
دریای پارس ۱۳، ۱۴، ۳۱، ۳۷، ۵۰، ۶۴، ۷۵،	حافظ نیا، محمد رضا ۲۵، ۲۶، ۲۸
۸۶، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۴،	
۱۰۶، ۱۲۳	خ
دریای چین ۱۴	خراسان ۴۰
دریای سرخ / بحرا حمر / خلیج عربی ۱۳،	خرمشهر ۲۳، ۲۵، ۲۸، ۲۹، ۴۶، ۵۹
۴۵، ۶۹، ۷۰، ۷۸، ۸۰، ۸۱، ۸۳، ۹۲،	خسرو انوشیروان ۳۸
۱۲۳، ۱۲۶، ۱۳۸	خلیج عدن ۲۲
دریای مازندران ۱۴، ۵۸، ۶۴، ۶۹، ۸۳، ۸۴،	خلیج فارس ۱۳، ۱۴، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۵،
دریای مدیترانه ۳۶	۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۰،
دریای مکران / دریای عمان ۱۳، ۲۱، ۲۲،	۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹،
۳۷، ۴۵، ۵۶، ۶۷، ۶۹، ۸۰، ۹۷، ۱۳۰،	۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۳،
دماغه امید نیک ۵۵	۶۴، ۶۷، ۷۰، ۷۳، ۸۰، ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۸۶،
دوستخواه، جلیل ۶۷	۸۹، ۹۲، ۹۶، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۱،

دیلمیان ۳۸	سیستان ۴۰
ر	ش
رائین، اسمطیل ۷۰، ۸۰، ۸۳، ۱۰۳	شاپوربان، عنایت‌الله ۵۰، ۵۸
رامهرمزی، ناخدا بگو شهریار ۹۳	شارب، زلف نارمن ۷۳، ۸۰
رایت، سردنیس ۱۱۸، ۱۱۹	شاملو، محسن ۳۶، ۷۰، ۸۱
رسایی، دریادار فرج‌الله ۴۵	شاهپور دوم ۵۰، ۵۲
رود دالکی ۲۶	شبه جزیره هندوستان ۲۲، ۵۶
رود کارون ۲۵، ۲۶، ۵۰	شوش ۳۶، ۴۹، ۵۰
رود کرخه ۲۶	شهریاری (بهرامی)، توران ۶۳
رود میناب ۲۶	شیخ خول ۴۵
رومی‌ها ۱۴، ۶۴، ۸۴	
ریشهر ۴۹، ۵۲	
ز	ص
زرین قلم، علی ۴۰	صفاریان ۵۳
زیدان، جرجی ۱۱۱، ۱۲۸	صفوی، شاه عباس بگو ۴۱، ۵۵، ۵۶
س	ط
سازمان ملل متحد ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۴۱	طه الهاشمی ۱۱۱
۱۴۷	
ساسانیان ۳۷، ۵۰، ۵۲، ۵۵	ع
سامی، علی ۷۳	عبدالکریم صبحی ۱۱۴
سمسار، محمد حسن ۵۲	عبدی، کامیار ۳۵، ۱۴۴
سند ۱۳، ۳۵	عربستان سعودی ۴۳، ۴۷
سیاه‌پوش، محمدتقی ۲۴	عراق ۳۱، ۴۷، ۴۸
	عسلویه ۲۹

کرمان ۱۰۲، ۴۰	عقلمند، احمد ۳۲، ۲۱
کرمانشاه ۱۴۱	عمان ۱۰۲، ۵۳، ۴۰، ۳۵، ۲۵، ۲۲
کریم‌خان زند ۵۸، ۴۲	عیسوی، چارلز ۱۱۶
	عیلامیان ۴۹
گ	
گزننفون ۸۶، ۸۰	ف
کلودیوس پتوله / بطلمیوس ۸۶، ۸۴	فلات ایران ۲۲
کنگان ۲۹	فلاویوس آریانوس ۸۳
کویت ۲۹، ۲۸	فلسفی، نصرالله ۵۶
گنجی، محمدحسن ۲۸	
ل	
لابروس، هانری ۱۴۳، ۱۱۹	ق
لار ۲۵	قائم مقامی، جهانگیر ۸۰
لُردگُزُن ۱۱۶، ۴۲	قاجار، محمدشاه ۱۰۶
	قاجار، ضلرال‌دین شاه ۴۲
	قدامة‌بن جعفر ۸۹
	قدری قلجی ۱۱۱
	قزوینی، زکریا ۱۰۲، ۱۲۸
	قطر ۴۷
م	
مازندران ۴۲	
مدنی، احمد ۱۰۶، ۱۱۵، ۱۲۸	ک
مروزی، شرف‌الزمان طاهر ۹۹	کازرونی، محمدابراهیم ۱۰۶
مستوفی، احمد ۲۲	کاظمی، سید علی‌طغر ۱۳۰
مستوفی قزوینی، حمدالله ۱۰۳	کانال سوئز ۴۵، ۵۰، ۷۷، ۷۸، ۱۱۹، ۱۲۳
مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین ۹۲، ۹۳	کردستان ۷۰، ۱۰۷
مشکور، محمدجواد ۸۰، ۹۰، ۹۴، ۱۰۰	

- ۱۰۴
مصداق، دکتر محمد ۱۱۹
مصر ۷۹، ۷۵، ۷۳، ۴۹
معظمی گودرزی، خسرو ۲۵
مقتدر، غلامحسین ۴۵
مقدسی، ابوالدالله محمد بن احمد ۹۶، ۹۸،
۱۲۶
مهدوی، عبدالرضا هوشنگ ۴۱، ۵۸
- ی
یاقوت حموی ۹۹
یغمایی، اقبال ۳۶
یونانی‌ها ۱۴، ۶۴، ۷۰، ۸۴
- ن
ناخدا میلانیاں ۴۶
نشأت (میرداماد)، صادق ۴۰
نوفل مصری ۱۱۱
- و
وادالا، ر. ۱۱۸
وایت هاوس، دیوید ۵۲
ورهرام ۲۴
ویلسن، سرآرنولد ۴۱، ۱۱۸
- ه
هالیدی، فرد ۱۲۱
هخامنشیان ۳۶
هخامنشی، کورش بگو ۴۹

منابع

- ۱- آمیه، پیر. تاریخ ایلام، ترجمه شیرین بیانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹
- ۲- ابن بلخی. فارس نامه ابن بلخی، توضیح و تحشیه، منصور رستگار فسایی، شیراز، بنیاد فارسی‌شناسی، ۱۳۷۴
- ۳- ابن حوقل، صورةالارض، ترجمه جعفر شعار، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگی ایران، اردیبهشت ۱۳۴۵
- ۴- ابن خرداد به. المسالك و الممالک، ترجمه حسین قره چانلو، تهران، بی نا، ۱۳۷۰
- ۵- ابن رسته. الحلاق النفسیه، ترجمه حسین قره چانلو، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۵
- ۶- ابوالفداء. تقویم البلدان، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، پاییز ۱۳۴۹
- ۷- احمد بن ابی یعقوب. تاریخ یعقوبی، جلد اول، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴
- ۸- احمدی، حمید. تاریخ نیم قرن نیروی دریایی نوین ایران، تهران، نیروی دریایی ایران، آبان ۱۳۵۵
- ۹- استخری، ابواسحاق ابراهیم. مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار یزدی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷
- ۱۰- افشار (سیستانی)، ایرج. جزیره بوموسی و جزایر تنب بگو و تنب کوچک، چاپ سوم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰
- ۱۱- افشار (سیستانی)، ایرج. جزیره هندرابی و دریای پارس و نگاهی به جزایر فارور و فارورگان، چاپ دوم، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۸
- ۱۲- افشار (سیستانی)، ایرج. جغرافیای تاریخی دریای پارس، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر

اسلامی، ۱۳۷۶

۱۳- افشار (سیستانی)، ایرج. نام دریای پارس و دریای مازندران و بندرها و جزیره‌های ایرانی، تهران، کشتی رانی والفجر هشت، ۱۳۷۶

۱۴- اقبال، عباس. مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس، تهران، چاپ مجلس، ۱۳۳۸

۱۵- امیر ابراهیمی، عبدالرضا. خلیج فارس، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۳۵

۱۶- بختیاری طل، فریبرز. خلیج همیشه فارس، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسایل خلیج فارس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۸

۱۷- بکران، محمد بن نجیب. جهان نامه، به کوشش محمد امین ریاحی، تهران، انتشارات ابن سینا، فروردین ۱۳۴۲

۱۸- بوشهری، معین التجار. تذکره للمتقین، تفصیل جزیره هرموز، صورت احکام هیأت دولت مشروطه، تهران، فاروس، شهر رمضان ۱۳۲۹ ه. ق

۱۹- بهار، مهرداد. پژوهشی در اساطیر ایران، پاره نخست و دوم، تهران، نشر آگه، پاییز ۱۳۷۶
۲۰- بهنام، جمشید. نظری اجمالی به اقتصاد خلیج فارس، و... سمینار خلیج فارس، جلد دوم، تهران، اداره کل انتشارات و رادیو، مهر ۱۳۴۱

۲۱- بیرونی خوارزمی، ابوریحان محمد بن احمد. تهدید نهاییات الاماکن لتصحیح مسافات المساکن، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲

۲۲- پارسونز، سر آنتونی. غرور و سقوط، ترجمه منوچهر راستین، تهران، انتشارات هفته، تیر ۱۳۶۳

۲۳- تاورنیه، بارون. سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، تهران، کتابخانه ثنایی، زمستان ۱۳۶۳

۲۴- تکمیل همایون، ظفر. اسلام و تداوم نقش فرهنگی ایران در خلیج فارس، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسایل خلیج فارس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۸

۲۵- جمال زاده، سید محمد علی. نام خلیج فارس در هزار سال پیش از این، مجله یغما، سال ۱۷

- شماره ۸، آبان ۱۳۴۳
- ۲۶- حافظ نیا، محمد رضا. خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرموز، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۷۱
- ۲۷- حدودالعالم من المشرق الی المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۶۲
- ۲۸- دبورین، ک. ا. رازهای جنگ جهانی دوم، ترجمه کی خسرو کشاورز، تهران، گوتنگو، ۱۳۵۶
- ۲۹- درویش زاده، علی. زمین‌شناسی ایران، تهران، نشر دانش امروز، ۱۳۷۰
- ۳۰- دوستخواه، جلیل. اوستا، کهن‌ترین سرودهای ایرانیان، جلد دوم، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۷۵
- ۳۱- رامهرمزی، ناخدا بگو شهریار. عجایب هند، ترجمه محمد ملک زاده، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، زمستان ۱۳۴۸
- ۳۲- رایت، سردنیس. ایرانیان در میان انگلیسی‌ها، جلد دوم، ترجمه کریم امامی، تهران، نشر نوبا همکاری انتشارات زمینه، ۱۳۶۵
- ۳۳- رایین، اسمطیل. دریانوردی ایرانیان، جلد اول، تهران، چاپ سگه، تیر ۱۳۵۰
- ۳۴- رسایی، دریادار فرج‌الله. دوهزاروپانصد سال بر روی دریاها، تهران، بیک دریا، ۱۳۵۰
- ۳۵- رضی، هاشم. وندیداد، جلد دوم، تهران، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۶
- ۳۶- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۹۷۰۶، ۱۲ شهریور ۱۳۷۱
- ۳۷- روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۰۰۶، ۱۶ اسفند ۱۳۷۵
- ۳۸- روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۰۱۰، ۲۱ اسفند ۱۳۷۵
- ۳۹- روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۰۳۸، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۷۶
- ۴۰- روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۰۴۷، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۷۶
- ۴۱- روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۰۷۸، ۲۹ خرداد ۱۳۷۶
- ۴۲- روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۱۳۴، ۴ شهریور ۱۳۷۶
- ۴۳- روزنامه سلام، شماره ۳۷۲، ۱۶ شهریور ۱۳۷۱

- ۴۴- روزنامه کیهان، شماره ۱۵۷۸۹، ۲۳ آبان ۱۳۷۵
- ۴۵- روزنامه کیهان، شماره ۱۵۹۲۲، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۶
- ۴۶- روزنامه همشهری، سال اول، شماره ۲۱۳، ۲۹ شهریور ۱۳۷۲
- ۴۷- زرین قلم، علی. سرزمین بحرین، تهران، کتاب فروشی سیروس، ۱۳۳۷
- ۴۸- زیدان، جرجی. تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۶
- ۴۹- سمسار، محمد حسن. جغرافیای تاریخی سیراف، تهران، انجمن آثار ملی، اردیبهشت ۱۳۵۷
- ۵۰- سیاه پوش، محمد تقی. پیرامون آب و هوای باستانی فلات ایران، تهران، ابن سینا، خرداد ۱۳۵۲
- ۵۱- شاپوریان، عنایت الله. بیست و پنج سده مالیات، تهران، بی نا، ۱۳۵۰
- ۵۲- شارب، رلف نارمن. فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی، تهران، شورای مرکزی جشن‌های شاهنشاهی، ۱۳۴۶
- ۵۳- شاملو، محسن. خلیج فارس، تهران، بی نا، خرداد ۱۳۴۷
- ۵۴- عبدی، کامیار. کتابی جدی با نام جعلی، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، شماره ۱۳ و ۱۴، اسفند ۱۳۷۲
- ۵۵- عقلمند، احمد. تحلیلی بر اوضاع ژئوپولیتیک و استراتژیک خلیج فارس، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسایل خلیج فارس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۸
- ۵۶- عیسوی، چارلز. تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، تابستان ۱۳۶۲
- ۵۷- فتح الهی، جعفر. سوابق تاریخی و وجه تسمیه خلیج فارس، مجموعه مقالات سمینار مسایل بررسی خلیج فارس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۸
- ۵۸- فلسفی، نصرالله. زندگانی شاه عباس اول، جلد سوم، تهران، کتاب کیهان، ۱۳۳۹
- ۵۹- قائم مقامی، جهانگیر. سنگ نبشته‌های هخامنشی در توه نیل، مجله بررسی‌های تاریخی،

- سال ۶، شماره مخصوص، مهر ۱۳۵۰
- ۶۰- قدامة بن جعفر. کتاب الخراج، ترجمه و تحقیق حسین قره چانلو، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۰
- ۶۱- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود. آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه عبدالرحمن شرف کندی، (هه ژار)، تهران، مؤسسه علمی اندیشه جوان، ۱۳۶۶
- ۶۲- کازرونی، محمد ابراهیم. تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس، تصحیح منوچهر ستوده، تهران، مؤسسه فرهنگی و جهانگیری، ۱۳۶۷
- ۶۳- گرزُن، جرج. ن. ایران و قضیه ایران، جلد دوم، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰
- ۶۴- گنجی، محمد حسن. آب و هوای خلیج فارس، سمینار خلیج فارس، جلد اول، تهران مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ۱۳۵۳
- ۶۵- لابروس، هانری. خلیج فارس و کانال سوئز، ترجمه و تلخیص محمد خواجه نوری، تهران، مرکز مطالعات عالی بین المللی دانشگاه تهران، بهمن ۱۳۵۲
- ۶۶- مجتهد زاده، پیروز. جغرافیای تاریخی خلیج فارس، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴
- ۶۷- مدنی، احمد. محاکمه خلیج فارس نویسان، تهران، انتشارات توس، ۱۳۵۷
- ۶۸- مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی. درباره سوم شهریور. نقش آن در جنگ جهانی دوم، تهران، ۱۳۵۵
- ۶۹- مستوفی، احمد. خلیج فارس، ساختمان و پیدایش آن، سمینار خلیج فارس، جلد اول، تهران، اداره کل انتشارات و رادیو، مهر ۱۳۴۱
- ۷۰- مستوفی قزوینی. حمدالله. نزهة الغلوب، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران کتابخانه طهوری، اسفند ۱۳۳۶
- ۷۱- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. مروج الذهب و معادن الجوهر، جلد اول، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶
- ۷۲- مقدسی، ابوالقاسم محمد بن احمد. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، بخش اول، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، اسفند ۱۳۶۱

- ۷۳- معظمی گودرزی، خسرو. تاریخچه‌ای مختصر از زلزله‌های شدید ایران و جهان، ماهنامه ساختمان، شماره ۲۰ مرداد ۱۳۶۹
- ۷۴- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ. تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۴
- ۷۵- نشأت (میرداماد)، صادق. تاریخ سیاسی خلیج فارس، تهران، شرکت نسبی کانون کتاب، تیر ۱۳۴۴
- ۷۶- وادالا، ر. خلیج فارس در عصر استعمار، ترجمه شفیع جوادی، تهران، سحاب کتاب، آبان ۱۳۵۶
- ۷۷- واسیلیف، الکسی. مشعل‌های خلیج فارس، ترجمه سیروس ایزدی، تهران، شرکت سهامی کتاب حبیبی، ۱۳۵۸
- ۷۸- وایت هاوس، دیوید و ویلیامسن، آندرو. بازرگانی دریایی ساسانیان، ترجمه گیو آقاسی، تهران، کشتی رانی ملی آریا، بی تا.
- ۷۹- وزارت امور خارجه. نقشه‌های جغرافیایی و اسناد تاریخی خلیج فارس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی با همکاری مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ۲۹ آبان ۱۳۶۸
- ۸۰- ویلسن، سر آرنولد. خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸
- ۸۱- هاردینگ، سر آرتور. خاطرات سیاسی سر آرتور هاردینگ، ترجمه، جواد شیخ الاسلامی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۳
- ۸۲- هالیدی، فرد. مزدوران انگلیسی، نیروی ضد اغتشاش در خلیج فارس، ترجمه اختر شریعت‌زاده، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۵۸
- ۸۳- هدایت تبرستانی، رضاقلی خان. تاریخ روضه‌الصفای ظری، جلد دهم، تهران، کتابخانه مرکزی و خیام و پیروز، ۱۳۳۹
- ۸۴- یغمایی، اقبال. خلیج فارس، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، آبان ۱۳۵۲

آثار نگارنده

۱. نگاهی به سیستان و بلوچستان
۲. واژنامه سیستانی
۳. نگاهی به ایلام
۴. نگاهی به خوزستان
۵. سیستان‌نامه، جلد اول
۶. سیستان‌نامه، جلد دوم
۷. مقدمه‌ای بر شناخت طوایف سرگلزایی و بارکزایی سیستان و بلوچستان
۸. بزرگان سیستان
۹. بلوچستان و تمدن دیرینه آن
۱۰. مقدمه‌ای بر شناخت ایلها، چادرنشینان و طوایف عشایری ایران، جلد اول (کتاب برگزیده در رشته جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، کتاب سال ۱۳۶۷ ه. ش)
۱۱. مقدمه‌ای بر شناخت ایلها، چادرنشینان و طوایف عشایری ایران، جلد دوم
۱۲. نگاهی به بوشهر، جلد اول
۱۳. نگاهی به بوشهر، جلد دوم
۱۴. نگاهی به آذربایجان شرقی، جلد اول
۱۵. نگاهی به آذربایجان شرقی، جلد دوم
۱۶. نگاهی به آذربایجان غربی، جلد اول
۱۷. نگاهی به آذربایجان غربی، جلد دوم
۱۸. مقالات ایران‌شناسی، جلد اول
۱۹. مقالات ایران‌شناسی، جلد دوم - زیر چاپ
۲۰. سفرنامه و خاطرات امیر عبدالرحمن خان، جلد اول
۲۱. سفرنامه و خاطرات امیر عبدالرحمن خان، جلد دوم
۲۲. عشایر و طوایف سیستان و بلوچستان
۲۳. ایلام و تمدن دیرینه آن
- ۲۴ و ۲۵. خوزستان و تمدن دیرینه آن، ۲ جلد
۲۶. جزیره کیش و دریای پارس
- ۲۷ و ۲۸. پزشکی سنتی مردم ایران، ۲ جلد
- ۲۹ و ۳۰. کرمانشاهان و تمدن دیرینه آن، ۲ جلد

۳۱. چابهار و دریای پارس
۳۲. جزیره هندرابی و دریای پارس و نگاهی به جزایر فارور فارورگان
۳۳. سیمای ایران
۳۴. جغرافیای تاریخی دریای پارس
۳۵. جزیره بوموسی و جزایر تنب بزرگ و تنب کوچک
۳۶. نام دریای پارس، دریای مازندران و بندرها و جزیره‌های ایرانی
۳۷. کیش مروارید خلیج فارس
۳۸. گزیده‌ی کتاب شناختی خلیج فارس
۳۹. پژوهش در نام شهرهای ایران
۴۰. سرزمین و مردم قطر
۴۱. سرزمین و مردم تاجیکستان
۴۲. نام خلیج فارس
۴۳. نام دریای مازندران
۴۴. آثار باستانی و بناهای تاریخی خوزستان
۴۵. کولی‌ها (پژوهش در زمینه کولی‌های ایران و جهان)
۴۶. کولی‌های خراسان و نگاهی به استان خراسان
۴۷. نگاهی به کشورهای جنوبی خلیج فارس
۴۸. ۵۴ تا ۷ جلد فرهنگ مردم ایران، ۷ جلد
۵۵. جغرافیای طبیعی و تاریخی سیستان و بلوچستان
۵۶. خاندان علم و سیاست‌های استعماری در خاور ایران.
۵۷. جغرافیای تاریخی و شهرنشینی کوه خواجه‌ی سیستان.
۵۸. ایران، شناخت و ویژگی‌ها به زبان انگلیسی.
۵۹. ایران جهان در یک مرز به زبان فارسی و انگلیسی.
۶۰. سیستان و نخستین عمل رستم‌زاد - سزارین، در ایران و جهان.
۶۱. ویژگی‌های اخلاقی و نژادی مردم سیستان.
۶۲. دریای مازندران.
۶۳. پزشکی سنتی مردم سیستان.
۶۴. عشایر و طوایف استان کرمان.
- ۶۵-۷۲. جغرافیای تاریخی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان.
۷۳. گردشگری و میراث فرهنگی استان چهارمحال و بختیاری.

۷۴. گردشگری و میراث فرهنگی استان اردبیل.
۷۵. گردشگری و میراث فرهنگی استان خوزستان.
- ۷۶-۱۰۸. گردشگری و میراث فرهنگی ۲۵ استان دیگر.
- ۱۰۹-۱۱۲. فرهنگ نام شهرهای ایران.
- ۱۱۳-۱۳۷. سیستان و تمدن دیرینه‌ی آن و ۲۴ منطقه‌ی دیگر.
- نگارنده از سال‌ها پیش با مطبوعات ایران و جهان همکاری داشته و دارد، و نزدیک به پانصد مقاله پژوهشی، تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی او در مجله‌ها، فصلنامه‌ها، روزنامه‌ها، سخنرانی در همایش‌های داخل و خارج از کشور، مصاحبه، و ... چاپ شده است.
- تا کنون بیش از بیست طرح علمی و پژوهشی، در زمینه‌ی شناخت استان‌ها، فرهنگ بومی، برگزاری همایش‌ها، نام‌های جغرافیایی، ویژگی‌ها و جاذبه‌های گردشگری استان‌ها، عشایر و طایفه‌ها، و ... برای سازمان‌ها و نهادهای کشور، تدوین کرده است.
- افشار (سیستانی)، که تا کنون آثار ارزشمند، ماندنی در زمینه‌ی ایران شناختی به یادگار نهاده است، به پاس سالیان دراز خدمت و پژوهش و نگارش کتاب دو جلدی «ایل‌ها، چادرنشینان و طوایف عشایری ایران» که در سال ۱۳۶۷ خورشیدی، کتاب سال ایران شناخته شد، از سوی ریاست جمهوری اسلامی ایران، به عنوان نویسنده و پژوهشگر سال کشور انتخاب شده است.
- کتاب ایل‌ها و چادرنشینان... از میان سیصد تا چهارصد هزار عنوان کتاب به زبان فارسی، که از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۰ خورشیدی، به موزه‌ی بزرگ لنین در شهر مسکو، پایتخت جمهوری فدرایتو روسیه وارد گردیده است، بعنوان کتاب برتر انتخاب و در خزانه‌ی طلایی آن موزه به ثبت رسیده است.
- افشار (سیستانی) در بهمن ماه ۱۳۸۳ خورشیدی، از سوی سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، عنوان «فرزانه» را احراز نموده است.
- در پنجم مهر ماه ۱۳۸۴ خورشیدی، در روز جهانی جهانگردی، از سوی معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، به عنوان برترین خادم و برترین نویسنده‌ی صنعت گردشگری ایران انتخاب شده است.
- در ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶ خورشیدی، در دومین جشنواره‌ی بین‌المللی رسانه‌ای میراث فرهنگی، مقام نخست کشور، در بخش سراسری مقاله را به دست آورده است.